

کارگران جهان متحد شوید!

۱۰۹

پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بهاء ۳۰ ریال

سال سوم - دوشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۶۰

در صفحات دیگر این شماره:

- درباره حزب طبقه کارگر صفحه ۹
- لایحه قصاص: نمودار ماهیت ارتجاعی رژیم صفحه ۱۳
- چگونه به سازمان پیکار پیوستیم صفحه ۲۱
- اهواز: دختران انقلابی اسپر، زیر تازیانه ماموران رژیم صفحه ۲۲
- رژیم، شناسایی فلسطین بعنوان یک دولت را پس گرفت! صفحه ۳۲

رفقای معلول حادثه دانشگاه و مدال افتخار در راه آزادی طبقه کارگر

صفحه ۱۹

زنده باد مبارزه طبقاتی در شوروی امپریالیستی!

صفحه ۲۵

بودجه ۱۳۶۰: بودجه ورشکستگی و وابستگی

رژیم جمهوری اسلامی: پیش بسوی وابستگی بیشتر به امپریالیسم!

■ نگاهی گذرا به قرارداد های اسارتناز جمهوری اسلامی در ماه های اخیر

رژیم جمهوری اسلامی به کواهی عملکرد سیاست های دو سال و چند ماهه اش هر قدر می که برداشته در جهت پشت بازدن بدستاوردهای تمام نکوهش مند خلقهای ایران و حفظ، تحکیم و گسترش سرمایه داری وابسته ایران بوده و می باشد. مرتجعین به قدرت خریدده با تمام ادعای بی مکر و فریب و نقلی نمائی - های برهیا هو و دروغن شان ، از همان روزهای اول زمانه داری - شان جز سفع سرمایه داران و جز در بازسازی سرمایه داری وابسته و ترمیم آسیب های وارد بر آن از طرف توده های زحمتکش و انقلابی در جریان ماها مبارزه قهرمانانه توده های تحت ستم و جز بازسازی دستگا های اداری و نظامی سرکوب رژیم وابسته نه قدمی برداشته اند. بخشی از این کارنامه تنگس رژیم را در ضمیمه شماره ۱۵ صفحه در صفحه ۱۵

سازمان چریکهای فدایی خلق: تزلزل در برابر ضد انقلاب در کردستان!

درباره موضعگیری فدائیان در قبال حملات اخیر حزب دمکرات به کومهله

صفحه ۵

مبارزه پر شکوه کارگران اخراجی مجتمع فولاد و خیانت رویزیونیستها

صفحه ۳

مناسبات درآمدهای کسب و کار دولتی و سرمایه داری خصوصی است جز بخشی از ارزش اضافی حاصل از استثمار کارگران با نمانه بخشی از محصول ما را در دستشان و بسندوران یعنی تولیدکنندگان مستقل و زحمتکش ان غیر پرولتاریه کار را از آنها مختلف در اختیار این دولت قرار گرفته و بودجه دولت را تشکیل میدهد.

کارکنانها مولدا رزش است و مناسبات بودجه های کلان دولتیهای سرمایه داری نیز چیزی جز حاصل کار اکثریت اهالی کشور نیست. دولتیهای سرمایه داری این درآمدها را در جراحی مصرف میکنند؟ نحوه مصرف بودجه توسط دولت از منافع طبقه ای که دولت نمایندند است. حادثاتی تا بدین بر بودجه دولت در خدمت حفظ تسلط طبقه سرمایه دار، تا من این ابزارها و وسایل این طبقه و طبقه مناسبات استثمار کارکنان سرمایه داریست. بودجه، دولت را تغذیه منما بود دولت نیز چیزی جز ما این سرتوب طبقاتی نیست. در کشورهای سرمایه داری وابسته بد امپریالیسم بودجه دولتیها در عین حال به ابزاری برای حفظ این وابستگی نیز بدل میگردد.

نقشه در صفحه ۱۱

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

خشم خروشان کارگران کوره پزخانه‌ها در ۲۳ خرداد ۱۳۳۸:

نمونه‌ای از مبارزات حماسه آفرین طبقه کارگر ایران

اعتصاب پرشکوه ۴۰ هزار کارگر زحمتکشان کوره پزخانه های تهران سکوت مرگبار شب دیکتاتوری رژیم وابسته شاه را در هم شکست و نشان داد که قلع و قمع زحمتکشان پس از کودتای ۲۸ مرداد دهرگز نتوانسته نعله های خشم زحمتکشان را از پیرایه همیشه فرونشاند.



و این نعله های خشم ناپیروزی حماسه آفرین
همچنان باقی خواهد ماند.
"یادبندان قهرمان ۲۳ خرداد ۱۳۳۸، اکراسی
می داریم!"



۲۳ خرداد ۱۳۳۸، فاجعه دیگری در جنبش همیشه خروشان کارگران ایران است.
۲۳ خرداد ۳۸، تیلور را ده ستوار زحمتکشان ایران در گسترش مبارزات انقلابی و شکستن سکوت و خفقان حاکم پس از کودتای خونین و آمریکا شای ۲۸ مرداد است.
۲۳ خرداد ۳۸، روز خونین دیگری در روند زندگی بخش و تاریخ ساز جنبش کارگری ایران است.
۲۳ خرداد ۳۸، تنگ دیگری بر دامان رژیم نعلی و وابسته امپریالیسم شاه است.

در ۲۳ خرداد ۳۸، پس از شش سال کشتار و سرکوب چکمه پوشان مزدور امپریالیسم و به خاک و خون کشیده شدن هر حرکت مبارزاتی و ترقی - خواهانه و پس از فرونشستن مبارزات شکوهمند زحمتکشان و... دوباره فیرا دحق طلبانه و خشم خروشان ۴۰ هزار کارگر زحمتکش کوره پزخانه‌ها که در بدترین شرایط کار و زندگی، در میان آتش و دود و خاک با فیر و کورسنگی دست و پنجه نرم میکردند، در میهن ما طنین انداخت.

کارگران کوره پزخانه‌ها، که در برابر ستم و غارتگری فیرا در برابر آفتاب داغ و درکنار کوره‌های جهشی و در میان دود و خاک و... از حداقل نیازهای اولیه زندگی محروم بودند، با فیرا دهای حق طلبانه خود سکوت چند ساله را شکستند. آنها با سخا و استعدادهای مبارزه خود سرمایه داران را لومفت را وادار به قبول خواسته‌های عادلانه‌شان بنمایند، اما رژیم مزدور شاه که کوچکترین حرکت حق طلبانه زحمتکشان را تحمل نمیکرد، مزدوران مسلح خود را برای سرکوب کارگران قهرمان کوره پزخانه‌ها فرستاد. در ۲۳ خرداد ۳۸ کارگران قهرمان کوره پزخانه‌ها با شت بهای گره کرده و در میان فیرا دهای خروشان خود، با رگبار گلوله‌های مزدوران ارتجاع و امپریالیسم بخون - سرخ خویش خفتند و ۵۰ شهید قهرمان در راه رهایی زحمتکشان نشان کردند. کارگران قهرمان کوره پزخانه‌ها پس از کشتار خونین خرداد ۳۸ نیز همچنان به مبارزه ادامه دادند و همدوش سایر دیگر زحمتکشان حماسه آفریدند. آخرین مبارزات متحدانه و گسترده کارگران کوره پزخانه‌ها وائل سال ۵۸ بر میگردد که آنان با طردن تغییر در وضع طاقت فرمای کار و زندگی که انتظار داشتند، نسل قیام خونین بیمن تغییر کردند و دوباره در برابر برهمن کارفرمایان و سرمایه داران را لومفت قبلی قرار نگرفتند دست به اعتصاب بردند و متاعی زدند.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

اخراج مدیرعامل ضد کارگر، جلوه‌ای از قدرت و همنه‌بستگی کارگران سایپا

کارگران متحد و متشکل کارخانه سایپا در روز ۶/۳/۶۰ طی یک حرکت مبارزاتی "کاتوزیان" مدیرعامل ضد کارگران با کتک از کارخانه بیرون انداخته و با خریدن شیرینی و بستنی ایمن پیروزی کوچک را جشن میگیرند. حوزه‌های سازمان سازمان پیکار... در نشریه پیکار تاومیل سازمان این چنین به‌نای ما هیئت ضد کارگری ایمن مزدور می‌رود از:

"... کاتوزیان "تکتستی" کسی است که تا به حال تعدادی از کارگران مبارز کارخانه و اخیراً ۵ نفر از کارگران ۵ درصدی را اخراج کرده است او کسی است که هفته گذشته مرخصی بدون حقوق کارگران را لغو کرده و اعلام نمود که اگر کسی بیش از ۳ روز به سرکار نیاید اخراج می‌شود. او کسی است که ۲۷ نفر را اخراج کرده و بقول خودش صدامی در نیامد. او کسی است که میگفت کارگران با مدیر سینه‌شان کارت بزنند تا منخن شوند و نشویند. یک قسمت به قسمت دیگر کارخانه سرود و حتی برای رفتن به دستشویی، کارگران میبایست کارت بگیرند... کاتوزیان این تک و فادار سرمایه‌داران، بیشتر ما نه یکی از کارگران که علت اخراج خود را می‌پرسید، میگوید "از صبا فعات خوتنمی آید!!"

کاتوزیان می‌دور که عامل رژیم جمهوری اسلامی در کارخانه است، اعلام کرده بود که با بدسلطه مراتب برای تحویل تولید رعایت گردد. یعنی کارگر باید کار خود را به سرکار برگرداند و سرکار را به سرپرست و سرپرست به مدیر قسمت و... تا از این طریق بهره‌کشی از کارگران و میزان تولید را افزایش دهد. کارگر در طی این حرکت شعارها را چون "اتحاد، اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد"، "کارگر پیروز است، ساریکار نیاید است" و... را میدادند. کارگران موفق میشوید بعد از اخراج این مردور با قدرت همبستگی و اتحاد خود، کارگران اخراجی ۵ درصدی را به سرکار بازگرداند. رژیم جمهوری اسلامی که از این حرکت انقلابی کارگران به وحشت افتاده بود در تاریخ ۱۲/۳/۶۰ ۳۴ نفر را کارگران و کارمندان کارخانه را با حکم مابنده دادستانی انقلاب در زندان اوین، به مجرد بدست آمدن از سرویس کارخانه دستگیر کرده و به زندان اوین میبرد. کارگران مبارز سایپا! شما که حتی بدون داشتن یک شورای واقعی نتوانستید متشکل شده و مدیرعامل ضد خلقی را از کارخانه اخراج نمائید باید برای کسب حقوق بیشتر و سرپیچیدن از دستکاریهای واقعی موده و برای آزادی رفقای ربا نشان بکوشد.



مبارزه پرشکوه کارگران اخراجی مجتمع فولاد و خیانت رویزونیست‌ها!

اهازی بودند جلوی مجتمع اجتماع کرده و با برپائی راهپیمائی وسیع اجتماع در مقابل دفتر مرکزی خشم انقلابی خود را از این حرکت ضد انقلابی نشان دادند.

این بار دیگر نوبت رویزونیست‌های خائن توده‌ای و اکثریتی بود که در نقش به اصطلاح نماینده کارگران در دفاع از رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی وارد میدان شوند. این مزدوران هنگام تعطیل کارخانه ذوب سعی کردند حرکت اعتراضی کارگران را در مجراهای "فانونی" و "منطقی" انداخته و در اولین قدم به غرضی استاندار خلاقوزسان که نقش فعالی در سرکوب کارگران مجتمع فولاد اهازی داشتند مراجعه میکنند که غرضی در جواب آنها میگوید که به کارگران بگوئید اگر حقوق کامل میخواهند به کارخانه بروند و زیر نوپ و مومک نر لید کنند. با حکم صادره یعنی تعطیلی و کم شدن دستمزدها، ایبیزیرند. رویزونیست‌های خائن تا امید نشده و برای اندامه مذاکرات به همراه چند تن دیگر گراهی تهران میشوند. در مورد تعطیل کل مجتمع نیز این خائنین توده‌ای و اکثریتی بودند که از طرح "انجمن اسلامی" به بقیه در صفحه ۴

در پی اعلام تعطیل شدن کارخانه ذوب ۱ از مجتمع ۱۵/۵۰۰ نفری فولاد اهازی و پیرداخت فقط ۲۵۰۰ تا ۳۵۰۰ تومان به کارگران در مدت تعطیلی، کارگران ساریقت‌های مجتمع فولاد (عمدتاً کارگران بیمانی) که میدانشند توطئه رژیم در مورد تعطیلی کارخانه ذوب ۱، بزودی در مورد آنان سیر عملی خواهد شد. با تشکیل مجامع عمومی در سطح کارخانه‌ها جهت جلوگیری از اخراج و کم کردن حقوق کارگران، اقدام به انتخاب نمایندگان و تشکیل شوراهای قسمت‌ها می‌نمایند. حدس کارگران مبتنی بر سراسری بودن توطئه تعطیلی در تمام مجتمع می‌مورد سیر رژیم در تاریخ جمعه ۳/۳/۶۰ اطلاعیه‌ای از رادیو اهازی پخش کرده و اعلام مینماید از روز شنبه ۶/۳/۶۰ مجتمع فولاد اهازی تعطیل بوده و سروسها برای بردن کارگران به کارخانه نیاید. رژیم که هنگام تعطیل کارخانه ذوب ۱، با حرکت اعتراضی کارگران و جنب و جوش آنان برای تسکین شورا و پیرونده بود، این بار میخواهد با اعلام از رادیو از شکل کارگران جلوگیری کند. اما روز شنبه نزدیک به ۲ هزار تن از کارگران که در

نشدید فشار رژیم از طریق افزایش ساعات کار و مقاومت کارگران

همه جا به رژیم واقع گردیده است. محدودیت ساعات کار و رساندن آن به ۴۰ ساعت در هفته میباشد. نمونه‌های زیر نشانگر گوشه‌های از توطئه‌های رژیم و مقاومت کارگران (هر چند خود بخود و پراکنده) در مقابل آنست:

۱- کارخانجات کفش ملی: رژیم بعد از سرکوب و حشیا نه می‌ارزه کارگران بر سر سود ویژه در آمدن گذشته و اخراج عده‌ای از کارگران مبارز و پویا ده کردن مقررات انضباطی آزما موری در مجتمع، در تاریخ چهارشنبه ۲۰/۳/۶۰ اعلام بقیه در صفحه ۴

رشد بحران اقتصادی - اجتماعی ذاتی سیستم سرمایه‌داری و البته ایران و رنجگری مبارزات کارگران و توده‌ها، رژیم جمهوری اسلامی را بر آن داشته که با حمله بدستاوردهای مبارزاتی کارگران بخش عمده‌ای بحران را بدوش آنان منتقل کرده و تا حد ممکن با برهم زدن تشکیلات واقعی کارگران و ایجاد تفرقه و دودبستگی مابین آنان و دستگیری و اخراج عناصر مبارز جنبش کارگری، از مبارزه کارگران بر علیه این حملات جلوگیری یکی از دستاوردها شیکه کارگران با چنگ و دندان آنرا بدست آورده اند و اینک مورد پیورش

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



بقیه از صفحه ۳

عنوان یک طرح "مفید" نام میبرند.

روزیکشنبه ۶۰/۳/۳ کارگران شرکت ما بنا (بیما نکار مجتمع فولاد) نمایندگان خود را انتخاب نموده و بعد از هیما نی با ردیگر جلوی دفتر مرکزی اجتماع میکنند. در این روز اکثریتی های خاشی که بعنوان نماینده خوب هستند و در وقت دیگر به تهران رفته بودند با زگشته و در اجتماع کارگران حاضر میشوند. یکی از دو نماینده دیگر در مورد مذاکره تهران خطا به کارگران چنین میگوید:

"دوستان کارگران ما به تهران برای مذاکره رفتیم ولی همانطور که از پیش معلوم بود فقط این مسئله روشن شد که تمامی ارگانهای مختلف دست بدست یکدیگر داده و توطئه تعطیلی و اخراج کارگران مجتمع را طرح ریزی نموده اند. همانها می گویند که کارگران قند در فول را با بستن کارخانه اخراج کردند همانها میگویند که کارگران کشت و صنعت را بیکار کردند. احمدزاده وزیر مشا و روسری است صنایع و معادن و فولاد کربمی نماینده اهواز در مجلس که کارگران فولاد را ضد انقلاب مینامد به یک میزان در این توطئه نقش دارند."

حرفهای این نماینده مورد استقبال کارگران قرار گرفته و شعارهای "مرگ برا احمدزاده"، "مرگ بر فولاد کربمی" را میدهند. رویزیونیستهای اکثریت کارگران را دعوت به "ارامش کرده و یکی از آنان با گفتن اینکه اینکارها فقط زیر سر "احمدزاده" است سعی میکنند "کربمی" را تهنیت کرده و ذهن کارگران را از مبارزه بر علیه کل رژیم جمهوری اسلامی منحرف سازند.

برای افشای بیشتر ما هیت خیا نیکساران رویزیونیست به پاسخ ارگانهای رژیم توجه کنید: دفتر امام: ما صرفا به امور شرعی رسیدگی میکنیم و کار شما به ما مربوط نیست!

دفتر ریاست جمهوری: کار شما با بستی طبق قانون دنبال شود برای این منظوره آقای "احمدزاده" (نماینده دولت در منابع فولاد) مراجعه کنید! احمدزاده: خجالت نمیکشید که برای چند روز حقوق نه قابل به تهران آمده اید!؟

رویزیونیستها اعلام میکنند که بعنوان نماینده، "کمیته منتخب برای راه اندازی مجتمع" راه انداخته و خیانت خود را با شدت هر چه تمامتر ادا می دهند. کارگران که منتظر بودند نمایندگان برنامه خود را برای مقابله با توطئه اخراج کارگران ارا شده دهند، در مقابل این خیانت واکنش نشان میدهند. کارگران بدرستی میگویند:

بقیه از صفحه ۳

تشدید... میکند که به ساعت کار، یکساعت و ربع اضافه شده و از تاریخ شنبه ۶۰/۳/۲ نیز اجرا میگردد. رژیم بارها در طی دو سال گذشته با عوامفریبیهای مختلف سعی در تحمیل این اضافه کاری به کارگران مجتمع داشته که هر بار با مقاومت آنان روبرو گشته بود. برای مثال در اوایل سال گذشته از دادن سرویس به آنان خودداری کرده بود که کارگران برای درهم شکستن این توطئه پای پیاده راهی خانه های خود شدند تا نتوانند ساعت کار را روی همان ۴۰ ساعت ثابت نگاه دارند. اما بعد از سرکوب کارگران در اوایل سال جاری و ایجاد جو غم و وحشت در کارخانه و به یمن کمکهای ضد انقلابی "انجمن اسلامی" و رویزیونیستهای خاش اکثریت، دست به یورش جدیدی زده است.

تا ثیر این یورش ضد انقلابی در میان کارگران چند شرکت از مجتمع به شرح زیر است: **شرکت یونایتد:** کارگران این شرکت اگر چه از این تصمیم ضد خلقی شدیداً ابراز رضایت میکردند اما بدلیل سرکوب افغان گذشته که در طی آن مبارزه شان بدلیل نداشتن رهبری واقعی به شکست انجامیده بود، این اعتراض جز در قسمت کارکنی که کارگران را چسب زن برای مدت کوتاهی دست از کار کشیدند و با دریک قسمت دیگر که ۴۰ کارگر در اوایل عده از صبح تا بعد از ظهر دست از کار کشیده بودند، به یک حرکت سراسری در سطح کارخانه منجر نشد. فالانژها و انجمن اسلامی برای مقابله با عکس العمل کارگران بسیج شده و سرپرستها نیز دقیقاً گزارش حرکتهای کارگران و عکس العملشان را در رابطه با افزایش ساعت کار با دداشت میگردند که همین امر باعث بروز دوستگی میان کارگران گشته بود.

شرکت گابور: در این شرکت اطلاعیه هیئت مدیره مجتمع مبنی بر افزایش ساعت کار بوسیله کارگران پاره شده و کارگران از صبح روز ۶۰/۳/۲ دست به کم کاری میزنند. کارگران بزرگدیگر بحث کرده و به همه چیز فحش میدادند و تونگ تیز حمله شان متوجه رجا می و دولت ضد خلقی بود. کارگران تصمیم گرفته بودند که طبق ساعتی که در رقبلی (ساعت ۳/۵) کارتها را زده و بیرون کار رقبلی

بیا بید. فالانژهای انجمن اسلامی و سرپرستها از روحیه کارگران و سرخوردشان به مسئله گزارش نوشته و به کارگزیی ردمیکردند و از موقعیت برای شناسائی عناصر مبارزا ستفا ده میکردند. کارگران در ساعت ۳/۵ شروع به سوت کشیدن کرده و ساعت ۳ نیز دست از کار کشیدند و هنگامیکه ساعت ۳/۵ برای زدن کارتها قصد بیرون آمدن داشتند، عوامل کارفرما در گوشه ای از سالن یک سطل را به آتش کشیدند و کارگران به خیال اینکه قسمت آتش گرفته و با غایطه تلخی که از آتش سوزی داشتند که در طی آن چند کارگر زخمی شده بودند، در سالن می مانستند.

بعد از جریان بالا فلانژها با داران مستقر در گروه ملی به کارخانه آمده و جلوی کارت زنی صف میکشند و بدین ترتیب توطئه آتش سوزی را تکمیل میکنند. اما کارگران از ساعت ۳/۵ تا یک ربع به پیش (که ساعت کار جدید میباشند) دست به کار ریزندند.

شرکت استاندارد: در این شرکت اعلامیه حوزه کارگری گفتش ملی ساعت زمان بیکار رگه در آن کارگران به اتحاد دو مقام بر علیه این توطئه دعوت شده بودند، بطور وسیع در میان کارگران پخش شده بود. کارگران بر طبق پایا ساعتکار قبلی دست از کار کشیدند و شروع به سوت زدن مینما بید. روحیه کارگران بالا بود و برخی از آنها در میان خود می گفتند که پیکار هم علامیه داده و گفته بر طبق ساعت کار قبلی کارت بزنند و بیرون بیا شید. کارگران مرتب به دولت فحش میدادند اما با وجود چنین جوی کارگران نتوانسته بودند بیرون بیا بید و فقط دست از کار کشیده بودند.

شرکت چکمه ملی: روحیه مبارزه و مقاومت جویا نه کارگران در این شرکت نسبت به بقیه بالاتر بوده و بهمین دلیل کارگران طبق معمول نیم ساعت قبل از پایا ساعت کار قبلی برای آنها میروند که با درهای بسته ستوران روبرو میشوند اما بزور وارد شده و پس از خوردن با هاراز شرکت بیرون می آیند، اما بدلیل نیا مسدن سرویس ها، در محوطه منتظر میمانند.

بقیه در صفحه ۳۱

خاش در صفوف کارگران و انتخاب تدن بعنوان نماینده کارگران، نشان دهنده این است که کارگران مجتمع فولاد اهواز، هنوز خاشی به طبقه کارگر را به خوبی نمی شناسند.

دوستان کارگر! شورای واقعی فامین پیروزی و مقامهای شما در مقابل توطئه های رژیم جمهوری اسلامی و حامیان آن میباشند. با ایجاد شورا های واقعی، صفوف خود را فشرده تر ساخته و آنرا از وجود رویزیونیستها و سایر نوکران سرمایه، تصفیه نمائید!

"موضوع فقط اخراج ما کارگران است نه چیز دیگری. ما با بیا اینجا مانده و از اخراج خود جلوگیری نمائیم. آنها بدرستی در اعتراض به طرح راه اندازی که برای فریب کارگران از سوی خاشین توده ای و اکثریتی پیش کشیده شده بود میگفتند: "ما نباید فریب "کمیته راه اندازی" را بخوریم، چون مسئله اخراج ما مطرح است نه راه اندازی مجتمع". کارگران نشان دادند که دیگر به این سادگی فریب توطئه های ضد کارگری رژیم را نخوردند. اما رخنه رویزیونیستهای

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

خلق‌ها و مسئله ملی



**پیشمرگان انقلابی،
حملات نیروهای رژیم به
روستاهای کامیاران را
باشکست مواجه کردند**

۶۰/۲/۲۲: در ساعت ۱۲ شب تعداد کثیری ارتشی و پاسداران از طریق کوهپای آوالان به طرف روستای "کوله ساره" و "سرجی" حرکت کردند. آنها بعد از اشغال روستای "کوله ساره"، در تاریخ ۶۰/۲/۲۴ با تصرف تپه‌های بنین سرجی و کوله ساره با تجهیزات نظامی وسیع بطرف روستای سرجی حرکت کردند. ساعت ۷ صبح مزدوران رژیم روستای سرجی را برگردانده و پس از ورود به روستا، اهالی آنرا مورد آزار قرار داده و به تفتیش خانه‌های آنها پرداختند. مزدوران همچنین منزل شخصی بنما حاج شکرالله را به آتش کشیدند که در اثر آن کلیه دارائی‌ها نابود میشود. ساعت ۲/۵ صبح همان روز پاسداران و جاشها، در حالیکه یک مینی بوس پرازاله‌الی را سبقرار داده بودند بطرف روستای "طا" حرکت کردند. پیشمرگان کومله و پیکار روستاهای از روستا شیان مسلح با اطلاع از این اقدامات در تپه‌های روبروی "طا" موضع میگیرند. پاسداران و جاشها در حالیکه روستای مذکور را غمبارها را میگردانند با مقاومت پیشمرگان روبرو میشوند. در این درگیری عده‌ای از پیشمرگان دمکرات نیز شرکت داشتند. بعد از ۳ ساعت نبرد قهرمانانه پیشمرگان، مزدوران رژیم وارد روستا شده و چند قطعه فرش مسجد را غارت کردند. نیروهای دشمن در این جریان تعدادی کشته و زخمی بر جای گذاشتند اما به پیشمرگان صدمه وارد نماند. لیکن سه خانه در اثر گلوله‌های خمپاره آسیب دید. نیروهای فدا انقلابی بعد از نیم ساعت توقف در روستا شروع به عقب نشینی کردند. آنها در ارتعاب پیشمرگان بر اساس سیمه بطرف کوله ساره فرار کردند و در این حال در ساعت ۱۲ ظهر دره بین سرجی و کوله ساره ناگهان به کمین عده‌ای دیگر از پیشمرگان کومله (پهل شهید باقی و پهل شهید یوسف) افتاد و مورد حملات بی‌امان آنها قرار گرفتند. در این نبرد که تا ساعت ۱/۵ بعد از ظهر ادامه داشت نیروهای دشمن با تحمیل خسارات سنگین و کشته و زخمی شدن تعدادی از آنان بفرار دست زدند بدین ترتیب حمله گسترده ارتش و پاسداران و جاشها به روستاهای "سرجی" و "طا" با شکست روبرو شد. در مورد این درگیری‌ها لازم به توضیح است که روحیه اهالی هر سه روستای نامبرده عالی بوده و بی‌انهایت فداکاری پیشمرگان را از لحاظ رساندن آذوقه باری میدادند. شرکت زنان زحمتکش روستائی در این جریان بسیار چشمگیر بود (نقل و تلخیص زحیرنامه ۱۲۵ کومله)

سازمان چریکهای فدایی خلق؛ تزلزل در برابر ضد انقلاب در کردستان!

**درباره موضعگیری فدائیان در قبال
حملات اخیر حزب دمکرات به کومله**

پس و تدوین توافقنامه ۴ ماده‌ای بین طرفین بدرستی بر این نکته اذعان داشت که: "سازمان ماضن استقبال و تأیید توافقنامه فوق با تمام توان خویش در جهت اجرای مواد آن با نیروهای جنبش مقاومت همکاری و مساعدت خواهد نمود و از مردم آگاه و مبارزان کرد و نیروهای سیاسی مسئول در منطقه میخواهیم با نظر کارگزاران مل و توان ما حسن - نیت خویش در اجرای مواد توافقنامه بکوشند..." (کا ۱۰۹)

بدون شک هر نیرویی که در قبال نامیمن منافع خلق کرد و تداوم و تعمیق جنبش مقاومت بر علیه رژیم کومله و اقتصاد حفظ مصالح جنبش دمکراتیک و فدا میریالیستی خلقهای سراسر ایران و بخصوص جنبش مقاومت احساس مسئولیت میکند، نمیتواند از آتشش بی‌توان و تمام درگیری و توافق مسالمت آمیز خوشحال نباشد. ما نیز به سهم خود از این توافق استقبال نموده و بر اجتناب از گسترش درگیری تأکید کردیم. اما آنچه در این میان حائز اهمیت است شناساندن ماهیت آن نیرویی است که این درگیری را در ادامه سیاستهای خود تعمیل کرده و آنرا به مرحله‌ای فراتر از یک درگیری کوچک و به تبدیل کردستان به عرصه جنگ داخلی کشانده است. سازمان چریکهای فدائی توضیح نمیدهد که چرا این درگیری بوقوع پیوسته و اساساً چه منافع طبقاتی بروز چنین درگیریها را از جانب حزب دمکرات ایجاد میکند. اینکه طرفین درگیری، حزب دمکرات و کومله هستند و روشن است، اما باید دید کدام نیرو مورد تعرض قرار گرفته است. سازمان چریکهای فدائی سیاست ظاهرا "بیطرفی" بخود گرفته و بصورت ناظری که مذاکرات بین حزب دمکرات و کومله جهت آتش -

درگیریهای اخیر حزب دمکرات با کومله نتیجه منطقی تداوم سیاستی است که حزب دمکرات در برخورد به مسائل جنبش مقاومت اتخاذ کرده است و این سیاست بیان فشرده‌ای از منافع طبقه ایست که حزب نمابندگی آنرا میکند. بنا بر این هرگونه بررسی و اعلام موضع در مقابل وقایع اخیر در کردستان، نمیتواند جدا از تحلیل مجموعه سیاستهای که منجر به جنگ و درگیری شده صورت گیرد. هر ناظر "بیطرفی" بروقایع اخیر اطراف مها با دوسردشست، نمیتواند در مقابل دلایل و شواهد ناکارنا پذیر موجود در جهت شناخت و معرفی مسبب اصلی جنگ مهرسکوت بر لب زده و آتش افروزی واقعی را از پیش چشم نموده خلق کردید و رنگهدارد و از اعلام مریح موضع خود در قبال آن طفره رود. خلق ستمدیده کردید دنبال این درگیریها انتظار داشت که تمام نیروهای کمونیست و انقلابی و مترقی با اعلام مریح موضع خود در قبال این وقایع و توضیح ریشه‌ها و علل اصلی و افشای مسببین آن و با مقابله با توطئه‌های جنگ افروزان حزب دمکرات، از گسترش دامنه این درگیریها جلوگیری نماید. اما متأسفانه برخی از نیروها نه تنها گامی در این جهت برنداشتند، بلکه با سکوت و یا با طفره رفتن از بیان علل و انگیزه‌های اصلی ایجاد این درگیریها از طرف حزب دمکرات، تا بحال توده‌ها را از واقعیت آنچه که در کردستان بوقوع پیوسته بی‌خبر نگه داشته اند. وجه مشخصه تبلور چنین سیاستی در موضع سازمان چریکهای فدائی خلق بطور آشکاره چشمی خورد.

سازمان چریکهای فدائی خلق پس از درگیریهای اطراف مها باد، با شکست در مذاکرات بین حزب دمکرات و کومله جهت آتش -

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



بقیه از صفحه ۵ سازمان ...
بدون افشای سیاست، اهداف و منافع نیروی حمله‌کننده و آغازگر جنگ، تنها میخواد همه این درگیری‌ها خاتمه داده و توده‌ها را از آن سیاستی که حزب دمکرات به اقتضای منافع طبقاتی خود در پیش گرفته و به چنین درگیری منجر شده‌ی - اطلاع نگاه دارد.

روشن است که ما در جریان این درگیری‌ها بنا به مسئولیت انقلابی خود، بصراحت حمایت قطع خود از کومله را اعلام کرده ایم و در اینجا قصد برخورد به سازمان چریک‌های فدائیان از دیدگاه رفقای کومله را نداریم. آنچه که در اینجا مورد نظر ما است سکوت رفقای فدائی در مقابل ماهیت طبقاتی و اهداف حزب دمکرات میباید که بطور اجتناب - نا پذیر در تداوم خود نمیتواند به افزایش توهم خلق کرد نسبت به حزب دمکرات و نظیر آن و در نهایت بزبان جنبش مقاومت تمام شود. متعاقب

توافق حزب دمکرات و کومله مبنی بر آتش بس و اجرای مفاد توافقنامه ۶۰/۲/۹، حزب دمکرات همچنان به دشمنی با کومله و دستگیری پیشمرگان و هواداران و تحریک و توطئه بر علیه آن ادامه داد. نقطه اوج این سیاست فدا نقلایی حزب بعد از آتش بس، حمله افراد مسلح حزب به پیشمرگان کومله و دستگیری آنها در منطقه "واوان" و جاده سردشت - پیرا نشرو و تدارک حزب جهت حمله گسترده به پیشمرگان کومله در ناحیه "طپتود" بود. بدنبال این واقعه، سازمان چریک‌ها در ادامه همان سیاست پیشین خود در قبال درگیری‌های پیشین حزب دمکرات، طی مقاله‌ای در کار شماره ۱۱۱، ۶۰ خرداد تحت عنوان "هرگونه تضعیف جنبش مقاومت خلق کرد خیانته به انقلاب است موضع - گیری نمود، بی آنکه گوشه‌ای از درگیری‌های بعد از توافقنامه را منعکس نماید و بی آنکه روشن نماید که اساساً چه کسی مفاد توافقنامه ۶۰/۲/۹ را که مورد تائید و استقبال آنها نیز بود زیر پا گذاشته است. سازمان چریک‌های فدائی در این مقاله مینویسد:



استقبال مردم روستا از پیشمرگان قهرمان

"هیچکس نمیتواند انکار کند که وجود اختلافات و تضادها در درون خلق امری عینی و اجتناب‌ناپذیر است اما وجود هر تضاد و اختلافی نمیتواند تحت هر شرایطی منجر به درگیری‌های حاد شود... درگیری‌های حزب دمکرات و کومله تشدید تضادها درون خلقی است" (کار ۱۱۱)

آنچه که در این جملات چریک‌های فدائیان چشمگیر است، ابهام و دوپهلوی گوئی است، چرا رفقای فدائی از افشای آتش افروزی جنگ طفره میروند؟ فدائیان میگویند هر تضادی نمیتواند به درگیری حاد منجر شود. ما می پرسیم:

۱- ماهیت این تضاد چیست و بین کدام طبقات است و اساساً تضاد بین حزب دمکرات و کمونیست‌ها بطور عمده در اینجا کومله چگونه تضاد است که این رفقا آنرا "درون خلقی" ارزیابی میکنند؟! سازمان چریک‌های فدائی، موضع خود در قبال حزب دمکرات را بصراحت اعلام نکرده و بیروشنی توضیح نداده که حزب دمکرات از نظر سیاسی و ماهیت طبقاتی، نماینده کدام طبقه و سیاست است؟ اما اگر این سازمان به این سؤال پاسخ نداده، کمونیست‌ها و تجربه دوسال جنبش مقاومت خلق کرد مرز بین طبقات و سیاست‌های انقلابی و فدا انقلابی و سازشکارانه را مشخص کرده است. خلق کرد طی دوسال، دشمنی این حزب را با کمونیست‌ها و انقلابیون بگیر، حملات آن به شورا‌های انقلابی دهقانان، حمایت از فئودال‌ها و مالکین و سرمایه‌داران و... تجربه کرده است. خلق کرد بارها دیده است که چگونه دستاوردهای دمکراتیکش و خون هزاران شهید و زخمی‌ش، با اعمال حزب دمکرات گردیده است. ما توجه رفقای فدائی را به گوشه‌های از اقدامات این حزب در مقابل کومله با کمونیست‌ها و انقلابیون و زخم‌کشان آگساز کردستان که در نشریات نیروهای کمونیستی از جمله سازمان ما منعکس شده جلب میکنیم. مجموعه اقدامات حزب دمکرات از جلوگیری از مسافرت انقلابی اموال فئودال‌ها و مالکین و حمله به کمونیست‌ها گرفته تا خلع سلاح، دستگیری و کشتن پیشمرگان انقلابی کومله و بیگانه‌سازی از مزارع و مسافرت از کردستان که با تعمیق جنبش مقاومت و رشد کمونیست‌ها و بسیج و تشکل توده‌های خلق کرد حول سیاست - های کمونیست‌ها بیش از پیش بوحشت افتاده و تا مرز سرکوب و شکنجه و اعدام و کشتن پیشمرگان انقلابی پیش میروند، بیان میکنند؟

فدائیان با بیدار نندکده توده زخم‌کش کرده، در جریان مبارزات خود میخواد همدستان و دشمنان واقعی خود را بشناسد. آنها میخواد همدیده نندکده کسانی مدافعین تا به آخر پیگیری منافع خلق ستم‌دیده گردیده و از هرگونه جانفشانی در این

بقیه در صفحه ۲۸
(*) ما بشروع این وقایع را بنقل از اعلامیه کومله بتاریخ ۶۰/۲/۲۵ در پیکار ۱۰۸ درج نمودیم.

حیف ومیل و نابودی کمکهای مردم به آوارگان

پس از شروع جنگ ارتجاعی کنونی و آواره شدن بسیاری از زحمتکشان میهنمان، زربیم ها هوی بسیاری برآه انداخت مبنی بر اینکه به کمک آوارگان جنگ شتافته است و در این میان نیز با سوءاستفاده از احساسات پاک مردم، با زکردن حسابهای گوناگون، بخشی از دسترنج کارگران و زحمتکشان را به بسپارنه همین کمکها بالا کشید. بسیاری از مردم نیز با توهم نسبت به زربیم، کمکهای جنسی خود را تحویل عمال زربیم دادند و گمان میکردند که بدست آوارگان جنگ خواهد رسید. اما با رها شدن هدیه بوده ایم که عمال زربیم همه این کمکهای نقدی را به جیبهای خود سرازیر کرده و اجناس را با بغروش رسانده و با آنقدر در انبارها نگهداشته اند که برخی از آنها گندیده شده اند. از جمله اینکه اخیرا در انبار شهرک علم الهدی شوشتر مقدار زیادی تخم مرغ و گوجه فرنگی فاسد شده و با بدور ریخته شود همچنین بر اثر بی احتیاطی مسئولین، گونی های برنج یا پاره شده و با آب پروری آنها ریخته شده است که نتایجنا برنجه خراب شده اند. و این در شرایطی است که آوارگان شدیداً در مضیقه بوده و وقتی مهربانان دست خود را ز کمکی مردم میکنند، با جواب "آدم زبیم، تمام شد" و... روبرو میشوند.

حل مشکل بی خانمانی با مصادره انقلابی!

با شدت گرفتن گرمای طاقت فرسا در شهر - های مختلف جنوب و جمله بوشهر، آوارگان ساکن در "هلیله" بوشهر که از فقدان خانه و وسایل رفاهی شدیداً در عذاب بسر میبرند در تاریخ دوم خرداد دست به مصادره انقلابی تعدادی از خانه های نیروگاه ها تمی بوشهر زدند. (این خانه ها به کمک آلمانی معروف است و در زمان رژیم شاه در اختیار آلمانیا نشی که برای چپاول زحمتکشان ایران به بسپارنه احداث نیروگاه ها تمی در بوشهر، به کشور ما آمده بودند، قرار داده شده بود.) این حرکت انقلابی منجر به پیوستن بقیه آوارگان به آنها در روز بعد و مصادره ۸۰ - ۷۰ خانه دیگر - توسط آنان شد. مسئولین مرتجع نیروگاه برای جلوگیری از حرکت انقلابی آوارگان، نگهبانان منازل را به مقابله با آنها فرستادند، اما مسانگهبانان که خود نیز از زحمتکشان بود، با آوارگان همراه شده و کلبه منازل را در اختیار آنان قرار

جنگ و آوارگان

داد. این امر موجب دستگیری وی شده و هنوز از او خبری در دست نیست. مصادره همچنان ادامه یافته و هر ساعت تعدادی دتری به نیروگاه می آمدند. (نکنه قابل ذکر اینکه چندی پیش حسن اختلافات لیبرالها و حزبیهها بر سر آوارگان سیروگا که اکنون در دست لیبرالهاست، سپاه پاسداران دست به مصادره ضد انقلابی ۹۰ خانه زد که فعلا هم خودشان در آنجا زندگی میکنند). بدنیال مصادره های بی دریغی آوارگان، استاندار (برجی)، معان و (فاتیح)، رئیس انرژی اتمی (سربی) و رئیس سپاه پاسداران و رئیس دادگاه "انقلاب" وارد عمل شدند. رئیس سپاه - زن میانمالی گفت: "اینکار شما ضد انقلابیست. ما از طرف رجائی حکم تخلیه خانه های شما را داریم. زن آوارده در جواب او با چهره ای خشکین گفت: "چطور؟ مصادره خانه های نیروگاه توسط سپاه انقلابی است، اما توسط آوارگان زحمتکش عملی ضد انقلابی است؟" پاسداران فدخلق برای کتک زدن او، به طرفش حمله کردند و رئیس سپاه نیز برای او کلت کشید ولی با تعرض انقلابی تمام آوارگان روبرو شدند. مقابله شدید آوارگان باعث شده آنها محل را ترک کنند بعد از مدتی برق را بر روی آوارگان قطع کردند. اما این مسئله نیز علاوه بر اینکه در راه آوارگان مبنی بر حفظ خانه ها خللی وارد نیاورد بلکه آنها دست به حرکت برای اتصال مجدد برق زدند.

مزدوران زربیم بمنظور جلوگیری از افزایش تعداد آوارگانی که جهت مصادره می آمدند دست به هراقدامی میزنند از جمله، پاسداران یک راننده تاکسی را که چندبار آوارگان را از شهر به نیروگاه منتقل کرده بود دستگیر کرده و کوبین بنزین او را قطع نمودند. چند معلم آواره ران نیز دستگیر کردند. علاوه بر این، میان آوارگان جا سوانی فرستادند، تا با کنترل آنها به شنا سانی عناصر صریحاً زربیم را زنده، اما با زهم نتوانستند کاری از پیش ببرند و مصادره خانه ها همچنان ادامه دارد. بدین ترتیب آوارگان زحمتکش با ردیگرشان دادند که تنها با مبادره انقلابی و با یکبار چکی خود را درنده معضلی - خانمانی خود را حل نمایند.

در اردوگاه "تنگ ملاوی" بر زحمتکشان آواره چه میگذرد؟

اردوگاه تنگ ملاوی، انسان را به بیاد اردوگاه های اسرای جنگی می اندازد. زربیم در این اردوگاه به وسیله ارگانهای سرکوبش، ارتش و سپاه پاسداران، آوارگان را به شیوه های مختلف تحت فشار قرار میدهد. در این اردوگاه جیره بسیار ناچیزی به آوارگان میدهند. وضع آب اردوگاه بسیار اسفنا راست، چنانکه جنگزدگان با بد برای تا مین آب مورد نیازشان سه کیلومتر بیاده روی کنند تا به چشمه برسند. هرگونه اعتراض بر حق زحمتکشان در این اردوگاه مانند سار مناطق، تحت عنوان "عدا انقلاب سرکوب میشود. زحمتکشان این اردوگاه حق ندارند شبها بعد از تاریکی از اردوگاه به بیرون بیایند، حق تجمع ندارند و با داش هرا اعتراض و خواست آنها، اخراج از اردوگاه است. برای نمونه چندی پیش مرد آواره ای از رئیس اردوگاه که یک استوار ارتشی است، مقداری پول میخواهد تا برای دیدن اقوامش به سر بندر برود. استوار مزبور به او میگوید: "۱۵۰ تومن بهت میدهم و میتوانی بروی اما دیگر نباید برگردی". سپس او را اخراج میکنند. نمونه دیگر از رفتار غیر انسانی زربیم با آوارگان حادثه ایست که چند شب پیش برای یکی از آوارگان اتفاق می افتد. یک شب ماری به داخل چادر یکی از آوارگان میروید، یکی از افراد خانواده ماز را با چاق میزند. مردم با شنیدن سروصدای افراد خانواده دور آنها جمع میشوند. همگی از این حادثه و اوضاع نا بسامان نشکان آشفته بودند. در همین حال سپاه پاسداران و ارتشی ها سر میروند و مردم مزبور را به اتهام اینکه قصد شورا دادن مردم را بر علیه مسئولین اردوگاه داشته است. دستگیر کرده و اخراج میکنند. آری، زربیم این چنین به خواستهای زحمتکشان آواره رسیدگی میکند، اما زحمتکشان جنگزده مستقر در اردوگاه تنگ ملاوی این رفتار زربیم را فزایموش نخواهند کرد و دیر یا زود پوزه این مزدوران را به خاک خواهند مالید!

به نقل از شماره ۱۴ "فرباد آوارگان"
سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
تشکیلات خوزستان

بیاد رفیق ایرج

گزارشی دادشتم از مراسم بزرگداشت چهلمین روز شهادت رفیق ایرج ثوابی که در شیراز بر مزار آن رفیق کمونیست شهیدمان برگزار شده است. مناسفه تعلقت کمبود جا، درج آن در این شماره میسر نشد.

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

درباره حزب طبقه کارگر (۱)

توضیح:

سازمان ما در کنار سایر وظایف ترویجی خویش، انتشار جزوات و کتب آموزشی سه زبان ساده را در دستور کار قرار داده است و در همین رابطه مقالات آموزشی را در نشریه پیکار منتشر می سازد.

از آنجا که به سبب ضعف عمومی جنبش کمونیستی حتی رفقای هوادار جنبش کمونیستی نیز از مناد آموزش همه جا نبوده تر سوسیا لیسم از طریق ارگانهای کمونیستی میباشند ما سعی میکنیم که به ویژه در سری مقالات آموزشی پیکار تلفیقی از نیازهای این رفقا و توده های طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را بوجود آوریم.

مقاله کوتاه "درباره حزب طبقه کارگر" که تلاشی است برای بیان ساده ضرورت حزب طبقه کارگر در همین رابطه در نشریه درج شده است. از آنجا که آموزش این ضرورت برای طبقه کارگر بسیار اهمیت اساسی دارد، از همه رفقای هوادار می خواهیم که اینگونه مقالات، جزوات و کتب را بشکل فعال در میان کارگران برده و بیرومیانی آن عبور ندهند آنرا آموزش دهند.

انتشار اینگونه مقالات و کتب تنها گام نخست است بی شک ما دیت بخشیدن و عملی ساختن ترویج آنها منوط به برخورد فعال و پیگیرانه رفقا خواهد بود.

برای آنکه در با سبک و سلیقه ای ضرورتی بتوانیم هر چه بیشتر موفق گردیم از همه رفقا می خواهیم که نظرات انتقادات و پیشنهادات خویش را فعالانه با ما در میان گذارند.

پس روزها بشید.

۱- ضرورت ایجاد حزب

از کجانشی میشود؟

از آن زمان که سرمایه داری بوجود آمد، مبارزه بین کارگر و سرمایه دار ریز آغا ز شد. سرمایه داری می باست رشد کند و این رشد به قیمت رنج و استقامت میسر میشد که سنگینی بار آن اساسا بدون کارگران و زحمتکشان نبود. نظام سرمایه داری از خون و عرق کارگران و زحمتکشان تغذیه میکرد و روز بروز پراورتر میشد بهمین دلیل کارگران و سرمایه داران همواره روبروی هم قرار میگرفتند.

این امتیازات را همیشه نمابند. آیا وضع تغییر میکند؟

بله البته تغییر میکند، چرا که کارگران در اینصورت میتوانند قدری، فقط قدری بهتر از قبل زندگی کنند. یعنی میتوانند نیروی کار خود را در شرایط مناسبتی در اختیار سرمایه داران قرار دهند. ولی با اینهمه یک چیز که مهم ترین هم هست، با اینگونه امتیازات ونه فقط با اینگونه امتیازات، بلکه با هرگونه امتیازی نیز تغییر نمیکند، و آن این است که کارگران مانند گذشته ناچار اند نیروی کار خود را به سرمایه دار بفروشند و استمنا رشوند و در معرض فقر و فلاکت و بیکاری و... باقی بمانند. بعبارت دیگر در جامعه سرمایه داری در هر شرایطی که باشد، بردگی اسارت با طبقه کارگر بهیچ وجه از بین نمیرود. چرا چنین است؟

برای اینکه سرمایه داران اقتصادی طبقه کارگر اگر چه در بهبود شرایط کار روزنگاری او موثر است ولی هیچوجه قادر نیست نظام غارتگر سرمایه -

داری را از بین ببرد. مبارزات اقتصادی طبقه کارگر اگر چه بنوعی خود اهمیت فراوانی هم دارد لیکن نمیتواند آسیبی به اساس آن نظام، که طبقه کارگر ازیرستم و استمنا رله میکند، وارد آورد. دوی در در با بد در جای دیگری جستجو نمود. با بدید چه چیزی است که نظام غارتگر سرمایه داری را سرپا نگهداشته است. با بدید سرچشمه اسارت و بندگی زحمتکشان در کجا نهفته است. اولاً چرا با بد میلیونها نفر کار میکنند و گر سنگی بکشند، ولی در عوض عده معدودی کار نکنند و در عین حال از پر خوری بترکنند؟

بنا بر این با بدید که این رابطه نا برابر و ظالمانه، چگونه است و به چه وسیله حفظ میشود. اساس نظام سرمایه داری بر مالکیت خصوصی ابزار اصلی تولید استوار است. بدین معنی که عده قلیلی سرمایه دار با دست داشتن کلیه این ابزار اصلی (زمین، معادن، کارخانه ها و...) ما حب همه چیزند و بر عکس در مقابل آن، توده کثیری هیچ چیز از آن خود ندارند از این رو ناچارند برای اینکه زنده بمانند نیروی کار خود را به ما حبان آن ابزار بفروشند. این توده های زحمتکش با اینکه با سرمایه داران زندگی میکنند، خودشان ناچارند در سخت ترین شرایط کار کنند و بدترین وضعی با مصالح روزگار بگذرانند.

روشن است که این رابطه نا برابر همین طوری نمیشود حفظ نمود. چون هر لحظه در خطر آن است که توده های کارگر زحمتکش و تحت ستم، بخاطر وضع اسارت بارشان بر علیه آن اقلیت محدود سرپوش بگذارند. بنا بر این چگونه سرمایه داران میتوانند توده های وسیع کارگران را تحت استمنا و تسلط خود نگهدارند؟

مبارزات کارگران در ابتدا، بعلم نا آگاهی و کم تجربگی آنها غالباً بصورت فردی و پراکنده و در سطح بسیار پائینی جریان داشت. کارگران در آن موقع با شکست و نا بود کردن اسرار و ادوات تولید، خشم و نفرت خود را بر علیه وضع موجود نشان میدادند و با ملاحظ از سرمایه دار انتقام میگرفتند. ولی همانطور که لنین می گوید این بیشتر جنبه ایبرای اسارت و انتقام داشت تا مبارزه. کارگران چون گمان میکردند که این ابزار و ماشینهای کارخانه هستند که آنها را به این روز سیاه می نشانند، لذا ابزارها و ماشینها را میشکستند و خرد میکردند. البته این شکل مقاومت در مقابل سرمایه دار کارگران نادریست بود و نمیتوانست سودی بحال کارگران داشته باشد. خود کارگران هم در قدم های بعدی مبارزه خود، به این مسئله پی بردند که ما شینها و ابزار تولیدگناهی ندارند، بلکه این نظام غارتگر سرمایه داری است که این ابزارها را در خدمت چپاول و مکیدن شیر جان کارگران بکار میگیرد. با رشد بیشتر سرمایه داری و در نتیجه رشد روز افزون تعداد کارگران، مبارزه بین این دو طبقه اصلی جامعه سرمایه داری گسترده تر شده و اوج بیشتری میگردد. در کشاکش این مبارزات و در پی شکست ها و پیروزی ها ست که کارگران تجربه بیشتری اندوخته و آگاه تر میشوند. تا قدم های بعدی خود را محکم تر بردارند.

بارها و بارها اتفاق می افتد که کارگران در مبارزات اقتصادی خود پیروز میشوند. مثلاً بر کارفرما فشار می آورند و او را در میماندند که اندکی به دستمزدهایشان اضافه کند. اما هنوز این با ملاحظ اضافه دستمزدها دریافت نکرده، از آن طرف با بالا رفتن قیمت ها مواجه میشوند. در اینصورت ناچار میشوند ما بحتاج زندگی خود را با پول بیشتری تهیه نمایند. بدین ترتیب عملاً آن اضافه دستمزدها خنثی و بی اثر میشود. اضافه دستمزدها هنوز یک نیا مده، از کف می رود، با زهم روز از نو روزی از نو!

هر کارگر آگاهی میتواند هم مثل در همین زمینه ها (از قبیل اضافه دستمزدها) حق ممکن و... (ثا هدبیا و رده که سرمایه داران در شرایط خاصی که تحت فشار مبارزه کارگران بوده اند، امتیازاتی را داده اند. ولی سپس با انواع حقه با زیبا و دوز و کلکها با ردیگر بهمان جای اول بازگشته اند. تا زه فرض میکنیم که همیشه هم همینطور باشد و کارگران بتوانند امتیازات متعددی را هم از حلقوم کارفرما بیرون بکشند و

زنده باد سوسیالیسم

این رابطه ظالمانه و ناپایدار برچگونه حفظ میشود؟ دولت بورژوازی (شامل ارتش، پلیس، زندانها، دادگاهها و...) عامل حفظ این رابطه استثمارگرانه و ظالمانه است. آنچه که باعث میشود، که بورژوازی قدرتمند باشد، این است که علاوه بر قدرت داشتن قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی را نیز در دست دارد. و این قدرت سیاسی با و این امکان را میدهد که در سایه آن توده های کارگزار و حاکمان را زیر دست و پا خود نگهدارد. قدرت سیاسی در دست بورژوازی وسیله ای برای حفظ و ادامه رابطه استثمارگرانه و ظالمانه است.

این مسئله را که کارگران در جریان مبارزات خود - بخودی شان درمی یابند. هرگاه در مبارزاتی بیاد میآورد که چه در زمان شاه و چه اکنون وقتی که در گرفتن بخشی از حقوق خود با فشاری میکنند و سرسختی نشان میدهد، فوراً سروکله نیروهای مسلح دولتی (ژاندارم و پادرو...) پیدا میشود. آری کارگران در تجربه خود میبینند که چگونه ژاندارم، پادار، دادگاه و زندان در خدمت سرمایه داران و بر علیه کارگران بکار گرفته میشوند. اینها همه وسایلی هستند که بصورت یک دستگاه سرکوب در دست طبقات حاکم بر علیه طبقات محکوم مورد استفاده واقع میشوند حال با بدبختی که کارگران میتوانند با مبارزات اقتصادی خود، سرمایه داران را با دستگاه سرکوبی که دارند، وادار به تسلیم کنند؟ آیا مثلا با افزایش دستمزد... میتوان این دستگاه سرکوب را از کار انداخت؟ آیا تنها با گرفتن حق مسکن، حق اولاد و از این قبیل چیزها آسیمی به حاکمیت سرمایه داران میرسد؟ مسلم است که اینطور نیست و نمیتوانند هم باشد. زمانیکه قدرت سیاسی و حکومت در دست سرمایه داران است، طبقه کارگر همچنان زیر دست و استثمار باقی خواهد ماند. بنا بر این طبقه کارگر با افزایش دستمزد و... (که در مجموع مطالبات اقتصادی خوانده میشود) نمیتواند حاکمیت بورژوازی را بخطر اندازد، اما فاش شدن چند تومان به دستمزد کارگران چه آسیبی میتواند به آن ماشین عظیم حکومت سرمایه داران بزند؟

تا زمانیکه قدرت سیاسی در دست بورژوازی است، طبقه کارگر همچنان در شرایط بردگانه مزدوری باقی خواهد ماند. رها نشی طبقه کارگر تنها زمانی میسر میشود که آن ماشین عظیم حکومت سرمایه داران یعنی دولت سرمایه داری را در هم کوبیده و خود قدرت سیاسی را بدست بگیرد. روشن است که برای اینکار ابتدا می بایست بورژوازی را از تخت حکومت بزیر کشید و این امر چیزی نیست که بتوان با مبارزات اقتصادی انجام داد. اهمیت عظیمی که مبارزه سیاسی برای طبقه کارگر دارد از همینجا ناشی میشود. بنا بر این آن مبارزه عظیمی که پیشا روی طبقه کارگر است همانا مبارزه سیاسی است.

طبقه کارگر برای رسیدن به هدفهای والای خود ناچار است و بایستی مبارزات اقتصادی را نیز در خدمت مبارزه سیاسی خود برای سرنگونی بورژوازی قرار دهد. در اینجا سوالی که مطرح میشود این است که مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر چه تفاوتهایی با هم دارند و ارتباط آنها با یکدیگر چگونه است؟

این دونوع فعالیت، کاملاً در ارتباط با هم بوده و پیوندناگسستی دارند. مبارزه ای که کارگران از آغاز برای بهبود شرایط کار روزندگی خود بر علیه کارفرمایان سرمایه دار خود بکار میگیرند، همگی از فعالیتهای اقتصادی هستند اینگونه فعالیتها عمدتاً برای افزایش دستمزدها و کاهش ساعات کار انجام میگیرد. بعنوان مثال وقتی کارگران یک کارخانه علیه کارفرمای خود دست به اعتصاب زده و خواهان چهل ساعت کار در هفته میشوند، این یک مبارزه اقتصادی است. ولی وقتی که کارگران بعنوان یک طبقه دست به مبارزه زده و خواهان توسیع قانون چهل ساعت کار در هفته میشوند، اینجا دیگر طبقه کارگر است که در مقابل طبقه حاکم قرار میگیرد و بعنوان یک طبقه خواست خود را مطرح میکند. در اینصورت جنبش آنها به یک جنبش سیاسی تبدیل میشود. مارکس در این زمینه میگوید:

"هر جنبش که طبقه کارگر بعنوان یک طبقه به مخالفت با طبقات حاکم بر میخیزد و میگوید که ما را بوسیله فشاری از خارج تحت سلطه خود درآورد، جنبش سیاسی است" (۱)

البته باید در نظر داشت که وقتی گفته میشود "جنبش سیاسی" لزوماً این به آن معنی نیست که سیاستی بجزولتری و ماکسیستی بر این جنبش حاکم است. بقول معروف "هرگردی، گرد نیست" و هر سیاستی نمیتواند لزوماً سیاست کمونیستی باشد. آن سیاستی که کارگران بخود خود بدست میآیند اتفاقاً سیاسی بورژوازی است.

(این را بعداً توضیح میدهم).

کارگران ابتدا برای رسیدن به برخی خواستهای اقتصادی خود، دور هم جمع شده و بعنوان مثال برای افزایش دستمزد و یا کاهش ساعات کار متحدانه بر علیه کارفرمایان خود مبارزه میکنند. در جریان این مبارزات و در پی شکستها و پیروزیهاست که آزمونده، آگاه و بسا تجربه شده و با لاف و به کمک آگاهی پرولناریائی (سوسیالیسم) که کارگران به تنهایی و صرفاً با آنها به خود قادر نیستند آید دست پیدا کنند. درمی یابند که ساعات کار دردی را دوا نخواهد کرد. در اینجا است که آنها بطوریکه گفتیم طبقه کارگر لزوم مبارزه سیاسی را درک میکنند، درگمی کند که میدی به بهبود شرایط کار روزندگی کارگران و زحمتکشان درجهای رجوع نظام سرمایه داری نیست و تنها با درهم شکستن این نظام است که طبقه کارگر به آزادی واقعی خواهد رسید.

مارکس بعنوان علم رها نشی طبقه کارگر

با تحلیل مشخص از جامعه سرمایه داری لزوم این درهم شکستن را نشان داده و به تجربه اثبات نموده است. طبقه کارگر تنها بکمک این علم است که میتواند بعنوان یک طبقه مستقل، با این تئولوژی و سیاست مستقل خود در مقابل سرمایه داری قدم علم کرده و راه درست بسوی آینده بنا بکثرت یعنی سوسیالیسم را پیروز مندانه طی کند.

انسان برای رسیدن به هدف، هر هدفی که باشد، به وسیله مناسبتی نیازمند است که رسیدن بآن هدف را ممکن و میسر نماید. طبقه کارگر نیز برای رسیدن به هدف خود که همانا درهم شکستن نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم است، به ابزار مناسبتی نیازمند است. تنها سلاح و ابزار طبقه کارگر تا زمان است و عالیترین و مهمترین آن همان حزب طبقه کارگر است. قدرت طبقه کارگر در اتحاد و با هم نشی است. قابلیت تصور است، شعار "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است" تنها نگره همین امر است.

همانطور که کارگران برای پیشبرد مبارزات اقتصادی خود به سندیکا احتیاج دارند، همانطور نیز در مبارزه برای کسب قدرت سیاسی، به حزب سیاسی خود که عالیترین سازمان طبقه کارگر است، نیازمندند. طبقه کارگر تنها وقتی میتواند دستگاه استثمار را از دست بورژوازی را در هم بکوبد که مستقلانه در حزب سیاسی خود یعنی حزب کمونیست متشکل شده و با جمع کردن دگر زحمتکشان بگرد خویش، مبارزه قطعی با سرمایه داری را پیروز مندانه و بنا به آخیش برد.

خلاصه کنیم کارگران در جریان مبارزات خود بر علیه سرمایه داران با یکدیگر متحدی می شوند و برای اینکه این مبارزه را بخوبی و بسا موفقیت پیش ببرند، سازمانهای چون سندیکاها و اتحادیه های کارگری را بوجود می آورند و در آنها متشکل میشوند. سپس طبقه کارگر در جریان مبارزات سندیکائی و اتحادیه ای خود به تجربه و به کمک دانش رها نشی بخش خود یعنی مارکسیسم لنینیسم، درمی یابند که در چه رجهای نظام سرمایه داری امیدجائی نیست و تنها راه چاره، نابودی نظام استثمارگرانه سرمایه داری است از اینجا است که طبقه کارگر به لزوم ایجاد اتحادگان سازمان و تشکیلاتی می میرسد که میتوانست نابودی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم را تضمین نماید.

۲- اتحاد، قدم اول هر نوع مبارزه است:

"یک دست صداندارد" کتر کسی است که با ضرب المثل قدیمی را نشنیده باشد. این ضرب المثل بر روشنی اهمیت اتحاد را گوشزد میکند. نمیتوان گفت که بیش از همه، کارگران از این ضرب المثل در گفتگوهای خود استفاده میکنند. این امری جهت نیست، موفقیت کارگری طوری است که بهیچوجه نمیتواند به تنهایی به حقوق خود و با حداقل بخش ناخوبی از حقوق خود

بقیه از صفحه ۱

بودجه ۱۳۶۰: بودجه ورشکستگی و وابستگی

مادر تحلیل بودجه سال ۱۳۶۰ رژیم جمهوری اسلامی ابتدا جدول کل درآمدها و هزینه‌ها را ذکر کرده سپس ضمن بررسی فصل‌های جداگانه درآمدها و هزینه‌ها آنچه را که در بالا گفتیم اثبات خواهد نمود.

مالیات مستقیمی که از خودکارگران و از دستمزدها و اجور می‌شود، از دستمزد کم شده و به این شکل کارا فنی بیشتری برگردانده آنها تحویل می‌شود. دولت با گرفتن مالیات مستقیم از دهقانان و پیشه‌وران، بخشی از محصول تولید شده بوسیله آنان را نیز جذب می‌کند.

ب: مالیات‌های غیر مستقیم: این مالیات‌ها عبارت از زوجی است که با مالیات بستن به مصرف کالاها و خدمات - چه مصرف شخصی یعنی وسایل معیشت و چه مصرف تولیدی یعنی مواد و وسائلی که در صنعت مصرف می‌شوند - نصیب دولت می‌گردد. مالیات‌های غیر مستقیم را از چند زاویه میتوان بررسی کرد. مالیات‌های غیر مستقیمی که بر کالاهای مصرفی

دریافت‌ها		پرداخت‌ها	
۱- درآمدهای عمومی مالیات	۵۴۴/۴	۱- از محل درآمدهای عمومی اعتبارات جاری	۲/۵۵۲/۰
نفت	۲/۴۱۱/۶	اعتبارات سرمایه‌گذاری ثابت	۱/۱۰۹/۳
سایر درآمدها	۱۵۷/۳	بازپرداخت‌های وام‌های خارجی	۴۱/۰
جمع	۳/۱۱۳/۲	جمع	۲/۲۰۲/۳
۲- درآمدهای اختصاصی	۱۲۹/۰	سرمایه‌گذاری در خارج از کشور، پرداخت وام و کمک	۳/۲۴۲/۳
جمع درآمدها	۳/۲۴۲/۳	به کشورهای و موسسات خارجی	۱۰/۰
۳- کسری درآمدها	۵۸/۰	جمع	۳/۲۱۲/۳
نسبت به پرداخت‌ها	۵۸/۰	۲- از محل درآمدهای اختصاصی	۱۲۹/۰
۴- منبع تامین کسری: برگشتی از پرداخت‌های مالیات‌های قبلی	۵۸/۰	جمع کل	۳/۱۷۱/۳
جمع کل	۳/۲۴۱/۳		

بدهد، نرخ سود سرما بدها را کاهش می‌دهد. اما وقتی با مالیات بستن بر فلان کالای مورد نیاز در رشته‌ای از صنعت قیمت آن کالا زیاد می‌شود، سرما بدها را در آن رشته قیمت کالای تمام شده خود را تا حدی که این افزایش قیمت را جبران نماید افزایش می‌دهند. بنابراین مالیات‌ها و راه‌های دیگر تولید این کالا شده و آنرا گرانتر می‌کند. وقتی قیمت یک کالا افزایش یافت، در حالت عادی تقاضا برای آن کالا و در نتیجه تولید آن با شتاب می‌آید. پس مالیات‌های غیر مستقیم در این زمینه باعث تشدید تورم می‌شود. در شرایطی که این تورم را رکود فضا لیت‌های اقتصادی و بیکاری همراه است، آنرا افزایش داده و اثرات کند کننده و رکود آورده و تولید بحال می‌گذارد. اما وقتی که تولید یک کالای معین آنقدر کم است که تقاضا برای آن بیشتر از عرضه می‌باشد، تولید و فروش آن انحصاری است و با اینکه بحال انحصاری طبیعی یا مصنوعی در این مورد عمل می‌نماید، بسا لافتن قیمت آن کالا، معمولاً باعث پائین آمدن تقاضا شده و بنا بر این تولید آن کاهش نمی‌یابد. اما مسئله‌ای که در این میان مهم است، اینکه بی‌اراضی و فشا رخ دهد که با مالیات‌های غیر مستقیم هم‌بردوش کارگران و زمین‌داران است. افزایش قیمت کالاهای ضروری معیشت کارگران، خواه بی‌علت مالیات بستن به خود این کالاها باشد و خواه از مالیات بستن بر کالاهای با شکره برای تولید و سایر معیشت آنها لازم است، دستمزد واقعی کارگران را کاهش داده و استثماری آنها را تشدید می‌کند. بنابراین دیگر کالاها را با افزایش قیمت نیروی کار می‌شود و بنا بر این دستمزد که چیزی جز قیمت نیروی کار نیست با بدی بیشتر شود. اما مبادا نسیم که سرما بدها را بشدت در مقابل بی‌سازگاری‌ها و دستمزد کم و مت‌میکنند و جابجایی اینکار نیستند، چون افزایش دستمزد باعث کاهش سود آنها می‌شود، بنا بر این تا وقتی که کارگران به وسیله مبارزه خود موفق نشوند که دستمزدها را زیاد کنند، تقاضا را این افزایش قیمت کالاها بر دوشان باقی خواهد ماند. بدین ترتیب سرما بدها را با مقاومت در مقابل افزایش دستمزد و زنا دنگردن مزد کارگران، با مالیات‌های غیر مستقیم را هم‌بردوش کارگران

۱- مالیات‌ها: مالیات‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: مالیات‌های مستقیم و مالیات‌های غیر مستقیم.
الف- مالیات‌های مستقیم: مالیات مستقیم مالیاتی است که مستقیماً به عواید و درآمدها و یا ثروت بسته می‌شود.
بولى که از طرف سرما بدها را بر عهده‌داران مالیات بدولت (یا بعنوان "رجوع شرعی" مثلاً خمس، زکوة، ... به روحانیون) پرداخت می‌شود بخشی از سود سرما بدها را است. اما خود این سود چیزی نیست مگر ارزش اضافی حاصل از استثماری کارگران و با حصول اضافی دهقانان و پیشه‌وران که تنها حب شده است. بنا بر این در واقع مالیات و "وجه شرعی" حاصل دسترنج کارگران، دهقانان و پیشه‌وران است. مالیاتی که در جامعه سرما بدها را دولت از مالکین ارضی و مولد می‌کند نیز بخشی از ارزش اضافی ناشی از استثماری کارگران است، زیرا اجاره مالکان ارضی بخشی از ارزش اضافی است که بوسیله سرما بدها ربه آنها پرداخت می‌شود و این ارزش اضافی نیز حاصل استثماری کارگران است.

روزمره و ضروری بسته می‌شوند از جمله به معنی بالا بردن قیمت وسائیل ضروری معیشت کارگران نیز هست و بنا بر این قیمت نیروی کار را بالا می‌برد. معنی این حرف این است که کارگران برای تأمین همان حداقل معیشت خود با بدستمزد بیشتری بکنند زیرا در غیر این صورت یعنی با ثابت ماندن دستمزد و بالا رفتن قیمت کالاها می‌مورد احتیاج کارگران و خانواده آنها، حجم کالاهای مورد مصرف آنها کاهش خواهد یافت. از طرف دیگر مالیات بر مصرف کنندگان در عین حال مالیات بر تولید کنندگان نیز هست و بنا بر این مالیات‌ها شکل دیگری از مالیات بستن به عواید است. وقتی مالیات‌های غیر مستقیم به مواد صنعتی که بوسیله سرما بدها را در تولید مصرف می‌شود، بسته شود، سرما بدها را برای خرید همان مقدار وسائیل و مواد مورد احتیاج در تولید باید پول بیشتری بپردازد، یعنی با بدستمزد سرما بدها بنا بر آنکه برای خرید وسائیل تولید و مواد خام و واسطه مصرف می‌شود، افزایش بدهد. در هر دو صورت یعنی وقتی که سرما بدها را بناچار خود با بدستمزد یا خرید وسائیل بپوشانند

بسیار آسان است که کارگران را با بدستمزد کم و با افزایش قیمت کالاهای ضروری معیشت کارگران، خواه بی‌علت مالیات بستن به خود این کالاها باشد و خواه از مالیات بستن بر کالاهای با شکره برای تولید و سایر معیشت آنها لازم است، دستمزد واقعی کارگران را کاهش داده و استثماری آنها را تشدید می‌کند. بنابراین دیگر کالاها را با افزایش قیمت نیروی کار می‌شود و بنا بر این دستمزد که چیزی جز قیمت نیروی کار نیست با بدی بیشتر شود. اما مبادا نسیم که سرما بدها را بشدت در مقابل بی‌سازگاری‌ها و دستمزد کم و مت‌میکنند و جابجایی اینکار نیستند، چون افزایش دستمزد باعث کاهش سود آنها می‌شود، بنا بر این تا وقتی که کارگران به وسیله مبارزه خود موفق نشوند که دستمزدها را زیاد کنند، تقاضا را این افزایش قیمت کالاها بر دوشان باقی خواهد ماند. بدین ترتیب سرما بدها را با مقاومت در مقابل افزایش دستمزد و زنا دنگردن مزد کارگران، با مالیات‌های غیر مستقیم را هم‌بردوش کارگران

فنان، مسکن، آزادی

درآمد های دولت از محل سرمایه گذاریهای مستقیم:

دولت های سرمایه داری، گذشته از چند قسمتی از ارزش افزای ناشی از استثماری کارگران و محصول اضافی دهقانان و بیشه و ران از طریق مالیات ها، با سرمایه گذاری در صنعت و نیز با مورتجاری و بانکی از طریق شرکت های دولتی و وابسته به دولت، سودهای کلانی بدست می آورند و آن را در بودجه خود منظور می نمایند. امروزه سرمایه های دولتی در تولید، بازرگانی و بانکداری در کشورهای سرمایه داری، حجم نسبتاً قابل توجهی از سرمایه ها را تشکیل می دهد. بویژه در کشورهای وابسته و عقب مانده، سلطت ضعف بخش خصوصی و نقش عظیمی که سرمایه گذاریهای دولت در سوق دادن تولیدات جماعتی و در جهت منافع انحصارات امپریالیستی و وابسته به خود دارد، بخش دولتی اقتصاد از اهمیت عظیمی برخوردار است. کشورهای وابسته در نظام تقسیم کار جهانی امپریالیستی، عمدتاً نقش تولیدکننده مواد خام و محصولات کشاورزی و خریدار کالاها و مصرفی سرمایه ای را ایفا میکنند. رشد صنایع داخلی این کشورها، ساختن تولید و ترکیب رشته های مختلف آن منطبق بر تقسیم کار جهانی امپریالیستی بوده و تنها در جهت تامین منافع بورژوازی داخلی این کشورها و بورژوازی امپریالیستی است. رشد رشته های مختلف تولید در این کشورها بستند تا آنها همگ و ناموزون بوده و معمولاً بخش عمده درآمد ملی این کشورها از محل صنایع استخراجی است. در زمینه منابع و معادن، گذشته از اینکه دولت بعنوان مالک این زمین ها از سود بهره برداران خصوصی، اجاره دریافت میکند، در بهره ای زمین ها خود به سرمایه گذاری مستقیم انحصاری دست زده و لذا بعنوان سرمایه دار سود و بعنوان مالک زمین و منابع، اجاره (رانت) میبرد. در مواردی که این منابع و معادن از لحاظ وضعیت طبیعی دارای امتیازات فوق العاده ای باشند (مثل سطحی بودن و...) در استخراج آن کار کمتری صرف شده و لذا هزینه تولید آن بمراتب کمتر از هزینه تولید متوسط جهانی است. (مثل نفت در ایران و کشورهای خلیج فارس و...) در این صورت دولت ها و انحصارات امپریالیستی که در تولید و بهره برداری از این منابع شریک این دولت ها بوده و یا انحصار خرید این مواد را در دست دارند، از استخراج و فروش این مواد خام سود فوق العاده ای میبرند که تنها حاصل بازاری سرمایه نبوده بلکه عمدتاً رانتی است که از مرغوبیت این منابع و یا شین بودن هزینه تولید آنها نسبت به هزینه تولید جهانی حاصل میگردد.

لذا درآمد ملی این کشورها متکی به قدرت تولید واقعی نبوده و بخش مهمی از آن از محل رانت است. درآمد های کلان حاصله از این صنایع استخراجی بازاری روسی برای مصنوعات

با زرگانی و حقوق کمزگی تشکیل میدهد. می دانیم که در سال گذشته طبق اظهارات نمایندگان و مطبوعات بورژوازی با وجود سودهای هنگفت بخش خصوصی، بویژه از محل تجارت، احتکار و... دولت مبلغ ناچیزی بعنوان مالیات از آنان وصول کرده است. مهندس سحابی رئیس کمیسیون برنامهدار بودجه مجلس میگوید: "بخش تجارت چیزی در حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال سود برده است در حالی که از همین بخش فقط ۲۵ میلیارد ریال مالیات گرفته شده است. در حالی که میبایست ۶۰۰ میلیارد ریال مالیات اخذ شود." (انقلاب اسلامی ۶۰/۱/۱۸). این وکیل طرفدار سرمایه داری میگوید: "دولت میتواند اندکی گرفتن مالیات از بخش خصوصی حداقلاً، حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیارد ریال در آمد مالیات مستقیم خود را بالا ببرد."

● مالیاتهای غیر مستقیم تأثیرات زیان آوری در وضع زندگی کارگران و زحمتکشان داشته و سطح زندگی آنان را تنزل و استثمار آنان را افزایش میدهد. این سیستم مالیاتی در واقع وسیله ایست برای سرشکن کردن مخارج عمومی و دولتی طبقه سرمایه دار برگزیده کارگران و زحمتکشان.

(انقلاب اسلامی ۶۰/۲/۲۴) دولت ارتجاعی جمهوری اسلامی در شرایط فقر و فلاکت توده ها بجای وصول مالیاتهای "حقه" از در آمد سرمایه داران، بیش از پیش بر سطح معیشت توده ها فشار آورده و دستمزدها و واقعی کارگران را کاهش میدهد.

بگفته دبیر کمیسیون بودجه هیئت دولت، از ۳۴۰ میلیارد ریال درآمد مالیاتی سال ۵۹ اکثر این مبلغ را مالیات حقوق کارمندان و شرکتهای دولتی و وابسته های دولتی داده و کمتر از ۲۰ درصد آن را خود از بخش خصوصی است (کیهان ۶۰/۳/۱) و طبعاً از این ۲۰٪ بخشی از حقوق و دستمزد کم شده است. آتش بقدری شورشده که خود این مقام میگوید: "اولین قدم در تورم زدائی سیستم موجود، اتخاذ سیستم مالیاتی صحیحی است که مالیات ثروتمندان را اخذ کرده و صرف معارف بنیادی را مولی نماید." سپس بمرات اعتراضات میباید که سیستم مالیاتی رژیم جمهوری اسلامی میراث کثیف رژیم گذشته است، (همانجا) و البته روشن است که "این میراث کثیف چقدر مورد علاقه رژیم جمهوری اسلامی است."

در سال گذشته با اینکه ۴۱۸ میلیارد ریال درآمد مالیاتی در بودجه پیش بینی شده بود، دولت ۳۴۰ میلیارد ریال وصول نمود اما سال دولت پیش بینی ۵۴۵ میلیارد ریال را نموده است یعنی ۶۰ درصد بالاتر از آنچه در سال گذشته وصول نمود. و دیدیم که سیاست ضد خلقی رژیم با راهی این افزایش را بردوش کارگران و زحمتکشان قرار خواهد داد و این در حالی است که بدلیل همین سیاست که ناشی از ما هیست ارتجاعی رژیم است - و بحران اقتصادی موجود و جنگ ارتجاعی، فقر و فلاکت توده ها افزایش یافته است.

میباشد. مخالفان سرمایه داران و نمایندگان آنها با مالیات های غیر مستقیم که گویا به خاطر دفاع از منافع مصرف کنندگان است، در حقیقت به خاطر دفاع از منافع خودشان است. چون مالیات غیر مستقیم میتواند باعث کاهش نرخ سود آنها شود. البته در صورتی که نتوانند بسیار آتزا بردوش کارگران و زحمتکشان ببندند از آنست که همیشه اینکار را میکنند.

مالیات مستقیم از درآمدهای شخصی و پس ارجریان تولید یعنی در خارج بازار کالاها وصول میشود. لذا سرمایه دار نمی تواند بسیار آتزا انتقال بدهد و از برگزیده کارگران بنسرون بکشد. ولی مالیات غیر مستقیم در نتیجه افزایش قیمت کالاها و مفاومت سرمایه داران در مقابل

افزایش دستمزدها عمدتاً به کارگران منتقل گشته و به آنان تحمیل میشود. این مالیاتها قدرت خرید توده های زحمتکش را کاهش داده و موجب افلاس و ورشکستگی دهقانان و بیشه و ران میگردد. در این شکل از مالیات، بخش مهمی از درآمد دولت سرمایه داری نه از محل مالیات مستقیم از عواید سرمایه داران و مالکین، بلکه با فشار بر سطح زندگی کارگران و توده های مردم فزاید مییابد. از اینرو مالیات های غیر مستقیم تأثیرات زیان آوری در وضع زندگی کارگران و زحمتکشان داشته و سطح زندگی آنان را تنزل و استثمار آنان را افزایش میدهد. این سیستم مالیاتی در واقع وسیله ایست برای سرشکن کردن مخارج عمومی و دولتی طبقه سرمایه دار برگزیده کارگران و زحمتکشان.

در لایحه بودجه سال ۱۳۶۰ رژیم جمهوری اسلامی، همانطور که در جدول می بینیم در بخش درآمد های عمومی، درآمد دولت از محل مالیات ها حدود ۵۲۵ میلیارد ریال پیش بینی شده است. در بودجه امسال، مالیات ها حدود ۱۸ درصد کل درآمد دولت را تشکیل میدهد و حجم آن نسبت به آنچه در بودجه سال قبل پیش بینی شده بود، حدود ۱۳۰ میلیارد تومان افزایش پیدا کرده است. معلوم نیست که چه مقدار از درآمد مالیاتی دولت از محل مالیاتهای غیر مستقیم و چه مقدار از محل مالیاتهای غیر مستقیم است، اما به طبع است که دولت سرمایه داران است و ضعف و فساد دستگاه های مالیاتی و فزاید سرمایه داران از پرداخت مالیات به طرق مختلف، مسلماً مالیات های مستقیم در رقم بالا سهم ناچیزی را تشکیل داده و قسمت اعظم آن را مالیات های غیر مستقیم یعنی مالیات بر کالاها و تولیدات داخلی و نیز مالیات بر کالاهای وارداتی بشکل سود

بقیه در صفحه ۲۹

(قسمت چهارم)

لایحه قصاص: نمودار ماهیت ارتجاعی رژیم

در بحث های قبلی و مستقل این بحث، مواد متعددی از لایحه قصاص را مثال زده ایم که نشان دهنده عمق ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی است. در اینجا با افاضه کردن بگردن بگفته بر آنچه در قسمت سوم آمده نکات جدید خواهیم پرداخت و اینک آن نکته:

گفتیم که این لایحه در کنار تبعیض های خدا نقلایی که بین انسانها قائل است، مثل تبعیض بر اساس فقر و ثروت و تبعیض بر اساس مردی یا زن بودن، بین مسلمان و غیر مسلمان هم تبعیض قائل میشود و مثال زدیم که این لایحه با تائید بر این مسئله که مثلا اگر مرد مسلمان بدست یک مرد مسلمان کشته شود فلان حکم دارد، عملا تکلیف این حالت را که مرد مسلمان بی یک فرد غیر مسلمان را بکشد مسکوت گذارده است تا راه برای اقدامات ارتجاعی شرم آوری که امروز از علنی کردن آن میترسند باز باشد! آنها در شرایط سیاسی و اجتماعی کنونی، جرات نمیکند بگویند اگر یک غیر مسلمان کشته شود، کیفرش از کشتن یک مسلمان کمتر است و به همین دلیل به نحوی نوطه گرا نه وریا کارا نه و خاشا نه ایس قبیله قضا با را برای فردای خیالی شان که میخ حاکمیت خویش را محکم کرده باشند، گذارده اند. رژیم حاکم و سوبزه حزب جمهوری اسلامی که با تمام قوای کودتای لایحه ارتجاعی را به نوده ها و زحمتکشان میهن ما حفنه کند، خیالات شوم دیگری نیز در سردارد که امروز از علنی کردن آن برهیز مینماید. مثلا از اینکه زن در برابر زن قصاص میشود (ماده ۵) سخن گفته میشود ولی از قاش کردن این نیت ارتجاعی که "برده را در برابر برده قصاص میکنند" حرفی بمیان نیامورد در حالیکه اصلی که ماده ۵ لایحه از آن گرفته شده چیزی جز آنکه ۱۷۸ از سوره بقره نیست که میگوید:

"کتاب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر والعبد بالعبد والانی بالانی بالانی" (یعنی در برابر برکشته ها با بد قصاص کنید: آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده وزن در برابر وزن). تهیه کنندگان لایحه قصاص مرتب تاکید میکنند که میخواهند قانون اسلام را بیا ده کنند. آنها در پیمان "لایحه قانونی" خود، دنباله همان آیه را که میگوید: "ولکم فی القصاص حیاتنا اولی الالباب" (یعنی ای ما حیوان خود حیات شما در قصاص مساوند) بسوخته اند و با توجه به اینکه در اسلام و کتب فقهی اسلامی هرگز بر دکی لغو و تحریم نشده است! زکجا معلوم که خدا انقلاب حاکم همانطور که دست بریدن و سنگسار کردن را در دستور دارد (و حتی "بارها به اجرا گذاشته) خیال زنده کردن قوانین برده داری را نداشته باشد؟! مسلمانان دوره برده داری در تکامل

جامعه بشری برآمده و نیروهای ارتجاعی بهیچ قیمتی نمیتوانند آن را بازگردانند و منافع طبقاتی خودشان هم با احیاء برده داری سازگار نیست ولی از این لحاظ که یک نیروی ارتجاعی برای تثبیت قدرت خود حاضر است با ارتجاعی ترین و پوسیده ترین طبقات و بینش ها عقیدت احیا دینند (همانطور که امیریا لیسیم بافتو دالیم) این نیز واقعیت دارد که رژیم بورژوازی جمهوری اسلامی نیز احیاء برخی از نهاد های ما قبیل

و دمکرات که آکا ها نه ترو مسئولانه تر در برابر خطرات رتجا یی و وحشیانه ای که سرنوشت میهن ما را تهدید میکند با بستند و جبهه دزخیمان قرون وسطی را که در قالب "حزب" و مجلس ولایحه و... پنهان شده است به توده های نا آکا ه هرجه بیشتر نشان دهند.

اکنون به مواد دیگری از لایحه قصاص می پردازیم:

اگر پذیری پسرش را بکشد از قصاص معاف است!

"ماده ۱۶ - هرگاه پدر یا جد پدری، فرزند خود را بکشد قصاص نمیشود، بلکه با بدیهه قتل رابطه

● تهیه کنندگان لایحه قصاص، مرتب تاکید می کنند که می خواهند قانون اسلام را پیاده کنند... با توجه به اینکه در اسلام و کتب فقهی اسلامی هرگز بر دگی لغو و تحریم نشده است، از کجا معلوم که ضد انقلاب حاکم، همانطور که دست بریدن و سنگسار کردن را در دستور دارد، خیال زنده کردن قوانین برده داری را نداشته باشد؟! "

ورشه مقتول بدهد و حاکم شرع او را شغیر بنماید و غیر پدر و جد پدری مانند دیگران قصاص میشود. هما نظوره که ملاحظه میکنید به پدر و جد پدری این امتیاز داده شده است که فرزند یا نوه خود را بکشند و فقط خونبهای او را به ورشه مقتول بدهند. جالب اینکه اگر ورشه مقتول کسی جز پدرش یعنی خود قاتل نیست، پول به خودش بر میگردد! (در مورد ارباب رجوع شود به سوره نسا، آیه ۱۱ و ۱۲)

حالا ببینیم داد من چنین امتیاز ارتجاعی به پدر و جد پدری (والایته محروم کردن ما در از جنبه "حق") سرخ اش به کدام دوره تاریک زندگی بشر بر میگردد؟ هنگامیکه دوره مادر سالاری منقذی شد و بقول انگلس "مرد فرما نروایی خانه را نیز بدست آورد" و با بقبول او هنگامیکه ستم مرد بر زن بعنوان اولین ستم طبقاتی در تاریخ پدید آمد (کتاب منشا، خانواده...) پدر و جد پدری بعنوان صاحب و کسی که همه اختیار فرزند بدست آنهاست و حتی میتوانند فرزند خود را بپیش "خدا یا ن" قربانی کنند شناخته شدند.

در داستانهای مذهبی، آنجا که ابراهیم فرزند خود را سما عیل را به قربانگاه میبرد و کارد بر حلق او میمالد (منشا، فعلی قربانی کردن در مراسم حج) و با آنجا که در تاریخ زندگی پیغمبر اسلام نوشته اند که جدش عبدا لعطلب نذر کرده بود پس خود عبدا لله (پدر پیغمبر) را در خانه کعبه قربانی کند و غیرا ز اینها، نمونه های متعددی از اعمال حق پدر و جد پدری زنده شده میشود. "حق" که تا سرحد کشتن فرزند و اولادها سال از عمرش بگذرد، بیش میرود.

آری، تعجب نکنید! این است شرمه نا تمام ماندن انقلاب دمکراتیک - خدا میرا لیستی خلقهای ایران، که علیه غمها مبارزه و آن بقیه در صفحه ۲۰

سرما به داری را برای تما یز و تثبیت ماهیت و منافع خود لازم می بیند. امری که در پیبا ده کردن ولایت فقیه تجسم مییابد. در اینجا با بدگفت که اگر امیریا لیسیم بافتو دالیم عقدا تحا دینند امری موقتی است تا سرانجام فتو دالیم را کنار بزنند و بجای آن بورژوازی کمپرا دوربسا ورد، ولی عقدا تحا دینورژوازی حاکم با ولایت فقیه (کلریکا لیسیم) در جهت تما یز و تثبیت خود در برابر لیبرالها و نیز در مقابل جنبش کمونیستی و انقلابی مییابد. مسلمانان که اصرار بر حزب جمهوری برای حقن کردن قوانین ناشی از ولایت فقیه نه تنها به شات رژیم حاکم کمک نمیکند، بلکه سقوط و طرد آن از صحنه را تسریع مینماید. در رابطه با تحا دینورژوازی حاکم با نهاد های ما قبل سرما به داری، بعنوان مثال میتوان گفت:

وقتی بورش وحشیانه به گردستان و سرکوب خلق کرد، بعنوان جنگ علیه کفار تلقی می شود و مال و ناسوس خلق کرد، حکم غنا ثم جنگی سپاه اسلام قلمداد میگردد، وقتی حکم اعدام به "جرم" بدگوشی به امام پیغمبر، قانونی میشود، وقتی دست بریدن و سنگسار کردن و شلاق زدن، بعنوان حد شرعی، بصورت امری قانونی درمی آید، وقتی کشتن کمونیستها و مجاهدین، مصادره اموال آنان و ضرب و شتم و بستن دروغ و افترا به آنان و شکنجه و زندان آنها بصورت امری مباح و حلال معرفی میشود، چه تضمینی وجود دارد که فردا مثلا فرزندان انقلابی خلق کرد را بعنوان اسیران جنگی که حکم بر دگان درباره آنها بیاید میشود، دربارا را بفروش نرسا نند؟! و با زنان اسیر (کنیزان!) حتی عقدا ازدواج را لازم نمینند و ده ها مثال دیگر!!

نکته ای که ذکر کردیم هتداری است خدی به همه کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیست

اول ماه مه روز کارگری یا کمونیستی

برخی از رفقا طی نامه‌هایی در مورد ماهیت روز اول ماه مه توضیح خواسته‌اند که آیا روز اول ماه مه روزی دمکراتیک است یا کمونیستی؟ و خود گفته‌اند: از آنجا که اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان است و کمونیستها نمایندگان کارگران هستند پس این روز را با یک روز کمونیستی نامند.

رفقا! در پاسخ به این سوال نباید اندکی در باره رابطه بین طبقه و نماینده سیاسی - ایدئولوژیک آن توضیح داد و بعد به پاسخ مستقیم این سوال پرداخت. همانطور که میدادیم در بیان طبقه کارگر تنها پیشروان این طبقه هستند که به ایدئولوژی طبقه کارگری یعنی مارکسیسم - لنینیسم مجهز هستند، همان کسانی که آنها را کمونیست می‌خوانند. کمونیست‌ها نمایندگان سیاسی طبقه کارگر محسوب میشوند و طبقه کارگر تنها تحت رهبری آنها است که میتواند ندبسه ره‌های خود از چنگال سرما به دست بیاورد.

اما اکثریت افراطی طبقه کارگر کمونیست نبوده و اصولا در جامعه سرما به داری نمی‌توانند به ایدئولوژی کمونیستی دست بیاورند. تنها در جامعه سوسیالیستی است که طی سالهای متعددی توده کارگران بتدریج با آموزشهای کمونیستی آشنا شده و کمونیسم را میپذیرند، ضمنا با بد توجه داشت که اگر چه طبقه کارگر عمدتاً با ما رکسیم - لنینیسم بیگانه است، اما از نظر عینی و ذاتاً یک سوسیالیست بوده و بدان معنی که خواهان نابودی سرما به داری و استقرار سوسیالیسم است و این چیزی است که در مورد انتشار خرده بورژوا صادق نیست. آنان دمکرات یا دنیفتریگوشیم بورژوا - دمکرات هستند، آنها از نظر عینی و مناسبات طبقاتی، خواهان نابودی سرما به داری نیستند سهل است، خود خواهان حفظ مناسبات سرما به داری اند. در حالیکه طبقه کارگر در بخش عمده خود (بجز اشرافیت کارگری) بورژوا نبوده و ذاتاً سوسیالیست هستند، هر چند که دارای آگاهیه سوسیالیستی نبوده و با جهان بیگانه - بیگانه‌اند. آنها از اینرو گرد در انقلاب سوسیالیستی اشراخرده بورژوا شرکت نمی‌کنند، بالعکس طبقه کارگر (هر چند که اکثریت آنها کمونیست نشاندند و تنها تحت هدایت کمونیستها باشند) شرکت می‌کنند.

با این توضیح مختصر، در مورد روز اول ماه مه باید بگوئیم که روز اول ماه مه روز کمونیستی نبوده بلکه روز کارگری است. چنین روزی، روز همبستگی جهانی خود طبقه کارگر و نه صرفاً نمایندگان آنها (یعنی کمونیستها) است. کارگران جهان اعم از کمونیست و غیر کمونیست، این روز را جشن میگیرند و اتحاد خود را علیه سرما به داری جهانی گرامی میدارند. آیا کارگران شیکاگو که روز جهانی کارگران بنیان گذاشتند، کمونیست بودند؟ خیر، آیا در سال ۱۹۰۸ جهان روز اول ماه مه کلیه تشکلات دمکراتیک



کارگری مثلاً سندیکاها، اتحادیه‌ها و... این روز را گرامی نمی‌دارند؟ اگر بگوئیم روز اول ماه مه روز کمونیستی است، بدان معنی است که برکناری روز اول ماه مه توسط کارگران شیکاگو و سایر کارگران سراسر جهان (چه آنها‌ئی که تحت رهبری کمونیستها هستند و چه آنها که نیستند) را به رسمیت نمی‌شناسیم؟ و اصولاً چون بزم این رفقا این روز کمونیستی است، پس اکثریت قاطع طبقه کارگر که کمونیست نیستند، نباید این روز را جشن بگیرند و این روز صرفاً متعلق به کمونیستها است، نگاهی به برگزاری جشن اول ماه مه در تاریخ جنبش جهانی کمونیستی نشان میدهد که کمونیستها حتی با جریانهایی غیر کمونیستی درون جنبش کارگری نیز اول ماه مه را گرامی می‌داشتند. در روز اول ماه مه همه‌جا بطوریکه اکنون نیز رسم است، جریانهایی انقلابی درون جنبش کارگری، احزاب کمونیست و غیر کمونیست، تشکلات صنفی - سیاسی، دمکراتیک و سوسیالیستی طبقه کارگر مانند سندیکاها و شوراهای مبارز و... (بجز سندیکاهای زرد و جریانهایی رویزیونیستی درون جنبش کارگری که ضد انقلابی‌اند) مشترکاً روز اول ماه مه را جشن میگیرند.

پس برای روز اول ماه مه را بعنوان یک روز کارگری و جشن کارگری باید محسوب نمود و نه روز کمونیستی و یا جشن کمونیستی.

در پاسخ به فراخوان کمیته مرکزی در رابطه با کمکهای مالی برای افزایش تیراژ پیکار، بر خورده بسیار فعالانه و مسئولانه‌ای از سوی رفقا، هواداران و دوستان سازمان صورت گرفته است و نامه‌های بسیار پرشوری نیز در این زمینه به همراه کمکهای مالی ارسال گشته است.

ما ضمن تشکر از کلیه رفقا و دوستان، به دلیل محدودیت صفحات پیکار رد و نمونه از نامه‌های ارسالی را در این صفحه چاپ میکنیم و از رفقای که این چنین مسئولانه و با درک نیازهای فراوان مالی سازمان که منبع اصلی درآمدش جهت تامین هزینه‌های گسترده فراوان، همین کمکهای اعضا و هواداران است، باز خورد و خوراکی خود نیز زده‌اند، باز هم تشکر میکنیم.

ما عده‌ای از هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر هستیم که ما هم در یک محل بصورت کمون زندگی میکنیم. بعد از فراخوان کمیته مرکزی سازمان برای افزایش تیراژ پیکار رفرانگان داریم که ما هم صرفه جویی در خرید لوازم مورد نیاز ز زندگی

در کمون هر هفته با قیامنده صندوق کمون رابه سازمان ارسال داریم! پیروزی از آن راه سرخ ما است "کمون از در"

با دروهای کمونیستی

رفقای پیکار رگسرام بر شما و تمام شهدای راه آزادی طبقه کارگر به دنبال فراخوان کمک مالی، من مقدار دوهزار تومان پول همراه نامه‌های فرستادم چون نظامی هستم برای شرکت در جنگ ارتجاعی ما ز مجبه هستم و برای شرکت در جنبه نظامیان هر ماه مقداری اضافه حقوق میدهند و من این را برای پیشبرد مبارزه و مضمی سازمان تقدیم می‌کنم با شدت همه درجه داران و سربازان و افسران جز آگاه شده اسلحه را به روی سرما به داران خودی بگیرند، به امید پیروزی و برقراری سوسیالیسم.

رفیق درجه دار رتوب

به امید پیروزی و برقراری سوسیالیسم

درباره نامه‌های کارگری

برخی از رفقا در رابطه با صفحه پاسخ به نامه‌ها پیشنهاد داده‌اند که قسمتی از آن به نامه‌های کارگران و پاسخ به آنها که حول مسائل مبرم جنبش کارگری است، اختصاص داده شود و صرفاً در حد پاسخگویی به مسائل سیاسی باقی نماند. ما ضمن تشکر و استقبال از پیشنهاد رفقا بر آنیم که از این پس، ستونهای از پاسخ به نامه‌ها رابه نامه‌های کارگران اختصاص دهیم اما اجرای چنین تصمیمی صرفاً به خواست و اراده ما محدود نمی‌گردد. در این راه رفقای کارگر و رفقای کارخانه‌ها فضا را می‌کنند می - با بست مرتباً ارسال نامه‌ها را باری شما بند. در عین حال ما مین نامه‌ها با بطوری باشد که بتوان در پاسخ به آن در باره مسائل جنبش کارگری به توضیح پرداخت.

نامه‌های کارگری که مورد نظر ما است می - با بست بیرون مشکلات کار سوسیالیستی و دمکراتیک در کارخانه، نشریات کارخانه، نیازها و خواسته‌های جنبش کارگری، شوراها و اتحادیه‌ها، اخراج و بیکاری و سایر موارد به نقش سازمان و نقاط ضعف و قوت آن در جنبش کارگری با کارخانه مربوطه، طرحها و پیشنهادها و دیگر گزارش در باره مسائل مبرم جنبش کارگری و نقش سازمان در آن، موقعیت رویزیونیستها، شیوه برخورد و فضای آنها و... نوشته شود. بنا بر این از رفقا و دوستان کارگری خواهیم تا با برخورد فعال نسبت به اینگونه مسائل، در ارتقاء کیفیت پیکار و صفحه پاسخ به نامه‌ها و از کمال آن به ارتقا جنبش کارگری، کمک نمایند.

خواهر ما هاله

دوست عزیز، نامه ۱۰ صفحه‌ای که حسابی

بقیه در صفحه ۲۰

بقیه از صفحه ۱

رژیم جمهوری اسلامی: پیش بسوی وابستگی بیشتر به امپریالیسم!

سیکا ۹۳ آورده ایم. با رسانی ارتش آمریکا ثی شاه بگسترش روابط اقتصادی و سیاسی با کشور- های امپریالیستی و سرمایه داری، سکا راندازی همان سیستم داری پیشین، سکا رگیری مهره های رژیم منفور شاه، ترمیم دستگاه های سرکوبگر رژیم پیشین، دعوت از سرمایه داری فراری و... از جمله اقدامات و عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی میباشد.

طبیعی است که سرمایه داران جمهوری اسلامی کلیه اقدامات ضد خلقی و استثمارگرانه شان را بخاطر جلوگیری از آگاه شدن توده های زحمتکش به ماهیت و سیاستهای رژیم، درپس هیاهوی از تبلیغات دروغین و تحت عناوین "مبارزه ضد - امپریالیستی" (با ضد "استکبار جهانی") و امثال آن انجام میدهند اما بقول معروف "مشک آنست که خود بسویید..." و ادعای پورنگ و لعل با ما بی محتوای رژیم نمیتواند برای همیشه پردریر چپا و لگربها، غارتها و استثمار رستی و تسوان زحمتکشان بکشد، و عملکردهای رژیم بسیار زودتر از آنچه فکرش را میکرد، موج اورا پیش کارگران و سایر توده ها باز کرده است.

دو سال و چهار ماه حکمیت رژیم جمهوری اسلامی ثابت کرده است که کشورهای تحت سلطه، حلقه های از نجبریم پیوسته دنیای امپریالیستی بوده و منافع سرمایه داران این گونه جوامع با منافع سرمایه داری انحصاری جهانی بهم دیگر گره خورده است. عملکردهای رژیم - و هر دو جنبه اش سوز و آتش آن - و واقعیت های ملموس جامعه ما بویژه استثمار رز و افزون کارگران و زحمتکشان و بهره کشی رو بنزاید آن (که با تشدید فقر، فلاکت و هرجه بیشتر میکند شدن خون آنان همراه است) منتج سرمایه داران ایرانی و خارجی، شدت سیاسی بحران اقتصادی از جمله قحطی، گرانی، تورم، سیکاری و... و انتقال بخشی از بحران جهانی سرمایه داری به میهن ما و همتراز همه حفظ منافع امپریالیسم جهانی که در گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای ارتجاعی وابسته به امپریالیستیهای رنگارنگ، خرید و سلطه از آن کشورها، سیل واردات به ایران، حفظ و تضمین سرمایه های خارجی در ایران، ضمانت با زبردخت و امای سرمایه داران فسراری و اعوان و انصار رژیم شاه به شرکت های امپریالیستی و...، تبلور مینماید، بسیار نگران حقیقت است که سرمایه داری کشورهای وابسته با بندهای محکم بد انحصارات امپریالیستی و کشورهای امپریالیستی و سرمایه داری گرد خورده و جزئی از آرد و نگاه ضد انقلاب امپریالیستی جهانی را تشکیل میدهد. این واقعیت - های انکارنا پذیر، ترهات رویزیونیستی مبنی بر وجود "سوز و آزی ملی" و سرمایه داری غیر وابسته در این کشورها را قاطعانه نفی میکند و بر فرضیه - های ایورونیستی مشابیه مهربان میزند.

چربان "اشغال سفارت آمریکا" و آزادی مفتضحانه گروگانهای جاسوس که بدنبال امضای قرارداد دخیانکارانه "الجزایر" و بدنبال پیش

از یکسال فریب و تبلیغات ارتجاعی رژیم (که با تاشید و تکریم رویزیونیستیهای خاشن بویژه حزب توده و "اکثریت همراه" بود) صحت گفته های کمونیستها را یکبار دیگر ثابت کرد.

بدنبال و همسویا این قرارداد که با بخش چند میلیا رد دلاری رژیم زدا را ثی خلقهای ایران به امپریالیستها صورت گرفت و از ۱۴ میلیا رد دلار دارا ثی ایران در با نکهای امریکائی قظ ۲/۷ میلیا رد دلار در اختیار دولت ایران قرار گرفت - که البته برای آنها از طرف "دولست مکتبی" خوابهای "خوش" دیده شده است (که بآن خواب هم پرداخت) - گشایشی بر ما تا بیشتر در روابط و وابستگی رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیسم جهانی بیابا آمده است. البته بیک آمراهای رسمی نشان میدهم که حتی در مدتی که از طرف کشورهای امپریالیستی غربی "تحریم اقتصادی" در مورد ایران اعمال میشد و روابط اقتصادی فیما بین نه تنها قطع نشده بلکه افزایش نیز یافته است. همچنانکه اشاره شد بخشی از تحکیم سرمایه داری وابسته و گسترش آن در کشورهای که رژیمهای وابسته به امپریالیسم (نظیر ایران) دارند به روابط اقتصادی، عقد قرار - دادهای سلطه گرانه و واردات این کشورها از کالاهای کشورهای امپریالیستی و وابسته به آنها بر میگردد. ما در زیر بار تکیه روی اسناد و ارقام نشان خواهیم داد که رژیم جمهوری اسلامی با افزایش قراردادهای غارتگرانه و با غارت از حاصل از فروش نفت که متعلق به زحمتکشان ایران - امروز در آینده - میباشد در گسترش و تحکیم سرمایه داری وابسته و محکم تر شدن بند - های وابستگی به امپریالیسم شتاب و سرعت عمل از خود نشان داده است.

ابتدا با بدخاطر نشان سازیم که رژیم جمهوری اسلامی برای فریب توده ها و جهت نایب با صلاح "استقلال" و "عدم وابستگی" خود بر د و مطلب پافشاری میکند. مطلب اول این ادعای رژیم است که میگوید جمهوری اسلامی برای عدم - وابستگی نه با یک کشور بلکه با کشورهای مختلف و از جمله با آنها شیکه "جهان سوم" نامیده میشوند، معا مله میکند. و دوم اینکه جمهوری اسلامی با دولت ها و رژیم ها سروکار نداشته بلکه با شرکتها و موسسات آن کشورها طرف است. در رد ادعای نخست رژیم بدخاطر نشان ساخت که کلیه کشورهای امپریالیستی غرب و رژیم های وابسته به آن از جمله کره جنوبی، تایلند، ترکیه، شیلی، پاکستان و نیز سوسال امپریالیسم روس

و کشورهای سوز و آزی رویزیونیستی اروپای شرقی و کوبا همگی اجزه تشکیل دهنده آرد و نگاه ضد انقلاب جهانی (امپریالیستی) بوده و معا مله با آنها و بستن قرارداد با یک یا چند کشور با همه این - کشورها تا شیری در ما هبتا مریدانته و آنچه که اهمیت دارد انواع این قراردادها و ما هبت رژیمی است که ما این کشورها و آردا دوستد با روابط اقتصادی - سیاسی میگردد و آرت با تحسید رژیم جمهوری اسلامی مدافع حافظ سرمایه داری وابسته و بخشی از این آرد و نگاه ضد انقلاب جهانی بشما میبرود، چه با یک کشور امپریالیستی طرف معا مله شود و چه با همه آنها در زمان واحد رابطه سیاسی و اقتصادی برقرار رکنند در اصل مطلب که ما هبت غارتگرانه و نوا استعماری این روابط است تغییر حاصل نمیکردد. اما در مورد مطلب دوم مورد ادعای رژیم - که تنبوی مرتجع نیز اینروزها بسیار بر آن تاکید میکند - با بسد بگوئیم که شرکت های امپریالیستی و از جمله شرکت های چند ملیتی که برای استثمار رد و لایه زحمتکشان کشورهای وابسته در کشورهای تحت سلطه نیز نفوذ و فعالیت دارند حلقه های شی از زنجیریم پیوسته ای است که جهان امپریالیستی نامیده میشود. آری رژیم کره جنوبی که تا مغز - استخوان وابسته به امپریالیسم آمریکا است و با فاشیستهای حاکم بر آرتا نتین (و دلایلی بین المللی وابسته به آن) بدون توافق و اشاره امپریالیستهای آمریکا نمیتوانند سلاحه آمریکا ثی در اختیار رژیم جمهوری اسلامی قرار دهند؟ (و اتفاقا حیران چپا ول ۵۶ میلیون دلار نیز به خرید تجهیزات نظامی و سلاحه از آرتا نتین (بایک تا جز آرتا نتین!!) و از طریق اسپانیا میروید) (بنا بگفته یکی از مقامات رژیم) که قبلا آنرا افشا نموده ایم) و در نتیجه ادعای "استقلال" و "عدم وابستگی رژیم فخریمی بیش نیست. (بیکار ۱۳۰) نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد بهره و سود با آرد و ادعای است که از طریق این قرار - دادها علاوه بر شرکت های امپریالیستی، نصب سرمایه داران وابسته ایرانی شگرده. نمونه با رز این چپا ول منفعت و سود ۱۲۰۰۰ میلیا رد یالی است که در سال گذشته آرد کنندگان ایرانی از طریق غارت دسترخ نا چیز زحمتکشان در کیسه گشا د خویش ریخته اند. با آوری این مطلب ضروری است که اگر چه در مورد اخیر نیز برخی قرار - دادهای دولت با شرکت های امپریالیستی نظیر تالوت، سرمایه داران لیبیال سرومدای

قرارداد ۱۲ میلیارد تومانی تالبوت - ایران ناسیونال

قرارداد ایران و انگلستان در مورد ارسال قطعات پیکان تمدید شد

احتمال قرارداد ۵ ساله ایران تالبوت با کمپانی تالوتی

بخشی از فعالیتهای شرکت «تالبوت» متوقف شد

در پی بحرانی شدن وضع اقتصادی

همیشه نمایندگان دائمی شرکت تالبوت در تهران مسئول بررسی مراحل نهایی قرارداد هستند

لندن - خبرنگار

۶۰/۲/۳۰ انقلاب اسلامی

زیادی برآورد خندانداختند اما اختلاف آنان در شیوه چپاول و غارت و میزان سهمی از این غارتها، و نیز انتخاب کشورهای مورد معامله میباشد. در اصل مطلب که حفظ و تحکیم سرمایه داری وابسته با شکوچکترین اختلافی با هم ندارند. بنی مدیر لبرال در مصاحبه اخیرش میگوید: "حالا هم مسئله اقتصادی چیزی نیست که شما بکروزه و یا بکماله بدست شما ورید من در اول انقلاب هم وقتی آن برنا هر طرح میکردم گفتم یک برنا هم ای سخوا هد که حداقل ظرف ۲۰ سال با کارشان روزی مردم انجام میدهیم تا اینکه بتوانیم به استقلال برسیم" (انقلاب اسلامی ۱۰ خرداد ۶۰) و با حواله کردن مردم به حداقل ۲۰ سال دیگر تا اینکه به "استقلال برسیم" توجیه خیانتهای امروز و فردایش را مینماید. چرا که خود این بورژوا لبرال خائن بهتر از هر کسی میداند که منافق طبقه ای از جود روزیم سرمایه داری وابسته با میربا لیسما من نمیشود. وی در همان مصاحبه اصل قرارداد ایران ناسیونال و تالبوت را نیز رد نمیکند و میگوید: "چون این اقتصاد ما از بیماری وابستگی که رژیم سابق گرفتارش کرده (وما نیز ما فاه میکنیم که شما هم در حفظ و تحکیم آن اصرار دارید - بکار) هنوز رها نشده است، همه چیز را احتیاج دارد و باید بخیریم که عیب ندارد... و اما فاه میکند: "ایقدر که در رقم قرارداد بعضی مهم شمرده، مهم نیست... آیا استقلال اقتصادی ما و دریا وابستگی؟" (همانجا) و بنی صدرا خن عمده با این سؤال پاسخ نمیدهد ولی براحتی پاسخ "ننه" او را (که مخالفی هم بر او نمیکند) میشود در جمله ای که در بالا از نقل کردیم یافت.

نگاهی به قراردادهای اخیر رژیم

ما در زیر چند نمونه از قراردادهای که رژیم جمهوری اسلامی با کمپانیهای امیربالیستی امضا کرده یا مذاکره برای امضای آنها ادامه دارد اشاره میکنیم. لازم به تذکر است که هزینه این قراردادها عمدتاً از طریق فروش نفت و از حاصل آن (که دزبودجه سال ۶۰ افزایش قابل توجه صورت آن بیش بینی شده است) تأمین میشود و اغلب این قراردادها هم با شرکتهای امیربالیستی نفتی بسته شده است. انقلاب اسلامی ۲۹ بهمن مینویسد: "قراردادی در این زمینه (صادرات نفت خام) دیرودر تهران بین وزارت نفت و شرکت نفتی ژاپنی منعقد شده است" و اما فاه میکند که "شرایط این قرارداد در واقع مشابه قراردادهاى جدید ایران با کمپانیهای نفتی شل و بریتیش پترولیوم میباشد" (کمپانی شل شرکت نفتی امیربالیستی هلندی و دیگری شرکت بزرگ نفتی امیربالیستی انگلیس میباشد که سالها نفت ایران را بفارت میبردند)

براه میاندازد و خیابانی رادرنهران بنا و امینا مدام در زمینه عملی با قاتلین ناسی سندزها، امیربالیستهای کهنده کار "بریتانای کبیر" قراردادهای اساسی را مینماید. چرا که تاریخ غارت دستنجمتکنان مابه قرارداد تالبوت ختم نمیشود...

● ونیت به لیلاند موتور نیز می رسد!
در پیکار ۱۰۷۲ تا گاهی به بحرانی که امیربالیسم انگلیس را تهدید میکند و وضع بحرانی شرکت لیلاند موتور را انگلستان اشاره کردیم (صفحه اخبار بین المللی)، چنانکه از خبر بالا پیداست "سمنان" مدیرعامل شرکت لیلاند موتور ایران برای مذاکره با مقامات شرکت امیربالیستی لیلاند موتور به انگلستان سفر کرده است و چنین پیداست که رژیم "سویرا انقلابی" و "سند" امیربالیستی "جمهوری اسلامی از وضع تلاکتبار امیربالیستهای انگلیسی سخت آزرده است که سرمایه داران وابسته را برای نجات کمپانیهای در حال ورشکستگی انگلستان ما مور میفرستند! چه بسا که تا بیعتی که در باره ۱ میلیارد دلار سپرده مربوط به ایران که پس از آزادی گروگان - هادر "بانک مرکزی انگلیس" گذاشته شده است محتدا در رژیم جمهوری اسلامی میخواهد زحمت "نگهداری" او با انتقال! این مبلغ هنگفت را از

تنتیرهای روزنامه ها در این مورد بسیار کویا هستند. همانطور که در پیکار ۱۰۴۲ گفتیم کمپانی تالبوت که در حال حاضر متعلق به کمپانی فرانسوی پژو میباشد از نظر اقتصادی در وضع بسیار بحرانی قرار دارد و بطوریکه از گزارش خبرگزاران ربهما بر میآید بخشی از فعالیتهای این شرکت متوقف شده و این کمپانی شدیداً به نیاز فروش احتیاج دارد (انقلاب اسلامی ۶ خرداد ۶۰) این شرکت امیربالیستی که یکبار با امضای قرارداد ده ساله با رژیم وابسته شاه از خطرا زهمها شدگی نجات یافت، اکنون مشغول مذاکره و امضای قرارداد یک میلیارد دلیره ای (۱۷ میلیارد تومان به ارزش رسمی دولتی ۲۷ میلیارد تومان به ارزش صادراتی دولتی) جهت فروش قطعات و موتور پیکان برای ۵ سال میباشد و رژیم جمهوری اسلامی با توجیه این خیانت و غارت ثروت زحمتکنان میروند که یکبار دیگر و گویا با دلالی خیامی سرمایه دار وابسته قرار این کمپانی در حال ورشکستگی را نجات داده و صنایع وابسته را برای مدت ۵ سال اجاره زندگسی و استمرار بخشد.

نکته مهم اینجاست که امضای این قرارداد در زمانی جریان داشته و در آن رژیم جمهوری اسلامی ادعای پستیانی از مبارزات میهن - پرستان ایرلند بر علیه امیربالیسم انگلیس داشته و در مورد باسی سندزها هوئی بی محتوا

دنبال قرارداد شرکت ایران ناسیونال با شرکت انگلیسی تالبوت

قرارداد جدیدی بین شرکت لیلاند موتور ایران با شرکتهای انگلیسی بسته میشود

انقلاب اسلامی ۶۰/۲/۳۰

"دکتر نوربخش معاون وزارت امورا تقصا دی ودا را شی درگفتگوشی با خبرنگار خبرگزاری بارس علت و نتایج سفر اخیرش به آلمان فدرال را شرح کرد و گفت:

این سفر بمنظور شرکت در مجمع سالانه کمپانی دویچه بانک که ایران سهامدار آن است صورت گرفت. دکتر نوربخش خاطر نشان ساخت در این سفر با مقامات کمپانی کروب نیز مذاکره و تبادل نظر شد. براساس این مذاکرات

قرارداد ایران نیازهای صنعتی و تخصصی خود را در درجه اول از امکانات این کمپانی ها، تا مین کند" (میزان ۶۰/۲/۱۶)

و بدنبال این خبر را دیوکلن اعلام میکند که: "شرکت فولکس واگن برای انجام یک معامله ۴/۷ میلیارد ریالی با ایران تلاش میکند" (انقلاب اسلامی ۶ خرداد ۶۰).

امپریالیستها را هنر را پیدا کرده اند. از اینکه رژیم جمهوری اسلامی برای "سرخ کردن" چهره زرد و صد انقلابی اش و فریب توده ها، شب و روز در بیلندگوها بش به امپریالیسم فحش میدهد اطلاعاتها را راحت نمیکند. برای امپریالیستها آنچه که اهمیت دارد کسترش روابط اقتصادی و سیاسی و تا مین منافع غارتگرانه شان میباشد. که به بهترین وجهی از طرف رژیم جمهوری اسلامی سر آورده میگردد.

مذاکرات با امپریالیسم آمریکا ادا می دارند
ما بهنگام آزادی گروگانها گفتیم که ماه

عمل دوره جدید رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا تا غزشت است و سیر حوادث نیز صحبت گفته های ما را اثبات کرد. ما در شماره های گذشته بیکار نمونه های زیادی از فروش اسلحه و تجهیزات نظامی از طرف امپریالیستها برای آمریکا را در رژیم جمهوری اسلامی را بر ملا کرده ایم. خبری را که از زورنمای گسترش روابط بین رژیم و امپریالیستها برای آمریکا البته در جهت منافع امپریالیستها است.

کوشش آمریکا برای بهبود روابط با ایران

به نقل از مطبوعات غربی - کاغذ سفید واشنگتن اعلام نمود این کشور از تجدید روابط با ایران استقبال می کند. سخنگوی کاغذ سفید گفت البته تعهد دولت ریگان برای اجرای موافقتنامه الجزایر، معنای عادی شدن روابط دو کشور نمیباشد. از سوی دیگر معاون وزارت امور خارجه ایالات متحده در برابر کمیسیون امور - انقلاب اسلامی - یکشنبه ۲۴ اسفند ۵۹

● **سوسیال امپریالیسم و کشورهای بورژوازی و سوسیالیستی در راه گسترش نفوذ**
سوسیال امپریالیستها شوروی و کشور های سرما به داری (بورژوا - روسیونستی) را

امپریالیسم ژاپن ادا می دارد.
● **امپریالیستها برای اروپایی فراموش نشده اند!**
همچنانکه تا ره سدر رژیم سرما به داری وابسته ایران در چهارچوب منافع سیستم جهانی امپریالیسم عمل

انقصاد قرارداد فروش نفت ایران به ژاپن

لندن - خبرگزاری فرانسه - براساس گزارش لندن امپریالیسم ژاپنی قرارداد عادی نفت خام خود را با ایران ماه آوریه جاری از سرخواهد گرفت. این گزارش قرارداد را در این زمینه بران بین وزارت نفت و ۱۳ شرکت نفتی شده است.

قرارداد مدت ۹ ماه اعتبار داشته و در آن از قرار ۳۷ دلار در ازای هر بشکه نفت ایران بود افزایش معادل ۱/۸۰٪ از قیمت اول تعیین شد.

استقبال بانکداری ژاپنی

کیهان - ریتر - بانکداری ژاپنی گفتند طوفان در این کشور برای اقتصاد ژاپن چنانچه برای جلوگیری از کاهش دلار گفتند ژاپن از استقبال خواهد کرد زیرا این کشور در این زمینه پیشرو است.

سرخود با زما بدواز تیرگی روابط فیما بین ایران و انگلیس بکا هد!!
● **امپریالیسم ژاپن نیز سهم خود را می گیرد!**

ژاپن مجددا قطعات یدکی اتومبیل به ایران صادر می کند

گشایش شعب بانک ژاپنی در تهران

بانک ژاپنی در تهران شعبه جدیدی افتتاح کرده است. این شعبه در خیابان ولیعصر واقع شده و در آنجا خدمات بانکی را به مشتریان ایرانی ارائه خواهد داد.

شرکت تجاری ژاپنی

شرکت تجاری ژاپنی "بانک ژاپن" اعلام کرده است که قصد دارد شعبات جدیدی در ایران افتتاح کند. این شرکت در زمینه های مختلف اقتصادی فعالیت دارد.

شرکت تجاری ژاپنی

شرکت تجاری ژاپنی "بانک ژاپن" اعلام کرده است که قصد دارد شعبات جدیدی در ایران افتتاح کند. این شرکت در زمینه های مختلف اقتصادی فعالیت دارد.

کرده و بخشی از آن بحساب میاید و هر چه سرد دروغینی که رژیم جمهوری اسلامی بخود بگوید در اصل ماجرا تا شیری نمیکند و دو بهمین جهت هم رژیم در جهت توسعه نظام را تجاعی حاکم، روابط اقتصادی با امپریالیستها را اروپای غربی را فراموش نکرده است. در بیکار ۵۴ سپهرده از مذاکرات تیکه بین دولت جمهوری اسلامی و دو شرکت امپریالیستی آلمانی و اطریشی جهت امضای قرارداد ۲۵ میلیارد تومانی مجتمع فولاد که رژیم شاه قصد پیدا ده کردن پروژه آنرا داشت برداشتم. در دوشماره قبل خبری داشتیم در مورد امضای قرارداد بین جمهوری اسلامی و شرکت امپریالیستی کروب، شرکت کروب یک کمپانی آلمانی است که سالها پیش در آستانه بحران اقتصادی قرارداد اش ت ولی رژیم شاه جلا د با بنا را ج گذاشتن پول نفت، بخشی از سهام آنرا خریداری و آنرا زور شکستی نجات داد و الان رژیم جمهوری اسلامی همان راه را ادا می میدهد.

صنایع کروب در آستانه ورشکستگی

پوخوم - آلمان غربی - خبرگزاری فرانسه، کمپانی عظیم فولاد سازی کروب آلمان غربی در ورشکستگی قرار گرفته است. این کارخانه بزرگ کار ۴۰ هزار نفری خود را به ۲۵ هزار نفر کاهش خواهد داد.

این کمپانی در سال ۱۹۷۹ نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار ضرر کرد و مدیریت آن اعلام کرد در نظر دارد تولیدات بخشی از صنایع را قطع کرده و تولید خود را بر حسب تقاضای کنونی بازار محدود کند.

لازم به یادآوری است که یکدوازدهمین صنایع کروب به حال ورشکستگی در آمد، اما بعد از تصویب پولی با خرید سهام کارخانجات کروب این شرکت را از ورشکستگی نجات داد.

"... در زمینه گسترش روابط فنی و اقتصادی با ژاپن ما نتایج وجود ندارد. چون دولت ایران در عین حال که ژاپن را یک کشور سرما به داری می بیند، ولی یک کشور استعمارگر را نمی داند"

از مذاخه نیوی - اطلاعات ۶۰/۲/۲۱

آری، سردمداران مرتجع رژیم جمهوری اسلامی برای هر خبانت خود توجیهی می تراشند. مرتجعسی چون نیوی نیک میدانند که منافع امپریالیسم ژاپن بشدت ترین وجهی با منافع امپریالیستها غریب گره خورده و چه بسیارند سرمایه گذارهای آمریکایی که در ژاپن عمل میکنند و نیز چه بسیارند سرمایه گذارهای انحصاری - گران ژاپنی در کشورهای امپریالیستی و سرمایه داری دیگر و همه اینها دست در دست هم در استعمار زحمتکشان جهان همراهند ولی نیوی آگاهانه تصویری "بی آزار!" از امپریالیسم ژاپن می تراشد تا توسعه روابط اقتصادی غایت - گران رژیم را با امپریالیستها ژاپنی توجیه نماید. رژیم که ادعا میکند بانکها "ملی" شده اند اما زنگش نشاید باندگی به بانکهای ژاپنی میدهند تا غارت دستخیز زحمتکشان بنفع امپریالیستها ژاپنی و سرما به داری وابسته ایرانی را میسر کرده و رژیم جمهوری اسلامی بتواند حفظ و تحکیم سرما به داری و وابسته را عملی سازد. حجم میادلات بین ایران و ژاپن در اسفند ۵۸ بیش از یک میلیارد دلار بود (انقلاب اسلامی ۲ اسفند ۵۹) که با قراردادهای جدید تا راج نفت و خرید قطعات یدکی از کمپانی "نیسان" و ورود کالاهای دیگر همچنان روابط نواستعماری با

اروپای شرقی نیز از خوان بیغماشی که رژیم جمهوری اسلامی در جهت حفظ منافع ارتجاعی - اش گذشته است بی بهره نمانده اند. سوسال امیربیا لیستنها به اجرای طرحهای نظیر نیرو - گاه رامین (هواز) و سرگرمندونیزا مضای قراردادهای فیما بین نظیر فراداد ترا نریت (که بان خواهم برداخت) ادا نموده دارد. مبادلات کشورهای سرمایه داری (روزیو - نیستی) نظیر آلمان شرقی و بلغارستان نیز با رژیم جمهوری اسلامی افزایش یافته است. حجم تجارت بین بلغارستان و ایران نسبت به سال ۵۶/۷۷ (ده برابر برده است آلمان شرقی با همان مزایای مستتران آمریکا ثنی برای تربیت کادرهای علمی ارتش و سپاه انداختن صنایع نظامی به ایران مستشار میفرستد و قراردادهای محرمانه میبندد (پیکار ۹۵) و این رشته سردراز دارد.

بی نیا زارا میربیا لیستنها و کشورهای سرمایه داری به زندگی انگلی خود ادا نموده. سرمایه داری وابسته ایران در کنار سایر عواملی که برای رشد و تحکیم خود دنیا زمیاند است، محبوس است سوزده در شرایط بحرانی کنونی بر حجم واردات خود بطور روزمره بیافزاید و رژیم ارتجاعی حاکم علیرغم تمام شعارهایی که میدهد برای تامین نیازهای داخلی و برگردن حبش کاش سرمایه داری داخلی و خارجی دست بردارن هر کشوری میشود.

میزان واردات ایران در سال ۵۹، ۸۳۳/۷۰۰ ملیا در ریال (۲۰ درصد افزایش نسبت به سال قبل) و میزان صادرات غیر نفتی ۵۱/۱ ملیا در ریال (۸/۱ درصد کاهش نسبت به سال ۵۸) بوده است (انقلاب اسلامی ۶۰/۲/۹) یعنی واردات یکساله ۱۶۳٪ برابر با صادرات غیر نفتی بوده است.

**افزایش واردات
در خدمت توسعه و تحکیم
سرمایه داری وابسته ایران**

کیلو صت و هشت - ۶۸ - ریال یک سوم تحویل از موجودی و دو سوم تحویل بند را رگشتی دریا فست وجه نصف نقد و بقیه موقع ورود گشتی. خوراک دام پارس - شرکت بها می عام

اطلاعات ۲۱ اسفند ۵۹

البته این نمونه ها، مثالهایی هستند که از طریق نشریات روزانه و آگهیها بیرون کشیده شده اند و اگر واقعیتها بر ملا شوند روشن خواهد شد که رژیم جمهوری اسلامی برای ادا همه حاکمیت ارتجاعی خویش به هر خیانتی دست میزند، مثلاً از طریق دلان بین الحلی با هوا پیمای تخم مرغ اسرائیلی وارد میشود که بشیرمانه کلمه "محمول اسرائیل" موضح در روی کارتونها ی آنها خوانده میشود و آتوقت رژیم خود را قهرمان مبارزه با امیربیا لیسم و صهیونیسم میدانند!

خرید اسلحه از امیربیا لیسم امریکا گرفته تا کشورهای وابسته آن نظیر کره جنوبی و امیربیا لیستهای فرانسوی و آلمانی و هلندی و بالاخره لیبی و کره شمالی همچنان ادا نموده اند ولی حتی یک نمونه آنها نیز بطور علنی اعلام شده اند و تنها پس از اینکه رسوایی دزدی ۵۶ میلیون دلار پس از مدتها در تفتادهای موجود بین جناح - های ارتجاعی حاکم این مسئله که رژیم ارتجاعی اسلحه میخرد برملا شد.

رژیم جمهوری اسلامی که ابتدا ادعا میکرد که از هیچ کشوری اسلحه نمی خرد هر ماه بیش از ۸ میلیارد تومان صرف خرید اسلحه از کشورهای امیربیا لیستی کرده است. نویری در نامه ای به بهزاد نبوی مینویسد:

"... بدین معنا که رقم سفارشات اسلحه و مهمات ما از خارج برای سه ماه آینده می تواند به حدود سه میلیارد دلار (۲۴ میلیون تومان) بالغ گردد. (انقلاب اسلامی - ۴ خرداد ۶۰)

رژیمی که بخاطر حفظ منافع طبقاتی ارتجاعی درگیر در جنگی ارتجاعی (که خود یکی از با نیا ن است) است که در سه ماه ۸۰ میلیارد دلار (۶۴ میلیارد تومان به ارزش دولتی و ۱۶۰ میلیارد تومان به ارزش آزاد) مخارج آن میباشد که بار آن هم بردوش کارگران و زحمتکشان دیگر سنگینی میکند.

البته کمونیستها و زحمله ما در صفحات پیکار تا آنجا شیکه امکانات اطلاعاتی مان اجازه میدهد خریدهای اسلحه را بموقع افشاء کرده ایم.

البته باید اذنا فر که در کده مسئله "تحریم اقتصادی" کذا ثی کوچکترین تأثیری در حجم واردات ایران نداشته، برای نمونه صادرات فرانسه به ایران در ۱۱ ماه سال ۸۰ (از دیماه ۵۸ تا آذرماه ۵۹) به ۲۸۱۶ میلیون فرانک رسید در حالی که در سال ۷۹ (۱۲ ماه) برابر ۱۵۵۰ میلیون فرانک بود (جمهوری اسلامی ۱۶ بهمن ۵۹) و با واردات ایران از انگلستان در سال ۱۹۸۰ (هم - زمان با "تحریم") برابر ۹۲۰ میلیون دلار بود بقیه در صفحه ۲۷

در لیست صفحه ۵ خواهیم دید که رژیم از پاکستان تا آمریکا، از شوروی تا هندو... کالای وارد میکند و در بین این کالاها، موادی چشم میخورد که واقعاً نیازی بدانها وجود ندارد اما باز امیربیا لیستی این چیزها سرش نمیخورد. رژیم ادعا میزند که دولتی در عمل حتی با

قابل توجه بازرگانان و شرکتها

۱- آرد و گردهای (مخصوصاً آرد) - بی صنعتی مخصوص: انقلاب ری - مواد شیمیایی ۴۰ - روغن مایع - لوازم پزشکی کامیونهای ماز (سگنشان) با بهترین قیمتها آماده حمل میباشد. تلفات با ما بوسیله تلس در اسپانیا تمام.

وارد کننده کلیه کالاهای صیقل یافته

شرکت T.E. آماده همکاری در کلیه بخشهای بازرگانی و صادراتی میباشد. (بخش زبان فارسی) tel. 212263 1746

قابل توجه تجار و وارد کنندگان محترم

شرکت الفارما افتخار دارد با اطلاع آقایان تجار و وارد کنندگان محترم برساند که آقای جی... مدیر عامل شرکت تجارنی سانگ و وار... در کلیه بخشهای بازرگانی و صادراتی حضور دارند و آماده همکاری با شما میباشند.

کسیان ۲۱ اسفند

آماده همکاری

وزارت امور خارجه - نامه شماره ۱۱۰۴/۱۱۰۶ مورخ ۵۹/۱۱/۷ خود اطلاع داد است که بر اساس نامه واسله از سفارت جمعی است که برای شرکت آلمانی ALANI در بندر آلمان که در زمینه صادرات و واردات... آماده همکاری است.

بانشانی زیر کاتبه نمایند: Alni-34125 Trieste (Italia) Viale XX Settembre 1 Mr Aldo Brandolin Tel. 041-22631746

بازار تهران - رزومه های یاد شده اظهار آمادگی ایران - رزومه است. علاقه مندان میتوانند برای کسب اطلاعات بیشتر با نشانی زیر کاتبه نمایند:

فاشیت های شلی نیز از ردمعایله میشود: "مژده مرغداران" شرکت خوراک دام پارس (بها می عام) مقداری آرد ماهی محصول شلی را به قیمت هر

رفقای معلول حادثه دانشگاه و مدال افتخار در راه آزادی طبقه کارگر

در نتیجه جنایت کم نظیری که با برتساب نارنجک با جمعی از بدرون مفوف تظاهرة کنندگان مقابل دانشگاه، در روز ۳۱ فروردین صورت گرفت، سه نفر از رفقای دلیر ما برج تراپی، آذرمهر علیان و وزگان رضوانیان شهادت رسیدند و ده تن مجروح و عده‌ای معلول گشتند. اینک در بیمارستان و در حالیکه با سداران جهل و سرما به همچون جلا، برپا لاین رفقای ما حضور داشتند، رفقای ما که همه‌ای از مقاومت و شور انقلابی و کمونیستی به ظهور رسانندند استان دیگری دارد. اینک رفقای پیکارگر ما حتی در لحظاتی که بر سر ما چاقوی جراحی قرار داشتند یکدم از عشق آتشین خویش به کارگران و زحمتکشان و کینه نسبت به ضد انقلاب غافل نبودند فرستنی دیگر برای باز کردن میخواستند. شور و حماسه آفرینی این رفقا برای ما، امیدی است تازه، درسی دیگر از مقاومت بیولتری و افق روشن سوسی فردای کارگران و زحمتکشان که چنین جانبازان و ایثارگران کمونیستی دارند.

مما جمعی که با چند تن از این رفقای مجروح و معلول انجام داده‌ام و در چند شماره خواهم آورد، خود گویا تراز آن است که به شرحی نیا زداشته‌اند. در بین اینان، هستند رفقای که چشم خود را از دست داده‌اند و با ایشان بسیار صورت و معده و کمرشان آسیب دیده و معلول گشته‌اند که ما بدلائل امنیتی از ذکر جزئیات آن خودداری کرده‌ایم. آنجا این زخمها را مدالهای افتخار خویش در مبارزه بیگرواوشتی-نا پذیرشان در راه مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع داخلی و در راه آزادی طبقه کارگر و گرونیل به سویا لیسیم میدادند.

به سخنان نشان گوش فرادهم: نخستین رفیق، کارگری کمونیست است که در مفوف سازمان پیکار به مبارزه خود داده‌اند و میگویند:

"مبارزه طبقاتی و کمونیسم انسانهای آهنین میسازد"

"... تظاهرات سرساعت و تقریباً بطور منظم شروع شد. مشت‌های گره کرده رفقا و شعارهای محکمی که میدادیم شورهای درمن ایجا دگرده بود و خا طره ۱۳ آبان خونین شاه و حماسه مقاومت دانشجویان انقلابی در اول اردیبهشت ۵۹ در همین مکان را در ذهنم زنده میگرد. من پشت

سررفقای بلاکار دیدست استاده بودم. روبروی دانشگاه ۱۰ نفر از جماعتداران رژیم با چوبهای شکل T نمایش قدرت میدادند. پس از حمله چند نفر از زو عقب راندن آنها توسط رفقا، ناگهان صدای انفجاری شدید شنیده شد و زمین زیر پا بم شدت لرزید. دردی شدید در خود احساس کردم و نمیتوانستم مفا و متمرکز حفظ کنم. رفیقی دختری دستش را روی دلش گذاشته بود و ناله میکرد. بخود آمده و فکر کردم قضیه به راهی انداختن بمیان صف تظاهرات ۲۲ بهمن در "مل" تکرار شده است. صف بطرف خیابان صدق برآهاده‌ام. داد و من چون حالت تهوع و سرگیجه داشتم به دیواری تکیه زدم. مردم میگفتند باید به دکتر بررسی و من سعی داشتم در این میان رژیم را افشا کنم. بهر حال به کمک یک رفیق راهی بیمارستان شدیم و پس از چندین باره بیمارستان خمینی و درمانگاه نزدیک آن رفتن، بدلیل نبودن جاس مجبور شدیم به بیمارستان شریعتی برویم. در جلوی بیمارستان خمینی یک رفیق دیگری را نیز سوار ما شنیم ما کردند. رفیق همراه هم میگفت وی نیز کارگزار است و از حقانیت سازمان دفاع میکند و من احساس افتخار میکردم که ما قاطعانه به مبارزه مان داده‌ام می‌دهیم. رفقای زیادی در این بیمارستان بستری بودند. بیه مرگ نمی‌اندیشیدیم، اولین چیزی که به ذهنم خطور کرد، به رفقا گفتم: بگذار روبروی بنیستها و ایورتونیستها ما را "آنا ریشیت" بگویند. این رژیم است که چهره جنايتكارانه خود را در مقابل ما با ما نشان میدهد. ما باید به حقانیت مبارزه با رژیم بیشتر ایمان پیدا کنیم...

در جلوی بیمارستان خمینی برادر کوچکترم را دیده بودم که به حمل رفقای زخمی کمک میکرد مرا که دیدیک لحظه مکت کرد و وقتی رفیقی گفت برو خواهرت را بیاور، پاسخ دادا و هم مثل بقیه رفقا! اینجا نیست، به بیمارستان شریعتی ببریدش و سپس با سرلامی به من گرد و من احساس میکردم مبارزه طبقه‌ای و کمونیسم است نهایی آهنین را میسازد.

چند لحظه پس از ورود به بیمارستان شریعتی خواهرم را دیدم که شدیداً زخمی بود، اما با این وصف راه میرفت و سیمه زخمیها سر میزد. رفیقی خیرشادت رفیق آذرا به من داد و هر دو با خشم دست هم را فشردیم... دوزن در افاق روبروی من آنجانن مرا نگاه میکردند که قلبم از شادای شدت می‌طپید. برستارها شدیداً دل‌سوزی میکردند. رفقایکی بین ازدیگری بدیدنمان می‌آمدند و حالمان را می‌پرسیدند. نزدیک شب بدلیل امکان محاصره بیمارستان توسط سداران و

دستگیری زخمیها، رفقایمان را از بیمارستان خارج کردند و از این پس دیگر رفقای کمیته پزشکی سازمان بودند که با مداقت و مسئولیت رفیقانه ما را تنها نمی‌گذاشتند و مداوا می‌کردند. در تمام مدت زخمی بودن فکر میکردم که هار شدن رژیم و توسل به این شیوه فاشیستی، نشانها و جگری جنیش و شکستن بیشتر توهم توده‌ها و عجز و بونی رژیم است. گوئی عزمم برای بیشتر بدیشترو بهتر فعالیت مبارزاتی انقلابی مان چندین برابر شده بود. دلم می‌خواست هر چه زودتر کارها را شروع کنم...

در بیمارستان، بجای "من"

"رفیق من"، مطرح بود!

روز ۳۱ فروردین ساعت ۴/۵ طبق قرار که داشتم از محلی نزدیک، غار محل تظاهرات شدم. بدلیل شلوغی بیمارستان رفیقی که همراه بودا رخبا بان می‌آمدم، با ساعت خودم به دقیقه به شروع تظاهرات مانده بود (قبلاً تا کند شده بود که سر وقت بیایم) به همین دلیل حالت عجله در راه رفتنم کاملاً مشخص بود. نگاهم به چهار راه قدس بود که صدای رسای رفقا "اول اردیبهشت لکه ننگ دیگر بردا من ارتجاع" توجهم را جلب کرد. از آن طرف خیابان بدو آمدم و در اول صف دولا شدم که بدرون بروم. سمت چپ صف رفیق دوم قرار گرفتیم. وشا را تکرار کردیم در وهله اول انضاط صف، صدای محکم رفقا جلب نظر میکرد. چند بار به پشت صف نگاه کردم صف خیلی منظم بود. با صدای بلند شعار میدادیم از جلوی دراجلی دانشگاه بردشیم، فالانژها خوب بدست حدود (۱۵-۱۰) نفر کنار در اصلی دانشگاه ایستاده بودند که با آنها کردم پوزخندی برلمانم نشست، در ذهنم این جمله نقش بست "چقدر احمقند که خیال میکنند ما - خواهم اینجوری دانشگاه را با زخمیم. شمار "اتحاد، مبارزه، بیروزی"، "دانشجوی مبارزه همت توده‌ها سنگ خود را بگشا" تکرار می‌شد. عده‌ای از رفقای ورزشکار ربین قسمتی که فالانژها بودند و صف قرار داشت آمدند تا از سر به بدیری به صف کم کنند. اول صف از در دانشگاه رفته بود که آنها با سنگ و چوب به صف حمله کردند صدای فرار رنگند رفقا را شنیدم، نمیدانم چندتا نیه بعد، این ما بودیم که فالانژها را تعقیب میکردیم و آنها را از صف می‌رانیدیم. داد زدیم که بچه‌ها و بطرف فالانژها شروع بدویدن کردم که صدای انفجار و دود غلیظی را احساس کردم. چند نفر را دیدم که بطرف بیمارستان رویدند، بکنفر کنار من دلش را گرفته بود و خون از آن بیرون میزد. چند قدم که رفتم دیدم نمیتوانم راه بروم. رفیقی آمد و پرسید چه شده؟ پس از آنکه فهمیدم فالانژها رفتن نسیم، گفت خوب، تورا قبول

میگرم. فکر میکردم هیچ چیز نیست. حتی گمان میکردم خونی که از دستم ماید، خون رفیقی است که در کنارم مجروح شده و خوش بمن یا شیده است. رفیق مرا بکول گرفته و سپس سوار تا کسی کرد. زاننده، خشمگین به رژیم فحش میداد و من و رفیق هم فشاگری میکردیم. در کنار تا کسی ما و انتی که پرا زرقای مجروح بود، در حالیکه بوق میزد و رفقا شعار میدادند توجه ما بر سر را جلب میکرد. وقتی وارد بیمارستان خمینی شدم رفیق آذر مهرعلیان را دیدم که در روی تخت

همه چیز آمده کرده و پیش خود تصور میکردم پس از این بدون با درجه قسمتها نمی میتوانم فعال باشم و مبارزه را به پیش برم.

بعد از آنکه به اطاق عکسبرداری رفتم، معلوم شد که ما بعد از آن به بیمارستان حمل و آنجا را محاصره کرده اند. نگران رفقای همراه بودیم، چون احتمال دستگیری آنها وجود داشت. باسدار - آن در لباس شخصی در اطاق بودند. پرستاران و دکترها با احساس مسئولیت و مصیبت نامه برای بچه ها کار میکردند. مزدوران رژیم سعی میکردند

از کم و کیف آن به دندمان آمده بود. احساس میکردم جفدرجان دادن در راهی که پیش گرفته ام شیرین است، و جفدرجان رضایت میکردم از اینکه سزا ظر مردم زحمتکش در آن وضع هستم. فکر میکردم با لایحه یکروز طبقه کارگران ایران نود و نه های زحمتکش به حق نسبت کمونسیتها بیخیال خواهند بود و آن روز دیر نیست. دکترها جبر (رئیس مزخج بیمارستان) وقتی تصمیم به سرور کردن رُفقا گرفته و با مقاومت آنان رو برو شد، یوقیحا گفت "خیال کردید اینجا هم جلوی دانشگاه است؟" یا سخبحا و فشاگرا نه رفیقی منی براینکه "توچی؟ خیال کردی اینجا شکنجه - گاه و این است؟" رئیس خود فروخته بیمارستان راها رشا ساخت. او خواست رفیق یا سخگورا بیرون کند و چون بر اثر مقاومت او، به تنهایی نتوانست، با کمک یک باسدار، رفیق را کشتان کشتان بطرف درخوجی بردند و در این فاصله نیز رفقای مجروح با هوکشدین و فریاد ممد و "ولش کن بیشتر" بر علیه این حرکت مزدوران اعتراض کردند. مرا به بخش محروجن جنگ منتقل کردند و چون مرتب به فشاای رژیم میرداخته و اطرافیانم زانه بحث میگرفتم، به بهانه نبودن جا، از آنجا به بخش دیگر فرستادند. در آن بخش جوخیلی بیستف ما بود. تمام افراد اطاق زحمتکشان بودند و من هم ما جرای جنایت رژیم برای آنها بازمی گفتم. پرستارها در این بخش با محبت عیبی بر ایمان کار میکردند، خبر تجمع رفقا را در بیرون بیمارستان میاوردند و از تعداد کشته ها و زخمیها و حرکاتی که صورت گرفته و روحیه مقاومت جوای نه رفقا بر ایمان شعرف میکردند وقتی شنیدم که بعد از جدا شدن ما از صف نظارات رفقا به تظاهرات ادا مه داده اند، این خبر

- وقتی دکتر معاینه ام کرد گفت پاهایت نمی ندارد. فکر کردم م مفهوم این حرف یعنی قطع پا!
- بلافاصله گفتم "بدون پاهم میشود مبارزه کرد فقط بدون فکر نمی شود. خود را برای همه چیز آماده کرده بودم و پیش خود تصور میکردم پس از این بدون پا درجه قسمتهائی میتوانم فعال باشم و مبارزه را به پیش برم"
- از یک پرستار زحمتکن ملافه خواستم و او گفت "ملافه که چیزی نیست بگو چشمهایت را در مبارزه بده!"

خواهید بود. یکی از رفقا گفت رفیق آذر شهید شده است. بانگای به آذرونکاهی دقیقتر به اطراف ما تازه متوجه وسعت جنایت ارتجاع شدم. در اطاق آنچه که حاکم بودا - کومونستی گذشت و اینا ریود. دکتر به سراغ هر کسی که میرفت او رفیق دیگر را نشان میداد: "دکتر حال این رفیق، بدتر از من، اول بسا و برسد"، "دکتر این رفیق من بیهوش شده، به او برسد"، "من فعلا روی زمین میمانم این رفیق را روی تخت بخوابانید". و بسیاری جملات دیگر که نشان دهنده روحه فداکارانه و ایثار در رفقا بود. آنجا صحنه ای از روابط کمونستی به نمایش گذاشته شده بود. آنجا بجای "من"، "رفیق من" مطرح بود و این امر در هر بیننده ای تاثیر میگذاشت. وقتی دکتر معاینه ام کرد گفت "پاهایت نمی ندارد. فکر کردم مفهوم این حرف یعنی قطع پا، بلافاصله گفتم بدون پاهم میشود مبارزه کرد، فقط بدون فکر نمیشود. خود را برای

با ایجا در صدامانع کار آنها کردند و "دلسوزیهای" ساخکی و مزورانه میخواستند اعضا برفقای مجروح را خراب کنند. مثلا یکی از باسداران با لباس شخصی به سرپرستاری که بالای سر من بود، گفت "خانم ترا بخدا به اینها برسد، اینها بهترین فرزندان ما هستند!" من در همان وهله اول فهمیدم که او باسدار است و برسا رهم با اشاره به تفنگ او که پاشین تخم گرفته بود، مرا بیشتر متوجه آنچه کرد. این مزدوران با اعمالشان باعث ایجاد نفرت و کینه در کارکنان زحمتکش میشدند. یکی از زنان زحمتکش بیمارستان یکبار به اطاق محروجن آمده و با تاسف مدام میگفت "وای وای بسین چه شده؟" و با دلسوزی به بدنهای متلاشی و چهره های بیرنگ رفقا نگاه میکرد. من از او یک ملافه خواستم و او گفت "ملافه که چیزی نیست بگو چشمهایت را در بیا رده". او در بخش دیگری کار میکرد و چون جریان را شنیده بود، برای اطلاع

بقیه از صفحه ۱۳ لایحه ...
قیام نموده ای و مسلحانه، بدلیل آنکه رهبری طبقه کارگران را قید و بند جین و رطبه هولناکی افتاد. ارتجاع حاکم هر چند در اجرای مقاصد ضد انقلابی خود، بدون هیچ شک و شبیه ای شکست خواهد خورد، ولی فعلا این خواب را در سر می - برورا ندکه برای سرکوب نیروهای کمونستی و انقلابی، نه تنها از ارتش و باسدار و پلیس استفاده کند، بلکه با وضع جین جین فوانیسی بجرم "ارتداد" یا اختلاف عقیدتی حتی بصدرا به قتل فرزندان او ادراد. خواب آفته ای که بهیست مبارزه گسترده شده و دستا وردهای جنایسی انقلاب و سوسا لیم تنها بر ضد خود تعبیر خواهد شد و مرتجعان را به همان انسان باستانی تاریخ خواهد راند.

بقیه از صفحه ۱۴ پاسخ ...
مطالبی افشاگرانه و با ارزش بود رسید، از آنها در افشای ضد انقلاب استفاده خواهد شد. با درود های گرم انقلابی موفقیت شما را خواستاریم و منتظر نامه های دیگری از شما هستیم
● رفیق سعید - ص - ف -

پیشنها دهات را مورد بررسی قرار میدهم از ارسال چند بریده روزنامه مربوط به سالهای قبل و... برای آرشیو بیکار تشکر میکنم.

سایر نامه های رسیده

رفقا بیرون و شهنانه - ن - اعظم - س از تهران - س - ج از کمیته پزشکی - فاطمه - ه -

الف - ر، سرباز - سیا مک از اواز - سهیلا، ش م از سرورد - اج مبرورد - کارگر کشا و رز "بیل" - روح انگیز - ن، ک تهران - ف - مینا از کارمندی - هر - مریم - پتک - د، ک از قاشمهر - هسته تسلیمی - س از زندان شهیانی رشت - دور رفیق از چاپ مارندران - الف گیلان ب قادر دزفول - واحد خوش کفا - م، با تار - م، ع - همایون راد - م، د مارندران - جمع ل - الف - ی زجان - م، پبرو - ب مسجد سلیمان ضد گیلان - رفیق کارگروچ از قاشمهر - زیبا کفش ملی - دبیر تشکیلات اشرف - ن، ت - صد د. د. غ - س. د. د. ب آدرسیان - منوجه هر ما شهر - ساجی - نا در از ذوب آهن - حسین شهرام، پروژه ای.

بقیه از صفحه ۱۳ لایحه ...
قیام نموده ای و مسلحانه، بدلیل آنکه رهبری طبقه کارگران را قید و بند جین و رطبه هولناکی افتاد. ارتجاع حاکم هر چند در اجرای مقاصد ضد انقلابی خود، بدون هیچ شک و شبیه ای شکست خواهد خورد، ولی فعلا این خواب را در سر می - برورا ندکه برای سرکوب نیروهای کمونستی و انقلابی، نه تنها از ارتش و باسدار و پلیس استفاده کند، بلکه با وضع جین جین فوانیسی بجرم "ارتداد" یا اختلاف عقیدتی حتی بصدرا به قتل فرزندان او ادراد. خواب آفته ای که بهیست مبارزه گسترده شده و دستا وردهای جنایسی انقلاب و سوسا لیم تنها بر ضد خود تعبیر خواهد شد و مرتجعان را به همان انسان باستانی تاریخ خواهد راند.

در زیربخشی از اطلاعیه "گروهی از مسئولین و فعالین سابق سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت)" را میخوانیم:

چگونه به سازمان پیکار پیوستیم

سازش را در پیش گرفتند و خلق قهرمان ترکمن را به زیر پرچم بورژوازی (حزب جمهوری اسلامی) دعوت کردند و دم از وحدت کلمه و سازش زدند و این سیاست ناآشنا پیش رفت که اکنون دیگر در ترکمن صحرا از شوراهای واقعی دهفانی که مهمترین دستاورد ما رزائی خلق ترکمن بود و به بیهای خون تهادی زحمتکش ترکمن بدست آمده بود، نشانی نیست. روز بروز ما مثل جدیدی در باره مواضع سازمان برای ما مطرح میشد که از طرف سازمان به آنها جوابی داده نمیشد و ما مثل لاینحل میماندیم و بدین ترتیب سر

اختلافاتمان افزوده میگشت. اختلافات ما با در این زمان با تحلیل فداثیان بیرونی ما مثل زیر شکل میگرفت:

- ۱- شناختنا زمانه هیئت دولت.
- ۲- دخالت شوروی در افغانستان و موضعگیری رویزیونیستی فداثیان از این عمل.
- ۳- حرکت پراکمانیستی و کجهدفانان خلق.
- ۴- عدم وجود ستارهایسیم دمگرا تیک در درون سازمان.

۱- در این زمان اختلاف ما با دیدگاههای انحرافی فداثیان از حاکمیت هنوز به مرز بندی اصولی نرسیده بود. بدین ترتیب که بدون اینکه بخوانیم بر روی انقلابی و ضد انقلابی بودن رژیم جمهوری اسلامی بحث کنیم و نسبت بدان موضع گیری مشخص نمائیم خواستار شرکت فعال در جنبش مقاومت خلق کرد و مبارزات دهفانان و مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان بودیم. یعنی بدون اینکه بخوانیم بر روی اساس و ریشه مسئله تکیه کنیم میخواستیم تاخ و برگها را از بین ببریم در صورتیکه این تاخ و برگها، تاخ و برگ یک ریشه رویزیونیستی یعنی تحلیل از حاکمیت بود.

۲- در مورد مسائل افغانستان با اینکه ما هنوز گرفتار دیدگاههای راست بودیم و لیبسی نظریات ما با نظریات فداثیان اختلاف اساسی داشت، بدین ترتیب که بدون اینکه روشن کنیم سیاست پیاپی دهفانان در افغانستان یک سیاست غارتگرانه است یا منطبق است بر سیاست انترناسیونالیسم پرولتری، سیاست یک کشور سوسیالیستی است یا امپریالیستی، خواستار محکوم کردن سیاست شوروی در افغانستان بودیم.

۳- در این زمان فداثیان با دلیل موجه سائتریستی (بینابینی) خودنا توان از داشتن یک تحلیل کلی از روند انقلاب و چگونگی چشم انداز آن بودند و به همین دلیل موضع گیری آنان نه بر اساس چگونگی ما هیئت حاکمیت و نیروهای سیاسی، بلکه بر اساس حرکات روزمره آنان شکل میگرفت و به همین دلیل همیشه بصورت کورده دنیا له روجریانات و حوادث روزمره

سیاستی انحرافی و آکنده ز توهمات لیبرالی بود. تا اینکه در کارنامه ۳۴ بعد از اشغال جاسوسخانه آمریکا مواضع جدیدی از طرف فداثیان خلق اعلام شد. در این مواضع فداثیان ضمن حمایت از اشغال جاسوسخانه یوسیلیه دانشجویان پیرو خط امام بعنوان یک عمل ضد امپریالیستی، روحا نسبت را که قبلاً "فتریبون مرتجع" مینامیدند، بنیادینا رضا میربا لیبست و نمایندگان خرده بورژوازی سنتی قلمداد کردند و لیبرالها که قبلاً از نظر فداثیان ملی و آزادیخواه بودند به متحدین طبیعی امپریالیسم آمریکا تبدیل شده بودند. و در این بین طبیعی بود که فداثیان از روحا نسبت فدا میربا لیبست در برابر لیبرالها که متحدین طبیعی امپریالیسم آمریکا شده بودند پیشتیبانی کنند. یعنی مواضع فداثیان در باره حاکمیت ۱۸۰ درجه چرخش پیدا کرد.....

این موضعگیری فداثیان بعد از جریان سفارت مقارن بودبا او جگیری جنبش مقاومت خلق کرد، که این او جگیری با آنها جمسلیحانه رژیم جمهوری اسلامی در مرداد ۵۸ آغاز گشته بود سیاست جدید فداثیان در قبال هیئت حاکمه در چگونگی نقش فداثیان در جنبش مقاومت خلق کرد تا شیر فراوانی میگذاشت. فداثیان که در آغاز تنها جم رژیم به کردهستان نامهای بیه با زرگان نوشته بودند و در آن با زرگان را ضحیت کرده بودند که این اختلافات را میتوان با ملج و آشتی حل کرد و بنیاد پای ارتش و سپاه پاسداران و... را به میان کشید، ولی با همه اینها، تا جریان سفارت در جنبش مقاومت خلق کرد نشی فعال داشتند. ولی بعد از جریان سفارت و تغییر مواضع شان، فداثیان سیاست سازش و آشتی طلبی را در درون جنبش مقاومت خلق کرد در پیش گرفتند و این سیاست آشتی - طلبانه در روند رشد خود به مواضع کنونی فداثیان اکثریت در برابر جنبش مقاومت خلق کرد، یعنی خیانت به مبارزات حق طلبانه خلق منتهی شد. بعد از این جریان جنگ و مرگ ترکمن صحرا پیش آمد، اینبار هم فداثیان با توجه بیه تحلیلشان از قدرت سیاسی که آن را مترقی و ضد امپریالیست میدانستند، سیاست عدم تعرض و

ما مسئولین و گروهی از فعالین بخشهای کارگری و دهفانی تشکیلات اردبیل فداثیان خلق (اکثریت) بودیم. ارتباط گیری چندتن از ما با تشکیلات فداثیان خلق در اوایل خرداد ۵۶ و ارتباط گیری بقیه ما بعد از این زمان بوده است. بطوریکه میتوان گفت ما از افراد اولیه تشکیلات فداثیان خلق در اردبیل بودیم و در پی وجود آوردن تشکیلات اولیه فداثیان خلق در اردبیل نقشی فعال داشتیم.

تماس گیری ما با فداثیان خلق از روی آگاهی کامل به مواضع آنان در زمینه های مختلف انجام نگرفت، بلکه ما نند بیشتر افرادی که در آن زمان با فداثیان تماس میگرفتند بدلیل نقش فعالی که فداثیان خلق در قیام مهمن ماه داشتند و همچنین برای اینکه آنان شناخته شده ترین نیرو در درون جنبش کمونیستی بودند انجام گرفت.... اولین موضعگیری های فداثیان خلق بعد از قیام مهمن ماه ۵۷ در مورد دولت موقت با زرگان بود. همانطور که میدانیم فداثیان در آن زمان رژیم جمهوری اسلامی را به دو جناح زیر تقسیم میکردند: ۱- لیبرالها که در آن زمان با زرگان در راست قرار داشت و دولت موقت را در دست داشتند. فداثیان دولت موقت را دولتی ملی و لیبرالها را آزادیخواهانی که خواستار بر آورده کردن منافع خلق بودند، معرفی میکردند. ۲- روحا نسبت به رهبری آیت الله خمینی که فداثیان این جناح را "فتریبون مرتجع" مینامیدند. و آنان را سرکوبگر هر نوع آزادیخواهی میدانستند. فداثیان از این دو جناح، از جناح لیبرالها در برابر روحا نسبت پیشتیبانی میکردند. (رجوع کنید به کار شماره یک تا ضمیمه شماره ۴۴). همانطور که گفتیم در اوائل ما از این موضع فداثیان در باره حاکمیت دنیا له روی میکردیم ولی بعد ما یعنی قبل از انتشار کارنامه ۳۴ که تحلیل فداثیان از حاکمیت عوض شد، ما به این نتجدر سیده بودیم که حمایت از دولت با زرگان که با سیاست کامه گام خود در جهت نزدیکی به امپریالیسم و یازمی سیمت بر ما به اداری وابسته قدم بر میداشت،

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی



جنایتکاران زندان به ما مورین خوددسنور میدهند به معترضین حمله برده و آنها را زیر دست و لگد خود بگیرند. عده‌ای حاضر به این کار نمی‌شوند. اما گروهی دیگر ما هیت کشف خود را نشان داده و به کتک زدن این دختران انقلابی میپردازند. اما موفق به شکستن اراده آنها نمی‌شوند. دختران انقلابی زندانی که هم از دست پاسداران مکتبی و هم از دست پاسداران موردمحابت بنی صدر کتک خورده بودند، همچنان از رفتن بداخل زند سر باز میزنند. ما مورین شهربانی و ما ننده و مایوس از آزار آنها دست می‌کشند و باصطلاح آنها را بحال خودشان رها می‌کنند. تا تاریخ نوشتن این گزارش (۶۰/۳/۲) این زندانیان بدون کوچکترین امکاناتی در راهرو زندان کاروان بسر میبرند و حاضر به شنیدن دادن به سیاست‌نگین رژیم نشده‌اند.

سیاست انداختن زندانیان سیاسی دختر به بند زندان، سیاستی است برای درهم شکستن روحیه زنان و دختران انقلابی میهنمان که در سراسر زندانها تعقیب می‌شود. اما مقاومت زندانیان سیاسی زن و دختر نقشه‌های آنها را نقش بر آب خواهد کرد.

هرچه گسترده تر باشد مقاومت انقلابیون
اسیر در سراسر زندانهای کشور!



تشخیص دادیم و با این رفتارها تمایز گرفتیم و بدین گونه پیوستن خود را به سازمان بیکار اعلام می‌داریم.

زنده‌ساز ما رکسیم - لنینیم علم
رها شیبش بیرون لاریا
رویز یونیم را در هر شکل و پوششی
طرد و افشا کنیم!

زنده‌ساز دودخت کمونیستهای ایران و جهان!
پیش بسوی ایجا دخر بطنه کارگر!
برقرار بسا جمهوری دمکراتیک خلق!
گروهی از مسئولین و فعالین سابق سازمان
چریکهای فداشی خلق (اکثریت) تشکیلات
اردبیل - ۱۳۶۰/۲/۲۸

اهواز: دختران انقلابی اسیر، زیر تازیانه قانون رژیم!

روز پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه، با سداوان سرما به ۸ تن از زندانیان سیاسی دختر را بفر کتک از زندان موقت دادگاه ضد انقلاب اهواز به زندان کاروان این شهر منتقل کردند. این نمونه کوچکی است از رفتار رژیم که مدعی است در زندانها پیشا اصلاحی وجود ندارد. (آخرب و شتم و وحشیانه دختران مبارز که شکنجه نیست.)

این دختران مبارز حدود ۵ روز پیش، برای جدا شدن از بندهای زندان، که پرا زنان بدکاره و ساواکی است و محیطی است آلوده به انواع بیماری‌های مقاربتی مسری، دست به اعتصاب غذای خنک زده بودند، که بعد از ۵ روز مسئولین ناچار به پذیرفتن خواسته برحقشان شده و آنها را به زندان دادگاه منتقل کردند. انقلاب منتقل کرده بودند. اما در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ماه، مسئولین در صدد بر میآیند که آنها را دوباره به زندان کاروان برگردانند.

دختران زندانی شدت با این تصمیم مخالفت می‌کنند. اما پاسداران بیشتر ما نه سرکوب آنها برداخته و با کتک و زور، آنها را سوار ماشین کرده و به زندان کاروان میبرند. جالب اینست که این باصطلاح برادران مکتبی، برای اینکه از بهشت موعودشان محروم نشوند، در موقع غرب و شتم و وحشیانه زندانیان بدوردستشان با رجه پیچیده بودند تا می‌دادستان به تن نامحرم آنها بخورد.

دزدان کاروان، زندانیان مبارز دست به مقاومت میزنند و با نشستن در راهرو زندان حاضر به ورود به بند زندان نمی‌شوند. اینست که با سیاستهای شهربانی وارد عمل می‌شوند. رئیس

زمان به ضد انقلابی بودن هر دو جناح رژیم جمهوری اسلامی رسیده بودیم.

حال دیگر دور راه پیش پای خود میدیدیم، با اینکه در تشکیلات اکثریت ما ننده و به بورژوازی حاکم خدمت کنیم و با اینکه با انتخاب موضوع اصولی و پرولتری در جهت مبارزه برای استقرار سوسیالیسم به پیش روییم، بدین ترتیب نتوانستیم مبارز بندی با دید خورده بورژوازی نسبت به درد دست داشتن اهرمهای تشکیلاتی و نام فداشی مواضع ایدئولوژیک خود را تا حد مواضع کمونیست‌های پیگیر ارتقاء دهیم و بس با مطالعه بر روی مواضع سازمان بیکار و مواضع سازمان بیکار را اصولی و پرولتری ترین جریان

بودند. بعنوان مثال شرکت در قیام، تحلیل از دولت بازگان، تحلیل از جریان سفارت و... در این مورد ما خواستار داشتن یک تحلیل عام و مشخص از جامعه و نیروهای سیاسی موجود بودیم تا با داشتن این تحلیل (البته واضح است که نظرها بر یک تحلیل اصولی و مارکسیستی است) بتوانیم قیام لانه تر در جنبش خود را شرکت کنیم.

۴- هر چه غلظت روی یونیم در مواضع فداشیان در زمینه‌های گوناگون آشکارتر می‌گشت طبیعی بود که انتقادات ما نیز به این مواضع بیشتر میشد. ولی هما نظریه گفتیم به این انتقادات جوابی داده نمیشد و ما ثلی که از طرف بسیاری از هواداران مطرح میشد همچنان لاینحل می‌ماند. و اکثر افرادی در مورد انحراف بر است سازمان پیگیری میکردند جواب خود را با مارکشیستی از قبیل "نارشیست"، "چپ‌رو" و... در یافت میکردند.

تمام این جریانها نتوانستند تا انتهای مسامحه را در سازمان برای ما بیشتر عیان مساخت. ما که قبلا معتقد بودیم مبارزه با بورژوازی وسیع توده‌ای درون سازمانی خواهیم توانست مواضع انحرافی سازمان را طرد کرده و مواضع اصولی و پرولتری را جایگزین آن کنیم که کم می‌دیدیم این روابط تشکیلاتی به دیدگاههای سالم و پرولتری این اجازت را نخواهد داد. بدین ترتیب بود که خود را جدا از سازمان میدیدیم که عملا در تعیین مواضع آن هیچگونه تاثیر نداشتیم.

تا اینکه مسئله انشعاب (اکثریت و اقلیت) پیش آمد. و ما با وجود داشتن دیدگاههای متفاوت با اکثریت (مواضع بالا تا مدت مدیدی در درون تشکیلات اکثریت باقی ماندیم. اکنون تحلیل ما از آن حرکت خود ماندن در تشکیلات اکثریت با داشتن دیدگاههای مخالف آنها بدین گونه است:

۱- ما هنوز نمی‌توانستیم با دید خورده - بورژوازی در مورد درد دست داشتن اهرمهای تشکیلاتی به مبارز بندی برسیم. یعنی خارج شدن از تشکیلات اکثریت بر ما بر بود با از دست دادن مسئولیت اجرائی بخش‌هایی که ما مسئولیت اجرائی آن را بعهده داشتیم.

۲- هنوز مانست به نام فداشی با دید غیر توده‌ای می‌نگریستیم بدین معنی که همه حرکات انقلابی را در نام فداشی خلاصه میکردیم و این گونه به نظرها میرسد که بدون فداشی هیچ گونه مبارزه‌ای صورت نخواهد گرفت.

در این زمان ما نسبت به ماندن در تشکیلات اکثریت بصورت متزلزل برخورد میکردیم تا اینکه مسئله روی یونیم و ما هیت طبقه‌ای آن بطور جدی برایمان مطرح شد. در پی مطالعه متون مارکسیستی به ما هیت بورژوازی و روی یونیمستی بی‌بازدید و سراسر این مسائل توانستیم به ما هیت بورژوازی امپریالیستی روابط تولیدی موجود در شوروی بی‌بازدید در ضمن در هم بین

بقیه از صفحه ۱۰۰ درباره

برسد. از این جهت است که کارگران ناچارند و در جریان کار روزی خود بدین مسئله پیسی میزنند که با پیدا هم باشد، با بدبختی هم دیگر را داشته باشند و با زودری هم از فوق طبقاتی خود دفاع نمایند. کارگر به تنهایی مطلقاً هیچگونه قدرتی در مقابل کارفرمای خود ندارد. این را میتوان از موقعیتی که کارگران منفرد دارند بخوبی دریافت:

■ چرا کارگران منفرد با استعمار بیشتری را بدوش میکشند؟
با یک مثال درک ما از این مسئله روشنتر خواهد شد. بعنوان نمونه ساعات کار یک کارگر منفرد را، مثلاً کارگر خشک شویی را در نظر بگیرید. اصلاحات و کتاسی ندارد. آنها معمولاً ۱۳ - ۱۲ ساعت کار میکنند و حتی در برخی مواقع مثلاً ۱۶ یا نزدیک به عدتاً ۱۶ ساعت ناچارند کار کنند. این گونه کارگران اگر هم بخوانند هدیه کارفرمای خود اعتراض کنند و در مقابل او بایستند، بی چون و چرا اخراج میشوند. درجا معسرما به داری هم که همیشه تعداد فراوانی کارگر بیگانه هست که بلافاصله جای آن کارگر را میگیرند. بهمین دلیل است که کارگران منفرد ناچارند نهد، برین فشارها را تحمل کنند تا مبادا از گرسنگی بمیرند.

اما در مورد کارگرانی که در کارخانه های بزرگ بصورت دسته جمعی کار میکنند، وضع طور دیگری است. مثلاً کارخانه ایران ناسیونال را در نظر بگیرید که هزاران کارگر در آنجا مشغول بکارند. همین جمع شدن هزاران کارگر در یک محل و در زیر یک سقف، باعث میشود که کارگران به قدرت خودی بپردازند و با هم در مقابل سرمایه داران تسلیم نشوند. کارفرما در اینجا دیگر نمیتواند بطور دلخواهی از کارگران کار بکشد. طرف دیگر نمیتواند بکارد آنها را که در کارخانه اخراج کند، چون این امر مخالفت دسته جمعی کارگران را برمیآورد که برای سرمایه دار عاقبت خوبی ندارد. همانطور که مدام نیم آفرین روزهای سال قبل بود که دولت خواست به آنها نه جنگ ارتجاعی کنونی، از فرصت استفاده نموده بکساعت بکار روزانه کارگران ایران ناسیونال اضافه نماید. دیدیم که چگونه کارگران متحداً با خاسته دوست به اعصاب زدند، بطوریکه دولت ساچرا از عقب نشینی شد.

هر کارگری در زندگی خود میبندد که چگونه کارفرما وقتی که در مقابل اعتراض یک کارگر قرار میگیرد، شیر میثودولی برعکس وقتی سا اعتراض همه کارگران مواجه میشود درست مثل یک رویا به تریس، قرار را برقرار ترجیح میدهد! کار دسته جمعی در محیط های بزرگ کار، زمینه اتحاد و همسنگی کارگران را بخودی خود بوجود میآورد. طبقه کارگر در تجربه روزانه خود به اهمیت اتحاد و همچنین به قدرت عظیم خویش پی میبرد و در نتیجه وحدتی که در جریان مبارزات اقتصادی دست مبارز دست به ایحادا زمانها

و سنگینا پیش میروند بهر موثرتر است و است مبارزه خود را با زمان داده و به بین سرد کارگر تنها بی هیچگونه قدرتی برای مقابله سرمایه به دار ندارد. بلکه گفته میشود "کارگر متفرق هیچ چیز، کارگر متحد همه چیز" همین خاطر است.

۳- اتحاد طبقه کارگر در قالب تشکل ها و

سازمانهای کارگری معنی پیدا میکند:

"کارگر با بدیهه هر قیمتی که شده است و با شل مقاومت در برابر سرمایه داران با بد تا از خود دفاع کند. او این وسیله را در سازمان میابد" (۲)

است که کارگران در جریان مبارزات خود به اهمیت اتحاد و متحد شدن پی میبرند، تنها اولین قدم حرکت مبارزاتی کارگران بعنوان حرکت یک طبقه است. اتحاد کارگران وقتی واقعیت پیدا میکند و سعادت دیگر وقتی به یک نیروی مادی تبدیل میشود که در یک تشکیلات سازمان تجسمی بد، بطور کلی میتوان سازمانهای کارگری را بر حسب وظایفی که دارند به دو دسته تقسیم کرد:

الف - سازمان کارگری که هدفهایش در چهار چوب نظام سرمایه داری محدود میماند.
ب - سازمان کارگری که هدفهایش تنها با درهم شکستن نظام سرمایه داری قابل دسترس است. در مورد هر یک از اینها قدری توضیح میدهم:
الف - سندیکاها و اتحادیه های کارگری از سازمانهای نوع اول هستند (ب) در این گونه تشکیلات کارگری، توده کارگران میتوانند عضو باشند بهمس دلیل سندیکاها و اتحادیه های کارگری را سازمانهای توده ای نیز میگویند. طبقه کارگر با استعاده از این گونه تشکیلات که وجودشان برای طبقه کارگر مطلقاً ضروری است، کوشش میکند که شرایط بهتری را در چهار چوب نظام سرمایه داری برای فروش نیروی کار خود فراهم نماید. مثلاً کارفرمایان را وادار کند که قوانین کار را رعایت نمایند، دستمزدها را بپردازند و یا بدلخواه با شین نیاورند، حق بیمه بپردازند و غیره را بموقع بپردازند... واضح است که طبقه کارگر از طریق این تشکیلات قادر نیست نظام سرمایه داری را که تنها در هم شکستن آن راه

(ب) - سندیکاها ی سرخ و شوراهای لنینی (که این دومی به قدرت مسلح کارگران متکی است) در این تقسیم بندی منظور نشده اند. چون اینگونه تشکیلات کارگری فقط در شرایط خاصی میتوانند بوجود آید. سندیکاها ی سرخ اگر چه یک سندیکا است، با اینحال آنچنان تشکلاتی است که به اصطلاح به حریم سرمایه داری "جاورد" میکند و عملاً فوئیس آنرا زیر پای می گذارد. شوراهای لنینی آنچنان تشکیلات کارگری است که حاکمیت سرمایه داران را نفی نموده و خود بیست عنوان ارگان حکومت کارگری عمل می نماید.

بجای اوست، زمین ببرد. حداکثر کاری که از سندیکاها و اتحادیه های کارگری ساخته است این است که برای فروش نیروی کار، شرایط مساعدتری را فراهم نماید و نیروی کار را در شرایط بهتری در اختیار بهره کشی سرمایه داران قرار دهند.

ویژه گی اینگونه سازمانها، اینست که اولاً غالباً بطور خود بخودی بوجود می آیند و تا نیسای خود را در نیستند به لزوم اهمیت مبارزه سیاسی برای سرنگونی نظام سرمایه داری پی میزنند. مبارزات خود بخودی کارگران در چهار چوب اینگونه تشکیلات، هیچگاه نمیتواند آگاهی سوسیالیستی را برای آنان بدنیال داشته باشد. بلکه آنها فقط میتوانند آگاهی اتحادیه ای (تریبونونی) کسب نمایند، یعنی اعتقاد پیدا کنند که با تشکیل اتحادیه بدهند و از دولت صدور قوانینی را منع خود خواستار شوند...

ب - همانطور که مبارزات اقتصادی برای آزادی طبقه کارگر نتیجه جگافی نیست، همان طور بر سر سندیکا و اتحادیه های کارگری بعنوان ابزار سازمانی طبقه کارگر نمیتواند آگاهی باشد. طبقه کارگر برای نجات خود و دیگر زحمتکشان از قید استعمار سرمایه داری به ابزار سازمانی دیگری نیازمند است. این ابزار چیزی نیست جز همان حزب طبقه کارگر یا حزب کمونیست.

ویژگی حزب برخلاف سازمانهای نوع اول اینست که هیچگاه نه بخودی خود بلکه از آمیزش جنبش کارگری و سوسیالیسم بوجود میآید. ویژگی دیگر حزب اینست که تمامی کارگران را نمی توانند در دنیا بدر خود متشکل سازد. دلیل اصلی این امر روشن است. حزب طبقه کارگر ستاد فرماندهی طبقه کارگر و از این رومحل جمع فرماندهان و رهبران طبقه است و نه خود طبقه. این رهبران، کارآمدترین و پیشروترین و آگاهترین عناصر طبقه کارگرند که از هر لحاظ توانا و رهبری و هدایت مبارزات توده های کارگر را دارا میباشند. اگر قرار باشد طبقه کارگر از چنین ستاد فرماندهی محروم بماند، نخواهد توانست بورژوازی را سرنگون کرده و قدرت را بدست بگیرد. حزب ابزار کسب قدرت است و برای اینکه بخوبی بتواند به وظیفه خود عمل کند میبایست فقط بهترین ها را در خود متشکل نماید. طبیعی است که توده کارگران نمیتوانند به بدر سازمانهای توده ای تحت هدایت حزب متشکل شوند و در جریان مبارزات خود آیدیده، آگاه و با تجربه شده و آمادگی ورود به حزب خود را کسب نمایند.

هدف حزب طبقه کارگر که عالمتبرین سازمان طبقاتی سرولتاریاست، نه صرفاً بهبود شرایط کار روزی کارگر، در چهار چوب نظام سرمایه داری، بلکه نابودی این نظام و بدست گرفتن قدرت دولتی و سلب مالکیت از بورژوازی

آرمانهای آنها میباشند. بدین ترتیب در جامعه سرما به داری، ما با روشنفکران مختلفی از طبقات مختلف مواجه هستیم: روشنفکران بورژوازی، روشنفکران خرده بورژوازی و روشنفکران پرولتری که هرکدام مبنای گننده و مدافع فکری طبقات بورژوازی، خرده بورژوازی و پرولتاریا میباشند.

روشنفکران پرولتری با روشنفکران کمونیست، حاملین سوسیالیسم علمی بوده و آنرا بدون جنبش کارگری میسرند بسیار دیگر آنچه را که بنابر شرایط خود کسب کرده اند، در اختیار طبقه کارگر میگذازند. روشنفکران کمونیست با نفی خصویات خرده بورژوازی و بورژوازی به نظم و انضباط آهنگین پرولتاریا نفی روی آورده و خود را کاملاً ملاقف راهبرگونه طبقه کارگر نموده اند. آنها کمونیستهای مادتی هستند که در دوران مبارزات انقلابی آزموده و آبدیده گشته اند. اینان وفادار به سوسیالیسم بوده و اندیشه های سوسیالیستی را بدون طبقه کارگر یعنی جایشگاه ملاحظه آن نیا میندازند و به سلاخی برنده و توانا برای جنگ بیرحمانه علیه بورژوازی تبدیل مینمایند.

بورژوازی نیز از اهمیت تحقق این امر آگاه است و از این روش میگذرد تا تبلیغات خود کمونیستها را از طبقه کارگر جدا نموده و مانع از آن شود که کارگران به ایدئولوژی انقلابی خود مطلع شوند. تا بتواند کارگران را همواره در قید اسارت ایدئولوژی بورژوازی نگاهدارد. ما امروز شاهدیم که رژیم جمهوری اسلامی با وحشت تمام برای جلوگیری از نفوذ کمونیستها و کمونیسم در میان کارگران، همچون تمام مسمی رژیمهای ارتجاعی، محیط کارخانه ها را به سر باز خانه تبدیل مینماید. انجمن های اسلامی کارخانه - جات که چشم و گوش و جاسوسان رژیم در کارخانه ها هستند، بهمین خاطر وجود آمده اند. غافل از آنکه عظیم ترین موانع نیز در مقابل نفوذ کمونیسم در بین کارگران ناتوان و بیمقدار است. نکته سوم: بدون پیوند سوسیالیسم علمی با جنبش کارگری هیچگونه مبارزه آگاهانه طبقاتی میسر نیست.

زمانیکه سرما به داری بوجود آمد و کارگر و کارفرما در مقابل هم قرار گرفتند، هنوز از سوسیالیسم خبری نبود. در این دوره کارگران مبارزه میکردند، بدون اینکه در هیچ کجای اثری از سوسیالیسم بوده باشد. آنها اعتقاد میکردند نظریات براه میمانند و در مبارزات آنها قضاوتی سیاسی شرکت نمیکردند. ولی این هنوز رسیده باشد. بموازات رشد سرما به داری و همواره اوج گیری مبارزات کارگران، علوم هم تکامل پیدا میکردند. تا آنجا که جنبش کارگری هم مورد توجه علم قرار میگرفت، برخی از دانشمندان بخصوص جنبش کارگری را مورد بررسی قرار میدهند و در جستجوی علل و نتایج مبارزات

بقیه در صفحه ۲۴

علم بوده اند نیز به طبقات دارای جامعه تعلق داشتند. آنها برپایه تکامل علیرتین اندیشه های بشری و با مطالعه عمیق جنبشهای کارگری توانستند علم را به طبقه کارگر یعنی سوسیالیسم علمی را تدوین نموده و در عمل اجتماعی بکار بندیدند. آنها بطور علمی ثابت نمودند که نظام سرمایه داری بهیچوجه نظامی ابدی و همیشگی نیست و ناگزیر مینماید جای خود را به نظام علیرتین یعنی نظام سوسیالیستی بسپارد. بدون پیدایش جامعه سرما به داری و بدون رشد تکامل علوم، اندیشه های سوسیالیستی نمیتوانست به علم تبدیل شود. بهمین دلیل است که لنین متذکر میشود که سوسیالیسم علمی مستقل از جنبش های خودبخودی کارگری و برپایه تکامل علوم مختلف بوجود آمده است.

نکته دوم: سوسیالیسم علمی از بیرون وارد جنبش طبقه کارگر میشود.

واقعیت اینست که طبقه کارگر با لحاظ موقعیت کار روزندگیش تمایل به پذیرش سوسیالیسم را دارد. کارگر هیچگونه نفعی از مالکیت خصوصی، که اساس جامعه سرمایه داری بر روی آن استوار شده است نمیدرد، بلکه برعکس فقر و سیه روزی او درست بدلیل وجود همبستگی مالکیت خصوصی است. از آنجا که مهمترین اساس سبترین عنصر سوسیالیسم همان لغو مالکیت خصوصی بزرگوار تولید اجتماعی کردن آنست لذا طبقه کارگر را بخود جلب میکند. ولی این کشش و تمایل طبقه کارگر به سوسیالیسم خود بخود باعث این نمیشود که او منحصر با قوای خودش به این علم دست پیدا کند.

اگر درست است که کارگران بخودی خود قادر نیستند به سوسیالیسم علمی (مارکسیسم-لنینیسم) دسترسی پیدا کنند، اگر درست است که کارگران تنها با اتکاء به جنبش خود بخودی خود تنها نمیتوانند به آگاهی اتحادیه ای (تریدیونیونی) که ما هیت بورژوازی داد بر سرند و اگر درست است که با این آگاهی تنها نمیتوانند در محدوده نظام سرما به داری از دولت خواستار تصویب برخی قوانین و مقررات بنفع خود باشند، در این صورت روشن است که طبقه کارگر برای مبارزات و تحقق اهداف خود چیزی بیش از این لازم دارد، که همان آگاهی سوسیالیستی است. اما این آگاهی برای طبقه کارگر چگونه بدست میآید؟

لنین میگوید: "شعور سیاسی طبقاتی را فقط از بیرون، یعنی از بیرون مبارزه اقتصادی و از بیرون مدارا رساندن کارگران با کارفرمایان میتوان برای کارگران آورد" (۳)

چگونه است این علم را که در حقیقت کلیت نجات و وسای نگرمانافع طبقه کارگر است، برای او می آورند؟ روشنفکران کمونیست! ما روشنفکر کیست و روشنفکر کمونیست کدام است؟

در بین تمام طبقات و اقشار جامعه کسانیهستند که از نظر فکری و نظری منافع آن طبقات و اقشار را نمایندگی نموده و باین اقشار هدایت و

واستقرار سوسیالیسم و کمونیسم است. حزب طبقه کارگر که فداکارترین، پیشروترین و آگاهترین کارگران را در خود متشکل میکند، در حقیقت ستاد رهبری و فرماندهی طبقه کارگر و توده های زحمتکش است. اما این حزب چگونه بوجود میآید و دارای چه مشخصاتی است؟

۴- حزب طبقه کارگر چگونه بوجود می آید؟

کوتاه ترین پاسخ به این سوال اینست که بگوئیم حزب طبقه کارگر حاصل تلفیق یا آمیزش جنبش خودبخودی کارگران با سوسیالیسم علمی (علم شناخت و تغییر جامعه) است. ولی این پاسخ بهمان دلیل کوتاه بودن خود، اصل مطلب را نمیرساند. بنا بر این میبایست توضیح بیشتری داد.

در مورد جنبشهای خودبخودی کارگری پیش از این توضیح دادیم. دیدیم که کارگران در جریان همین مبارزات است که سدیها و اتحادیه های خود را بوجود آورده و از این طریق مبارزات خود را به پیش میبرند. بنا بر این لازمست در اینجا به توضیح نکاتی در مورد تلفیق یا آمیزش سوسیالیسم علمی با جنبش کارگری بپردازیم.

نکته اول: سوسیالیسم محصول مبارزات خود بخودی کارگران نیست.

این گفته ممکن است برای کسیکه به تاریخ جنبشهای کارگری و کمونیستی آشنا نباشد، خیلی عجیب بنظر برسد. از چطور میشود که ایدئولوژی متعلق به پرولتاریا محصول خود او نباشد؟ اما واقعیت اینست که چیز عجیبی در این گفته نیست.

تاریخ و تجربه مبارزات کارگری نشان میدهد که طبقه کارگر منحصر با نیروی خود می تواند به آگاهی های محدودی دست پیدا کند که بهیچ وجه آگاهی سوسیالیستی نیست، بلکه این آگاهی که ما نام خصلت بورژوازی دارد. سوسیالیسم یک علم است، علم زحمتی طبقه کارگر است. علمی است که طبقه کارگر بخودی خود نمی تواند حاصل آن باشد. چرا چنین است؟

برای اینکه کارگران در زندگی سراسرنج و تنگدستی خود کمتر فرصت آنرا دارند که مطالعه کنند و به علوم مختلف دسترسی داشته باشند. در جوامع طبقاتی علم همواره در اختیار طبقات مرفه و با حداقل نسبه مرفه جامعه بوده است. اینان بدلیل شرایط زندگی شان هم فرصت و هم امکان آنرا داشته اند که با علوم مختلف آشنا شوند و با درک تکامل علم مشارکت نمایند. بیک کارگر پس از کار روزانه خود (که گاه به ۱۲ ساعت هم میرسد) خسته و کوفته از سر کار باز میگردد و با توجه به زندگی سخت و مشقت باری که دارد دیگر نه حوصله و نه وقت آنرا دارد که به علم و دانش بپردازد.

پیدایش سوسیالیسم علمی نیز چنین بوده است. ما رکن و انگلیس که خود را به گذران این

زنده بمان مبارزه خلقانی در شوروی امپریالیستی!

رویزونیستها میگویند در شوروی مبارزه طبقاتی وجود ندارد، آنها میگویند در شوروی قدرت از آن کارگران است وینا بر این مبارزه مبنای عینی پیدا نمی کند، آنها میگویند صحبت از مبارزه طبقاتی در شوروی جز تبلیغات بوج چیردیگری نیست

درباره این خزعبلات رویزونیستی و ارتجاعی، واقعیت مبارزه طبقاتی وینا این حقیقت روشن از جانب مارکسیست لنینیستهای راستین قرار دارد، کمونیستها از زمانیکه رویزونیسم خائنه خرونجفی - برژنفی سر دستگاه حزبی و دولتی شوروی حاکمیت یافت اعلام کردند که این حاکمیت جز حاکمیت بورژوازی نوین چیز دیگری نیست و واقعیتها را جمعاً شوروی چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی بیا نگران حقیقت عریان است، حاکمیت بورژوازی که منجر به استقرار سرمایه داری گردید، جز بیعتی سلب مالکیت از پرولناریا و استعمار برحمانه ای طبقه زمیندانست باشد، زمانیکه شدیدترین ستمگریهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر دوش طبقه کارگر تحمیل میگردد، زمانیکه ستمگری ملی بورژوازی حاکم خلقهای شوروی را در منگنه قرار داده است، مبارزه طبقاتی پرولناریا و مبارزه ملیت ها نمیتوانند بتری عینی نداشته باشند، امروز در شوروی یک بورژوازی انگلیس، ماهانه ۱۰۰ برابر دستمزد یک کارگر چمنکش چپا ول میکند (۱) و

این مسئله تنها فقر و فلاکت روزافزون پرولناریا و فریب شدن مثنی بورژوازی فاسد را به نمایش میکشاند. این واقعیت بیا نگر آن است که طبقه کارگر از موضع طبقه حاکم فرو افتاده و امروزه طبقه ای تحت ستم و استثمار تبدیل شده است، تضادهای طبقاتی - کسبه انحصاری از تضاد میان نیروهای مولد و مناسبات تولیدی میباید - آن زمینه عینی بشمارد مبارزه مبارزه طبقاتی راهستی میبخشد، جامعه امروز شوروی امپریالیستی بدور از این مبارزه طبقاتی نیست، اگر چه سوسیال امپریالیستها شوروی با اتکا به دستگاه پلیسی و جاسوسی خود کارگران مبارزان تحت تعقیب قرار میدهند و با زندانها و شکنجه های کار اجباری میفرستند، اگر چه هر سال مرتفع شوروی بانگ به ما شور و خفا حاکمان انتقال هرگونه خیر مبارزاتی به خارج از مرزهای این کشور بیه شدیدترین وجهی جلوگیری بعمل می آورند، لیکن کماکان در جامعه شوروی کارگران و خلقهای ستمکش به مبارزه ادامه داده و اخبار مربوط به این مبارزات که هکاه به خارج از



اخبار ومسائل جهانی

ونگای کوتا به سیرا این مبارزات تشنگان میدهد که برخلاف دروغ غیرداینها، تحریفات و با شور و هیولانیستها و دنیا له روان آنها مبارزه طبقاتی در جامعه شوروی یک حقیقت انکارناپذیر است. (۲)

در سال ۱۹۶۷، کارگران مبارز شهر "چیمکنت" (Tchimkent) در قزاقستان دست به اعتصاب و تظاهرات زدند و یک جنبش توده ای برپا افتاد. آنها به اداره مرکزی پلیس آنها حمله انقلابی نموده و خسارات فراوانی به بورژوازی تحمیل کردند در ماه مه امیر همان سال نیز، هزار کارگر کارخانه تراکتور سازی در "خارکف" به اعتصاب دست زدند. در اوت ۱۹۶۸ هنگامیکه ارتش مهاجم شوروی برای کنار زدن "دوچک" - بورژوازی - لیبرال و تحکیم موقعیت رویزونیستهای طرفدار مسکو به خاک چکسلواکی حمله کرده و این کشور را اشغال نموده، در اعتراض به این تجاوز کارگران و توده های زحمتکش در مسکو، لنینگراد، خارکف، نووزیبیرک و . . . دست به تظاهرات زدند و میتینگ اعتراضی برپا نمودند. در ماه مه ۱۹۶۹ کارگران یک ایستگاه هیدرو الکتریک در "کی یف" (Kiev) اعتصاب کردند. در پایان سال ۱۹۷۰ توده وسیعی از کارگران در "بیلوروسی"، "کالینگراد" و "کیف" به نشانه همبستگی با مبارزات طبقه کارگر لیتوان علیه رژیم بورژوازی - رویزونیست "گومولکا" دست به اعتصاب زدند. در روزهای ۲۵ و ۲۶ ژوئن ۱۹۷۲ هزاران کارگر شهر "دنیپرپتروک" (Dniπρο - Petrovsk) تحت خفگان پلیسی دست به اعتصاب زدند و اقدام به راهپیمایی خیابانی میکنند، نظاره کنندگان به ادارات مرکزی پلیس حمله کرده و آنها را به اشغال خود در آورده، عکسهای برزف را با رهنموده و سپس آرشوهای پلیس را نابود میکنند. در همین شهر در سیاه ماه سال

کارگران، کمیته منطقه ای حزب را محاصره کرده و خواستار بهبود شرایط زندگی خود میکنند. در فوریه ۱۹۷۳ کارگران یک کارخانه در "بیلوروسی" (Bielo Russie) برای افزایش دستمزد به اعتصاب دست میزنند و امروزه طبقه کارگر شوروی به مبارزه خود همچنان ادامه میدهد.

طبقه کارگر قهرمان شوروی در مبارزه علیه بورژوازی امپریالیستی تنها نیست. دهقانان و ملیتهای تحت ستم روس نیز همداستان کارگران به بیگانه خود ادامه میدهند. در حال حاضر ملیتهای شوروی بر علیه شوینسیم روس بزرگ و ستمگری بورژوازی حاکم مبارزه خود را

مبارزه های شوروی انتقال می یابد. همانگونه که رژیم فاشیستی شاه قادر نبود با اتکا به ساواک جناحینکار خود از انتشار اخبار مبارزه کارگران و توده ها در سراسر ایران و در خارج از مرزهای ایران مانع بعمل آورد، مرتدان خائس



حاکم شوروی نیز نمیتوانند بطور کامل از انتشار این اخبار جلوگیری نمایند. چندی پیش بود که خبر گزارها خبر تظاهرات و اعتراض توده های جمهوری گرجستان شوروی را منتشر ساختند. در تاریخ ۱۰ فروردین ۶۰ مدها تن از کارگران توده های تحت ستم جمهوری گرجستان تظاهرات وسیعی برپا کرده و علیه تصمیم مقامات دولتی مبنی بر تحمیل زبان و فرهنگ روسی در این جمهوری دست به اعتراض زدند. همانطور که میدانیم بورژوازی حاکم حقوق ملیتهای را مورد سرکوب قرار داده و برای تحمیل شوینسیم خود در پی نابود کردن فرهنگ و زبان ملیتهای کوناگون است. تظاهرات اخیر اعتراضی بپایه اهداف امپریالیستی رویزونیستها. در این تظاهرات آنها به دفاع از فرهنگ ملی خود پرداخته و سرکوب و خفگان را محکوم ساختند.

آیا این تظاهرات منحصر بفرد است؟ نه هرگز! این تظاهرات در ادامه مبارزه طبقاتی و ملی جاری در جامعه ما به جاری شوروی است. از زمان به حاکمیت رسیدن رویزونیستها مبارزات سیاسی علیه قدرت حاکم تکلیف گرفته

(۱) - بیکار شماره ۸۹ مقاله استعمار کارگران در شوروی
(۲) - منبع تظاهرات و اعتصابات در شوروی عبارتند از اسناد آلبانی و چین قبل از حاکمیت رویزونیستها و از جمله کتاب "سوسیال امپریالیسم شوروی را افشا کنیم" چاپ فرانسه، بتاريخ ۱۹۷۴.

تعمیق می بخشند. اگرچه این مبارزات فاقد یک رهبری کمونیستی نیرومندانست، لیکن دارای جوهری رزمنده میباشند. این مبارزات جلوه‌ای از مبارزه ملیتهای روس برای حقوق تعیین سرنوشت بشمار می‌آید. بعنوان نمونه در سال ۱۹۷۲ مبارزات ملی سراسر "اوکراین" آسیای میانه، ساحل بالکان و مناطق قفقاز را دربرگرفت. در شهر "کاوناس" (Kaunas) در "لیتوانی" هزاران نفر به خیابانها ریخته‌وسا شعار آزادی برای لیتوانی "به مقر حزب و با سکه پلیس حمله کرده و به زدوخورد با پلیس و جنرالان سرکوبگر پرداختند" (لتونیایی (Lettonie) ۱۷ تن از کادرهای سابق حزبی نامه‌ای منتشر ساختند و طی آن خیانت رویزیو - نیستیها به ما رکیسم لنینیسم و سیاست شوینیستی آنها در قبائل ملیتها را افشا نمودند. در "تالین" (Tallin) در "استونی" نظاهرات دانشجویی علیه حکومت برپا شد. در "اوکراین" بیش از ده هزار نفر هرکننده به مقر منطقه‌ای حزب، ساختمان - های دولتی و بنای "کمیته امنیتی دولت" حمله کرده و عکس‌های برزف مرتد و دیگر خائنین را پاره کردند.

این مبارزات فقط گوشه‌ای از مبارزات طبقه کارگر و خلقهای شوروی بشمار می‌آید. این مبارزات نشان می‌دهد که علیه غم‌سروکوب و خفقان و حتیانه حاکم پرشوروی مبارزه طبقاتی خاموش نشده است. امروز اگر خکرهاشی از مبارزه طبقاتی را می بینیم، فردا خرمن خشم طبقه کارگر شوروی سراسر این کشور را فرا خواهد گرفت. فردا که پرولتاریای شوروی

دوباره به ما رکیسم لنینیسم و حزب طرازنویس خود منحل شود، انقلاب سوسیالیستی را برپا نموده و بورژوازی امپریالیستی حاکم پرشوروی را نابود خواهد ساخت.

بیروزی با انقلاب سوسیالیستی
پرولتاریای شوروی!

پرولتاریای جهان می‌رزمند!

● کارگران قهرمان یک معدن بزرگ مس در شیلی پس از کسب خواسته‌های خود که عبارت بود از افزایش دستمزد به میزان ۲ درصد در سال ۱۹۸۱ و ۱ درصد در سال ۱۹۸۲ و بدنبال ۳۱ روز اعتصاب، به اعتصاب خود ادامه دادند. اما ۱۸۰۰ کارگرما زردیگریس از ۳۲ روز اعتصاب همچنان به اعتصاب خود ادامه می‌دهند. لازم به تذکرات است که رژیم فاشیستی پینوشه که در سال ۱۹۷۳ از طریق یک کودتای آمریکا ثی بر سر کار آمد مقادونی به تصویب رسانده که طبق آن پس از ۳۰ روز اعتصاب کارگران قدیمی اخراج شده و کارگران جدید استخدام میشوند و پس از ۵۹ روز اعتصاب پلیس حق تیراندازی بسوی کارگران اعتماسی را دارد. لیکن علیرغم این قوانین فاشیستی کارگران از مرگ نهرآ سیده و به مبارزه خود ادامه می‌دهند.

زنده باد مبارزه طبقه کارگر شیلی!

● کارگران و کارکنان نیروگاه‌های برق در فلسطین اشغالی (اسرائیل) بعنوان اعتراض به اخراج ۶ نفر از رهبران اتحادیه‌های کارگری اعتصاب کرده و به قطع مرحله‌ای برق در این

کشور اقدام نمودند. بدنبال این اعتصاب شرکت برق دولتی میسویستیها خواسته‌های محکومیت کارکنان اعتماسی توسط دادگاهها شد و این مبارزات یکبار دیگر وحدت منافع کارگران و زحمتکشان "اسرائیل" با خلق دلاور فلسطین را به نمايش ميگذارد.

● در اندونزی در جنوب شهر "سوماترا" یک سرما به‌درازی پرداخت دستمزد به کارگران خودداری مینماید، بدنبال این اقدام مرتجعانه کارگران به نظاهرات پرداخته و با مسزوران پلیس به زدوخورد می‌پردازند. پلیس رژیم ارتجاعی سوا رتوبه حمایت از سرما به‌درازان دست به گستاخه زده ۷ کارگرا کشته، صدها نفر را زخمی و دستگیری نماید.

● موجهای مبارزه کارگران و کارمندان در انگلستان به پیش می‌رود. در کنراد رمبارت کارگران، سیاه پوستان و خلق ایرلند، مبارزات کارکنان فرودگاه‌های اصلی انگلستان، این کشور را فلج ساخت. بدنبال اعتصاب کارکنان فرودگاهها یک هزار پرواز روزانه در سراسر انگلستان متوقف شد. کارکنان ۱۵ درصد افزایش دستمزد می طلبند و دولت امپریالیستی حاکم با این درخواست مخالفت می‌ورزد.

● در طول هفته گذشته دانشجویان دانشگاه "سول" در کره جنوبی دست به نظاهرات انقلابی زده و به زدوخورد خونین با پلیس مزدور رژیم "چون دوهوان" پرداختند. در طی این نظاهرات یک دانشجو بعنوان اعتراض خود را از طبقه پنجم به پائین برتاب کرده و کشته میشود. پلیس تعداد زیادی از دانشجویان انقلابی را دستگیر و زخمی نمود.

بقیه از صفحه ۲۴ درباره...

کارگران با سرما به‌درازان سرمایه‌بند. اساتین میگوید:

"در میان هزاران نفر از این نوع دانشمندان شاید یک نفر باشد که به جنبش کارگری به صورت علمی برخورد نماید، تمام زندگی اجتماعی را بصورت علمی تحقیق کند، تمام ادما ت طبقاتی را پیگیری نماید و سرانجام قوانین حرکت جامعه سرما به‌داری را شناخته و نقش طبقه کارگر را در سرنوشتی این نظام بدرستی تشخیص دهد و در یک کلام سوسیالیسم علمی را تدوین نماید."

روشن است که تا وقتی که اندیشه‌های سوسیالیستی و جنبش کارگری از هم دیگر جدا باشند، هیچکدام نخواهند توانست آنطور که باید در خدمت رهاشی طبقه کارگر قرار بگیرند.

اندیشه‌های سوسیالیستی تا زمانی که مجزا از جنبشهای کارگری بر می‌برند نمیتوانستند و ما یافته‌ها را از استحکام پرولتاریا برخوردار کردند. از طرف دیگر جنبشهای کارگری نیز بدون پیوند با اندیشه‌های سوسیالیستی چاره‌ای نداشته‌اند جز این که در محدوده نظام استثماری کارخانه‌ها دست و پا بزنند.

سوسیالیسم علمی (مارکسیسم - لنینیسم) چراغ راه جنبش‌های کارگری است. و طبقه کارگر بدون در اختیار داشتن آن بناچار در کسوف راهها سرگردان شده و در نتیجه همچنان در چنگال بورژوازی باقی خواهد ماند. کوچک و کم اهمیت شمردن نقش ایدئولوژی پرولتاریا عملا بمعنای تقویت نفوذ ایدئولوژی بورژوازی در بین طبقه کارگراست. برای اینکه ایدئولوژی بورژوازی خیلی قدیمی تر و توسعه یافته‌تر است و علاوه بر آن تمامی وسائل را برای مسموم کردن ذهن توده‌ها در اختیار دارد. بطوریکه میتوان گفت که زندگی اجتماعی ما غرق در افکار عادات بورژوائی است. بنابراین جنبش کارگری بدون پیوند با سوسیالیسم علمی در سطح باقی مانده و بناچار در دام بورژوازی گرفتار خواهد آمد. تنها با پیوند و آمیختن سوسیالیسم علمی از یک طرف و جنبش کارگری از طرف دیگر است که به توان و قدرت هر دو آنها می‌افزاید. از این طریق است که مبارزات طبقه کارگر بصورت یک مبارزه آگاهانه درآمده، میتواند با گامهای سربمی بسوی آینده تا بناک خود که همانا ناسود می‌باشد را برقرار می‌سازد و سوسیالیسم است به پیش رود. از طرف دیگر سوسیالیسم علمی

نیز در ما به پیوند خود با جنبش کارگری از حالت تشویری صرف خارج شده و به سلاح نیرومندی در دست طبقه کارگر تبدیل میشود. لنین میگوید:

"زمانیکه این پیوند به وقوع می‌پیوندد مبارزه طبقاتی کارگران شکل مبارزه آگاهانه پرولتاریا را برای رهاشی از استثماریت با مالک می‌بخشد و به شکل عاابتی از جنبش سوسیالیستی کارگران - حزب مستقل سوسیال دمکراتیک کارگری (یعنی همان حزب کمونیست - ب) تکامل می‌یابد" (۴)

اکنون این سؤال مطرح میشود که حزب طبقه کارگر چه مشخصاتی را می‌بایست داشته باشد؟

(ادامه دارد)

"منابع در آخر مقاله ذکر خواهد شد"



بقیه از صفحه ۱۸ رژیم جمهوری ...

که نسبت به سال قبل ۷۰٪ افزایش داشته است (میزان ۲۷ بهمن ۵۹)

فهرست زیر، بخشی از کالاهای وارداتی است که چنانچه اشتهار در رژیم جمهوری اسلامی از خاکشیر (پاکستان)، بذرخیار (هلند)، گانگ زنفک (ایتالیا)، تاشوار (هنگ کنگ)، گاشی سفید (ترکیه)، بیخال (آمریکا) (آنهم زمان تحریم!!)، گانگ روزنامه (شوروی) و... وارد میکنند. گروههای اجتماعی که از اغلب این کالاها (نظیر بیخال) ۲۰

هزار تومان (نی) استفا ده میکنند و نیز ضرورت آنها و کشورهایی که به ایران کالاها در میکنند خود بیانگر نیازی است که یک حلقه از اردوگاه ضد انقلاب جهانی به حلقه های دیگر یعنی کشورهای امپریالیستی، سوسیال امپریالیستی و کمونیستی را برپا دارد.

نکته ای که در مورد واردات با بدافعه کرد سودسرازی است که سرمایه داران وابسته از طریق وارد کردن کالای مجیب میزنند. آنها علاوه بر آنکه کالاها را به چندبرابر قیمت تمام شده

عرضه میکنند، با زدوبندیا کمپانیهای صبا در کننده بین ۱۰-۲۰ درصد از بهای تمام شده بعنوان حق کمیسیون در با ننگهای اروپا تسی به اسم آنان وارد میشود و حتی طبق اخبار موثق اخیرا در مورد کشورهای رومیزیونستی نیز واردکنندگان این مسئله را بعنوان شرطی برای خرید به این کشورهای سرمایه داری مدعی دروغین سوسیالیسم تحمیل کرده اند.

اما واردات روز افزون رژیم نیا زبانه امکانات حمل و نقل دارد و به همین جهت بود که رژیم علیرغم تمام فحاشیهای بیوش علیه رژیم ارتجاعی ترکیه در سفرها و خبر و بیروت جا رجی ترکیه چند قرا ردا در جمله، قرار داد ترانزیت کالا را با ترکیه امضا کرده، اخیرا نیز در همین اجلاس کمیسیون فون و دانشی حمل و نقل ایران و شوروی توافق شده که در سال ۷۰ میلیون تن کالا از طریق عبورگاههای مرزی دو کشور نقل و انتقال داده شود (انقلاب اسلامی ۲ خرداد ۶۰)

و نیز در همین اجلاس توافق شده است که کشیانی در دریا و خزر بین ایران و شوروی توسعه یافته و گسترش یافته جمهوری اسلامی برای خرید کشتی مستقیما به موسسه نمود و امپورت جهت انجام معامله مراجعه کند (تا کیدازماست)

نمونه های بالا فقط گوشه ای از عملکرد چپا و لگرا نه و خیانته با رژیم جمهوری اسلامی در تاراج منافع زحمتکشان و تحکیم و گسترش وابستگی به امپریالیسم میباشد. این نمونه ها به اندازه ای روشن و مستدل هستند که کوچکترین دشمنی نسبت به در عین خیانتهای رژیم جمهوری اسلامی نسبت به زحمتکشان ما و راه اوچه اما علیرغم این همه واقعت های رسوا کننده رومیزیونستیهای خائن حزب توده و فداشیان اکثریت با پیگیری در راه خیانته به توده های زحمتکش و خدمت صادقانه به بورژوازی حاکم از رژیم جمهوری اسلامی، بیک حکومت انقلابی ضد امپریالیست میسر نماند و به چشم زحمتکشان خاک میبارند. آنان در جهت برآوردن منافع ارجحای خود و سوسیال امپریالیستیهای شوروی و خیانتهای را مرتکب میشوند که او رونه جلوه دادن حقایق از آن جمله است، رومیزیونستیهای خائن -

جهانی نیا قائل شدن "استقلال طلسمی" برای بورژوازی لیبرالهای خائن و تراشیدن چهره ملی از آنان به گونه ای دیگر به بزرگ کردن چهره ارتجاعی و وابسته رژیم جمهوری اسلامی مشغول هستند. اما علیرغم مردم فریبی های خود رژیم و توجیحات و تبلیغات رومیزیونستیهای خائن زحمتکشان منین ما در اثر تجربه روزمره خود و با باری فعالیتها و آگها گرانها انقلابیون و بویژه کمونیستها بیش از پیش به عمق ما هیست ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و خیانتهای بی شمار آن پی برده و با اراده ای استوار، گردونه انقلاب را به پیش برده و با پیروزی سوسیالیسم آزادی واقعی و گسترش دادن زنجیرهای بردگی را تجربه خواهند کرد.

ارزش تمام شده ۶۰ قلم کالای وارده اعلام شد

ارزش ۶۰ قلم کالای وارده و تخصیص نامزگرا مختلف کشور از سوی گمرک ایران اعلام شد. قیمت این کالاها که لیست کامل آن به سرویس اقتصادی کیهان ارسال شده به شرح زیر است:

کلم	کشور سازنده	شماره آرتیکل و یا مارک کالا	واحد کالا	قیمت تمام شده کالا پس از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی ریال
شیر خشک پلازگون نستله	آلمان غربی	در قوطی ۴۰۰ گرمی	قوطی	۱۲۷
غریز بی سی سی	سویس	سی سالف ۱۵۵۹	دستگاه	۲۰۱۶۸
روغن ترمز قوطی ۳۵۰ سی سی	اسپانیا	وینکیر ۲۱	قوطی	۸۱
سابون تولت ۱۳۰ گرمی	آلمان	پنر خیار	عدد	۵۸۵
دینام پیکان	هلند	اسلوئیس گروت	کیلو	۲۰۴۵
درجه آب پیکان	انگلستان	۳۳۷۰۰ (۲)	عدد	۲۰۸۹
لنت ترمز پیکان	انگلستان	کرایسلر ۱۲۰۰۵۵۲	عدد	۲۱۹
رگلاور سیندر گاز	یونان	پاس ۷۵	دست	۳۶۰
فلور نرت	ایتالیا	نوا کوکت	عدد	۱۴۰
کافوروزانه	آلمان غربی		کیلو گرم	۴۳
کاسه و طباق میوه خوری	شوروی		کیلو	۳۹
شیشه های دیوارچه	فرانسه	بیاسان	کاسه و طباق	۵۰۶
اجاق خوراکی خانگی	اسپانیا	پاپی	عدد	۷۸۲
دوچرخه	مجارستان	آر اس بی ۲۱۶۰۸۰	عدد	۴۲۳
چرخ گوشت برقی	آلمان	مولینکس	عدد	۲۵۰۳
لباسشویی ۶۰ کیلوگی	ایتالیا	کویاتور	دستگاه	۳۰۸۳۸
ترازوی آهزخانه	اسپانیا	ماگفا	عدد	۱۳۳۲
توب والیبال	پاکستان		عدد	۲۱۱
توب فوتبال	پاکستان		عدد	۲۱۱
فلر فریزر تکوییده	پاکستان		کیلو	۲۱۱
چارو برقی اسکینو ۱۲۰ وات	آلمان	۴۵۰۰	دستگاه	۱۳۰۰۹
چای غیر سطر	انگلستان	لیپتی	کیلو	۶۵۸
گاز فندک	ایتالیا	فلوپی هیل یونیورسال	عدد	۲۰
بیش اتومبیل اوریون	ژاپن	الف آرت ۳۳۵	عدد	۱۵۸۷
وانت توپو	ژاپن		دستگاه	۸۷۲۸۸
رامپو دومو	هنگ کنگ	پلاترون	دستگاه	۹۹۸
کاشی سفید ۱۵×۱۵	ترکیه	آکول	عدد	۱۲
جوجه پگروزه تدم کنار	لوهن	قطعه	عدد	۳۹
سکه باطری	آلمان غربی	اچ بی ۲۱	عدد	۴۲۰۰
پنکه رومیزی سانبو	ژاپن	۱۲ اینچی	دستگاه	۴۴۴۲
بیخال فریزر جنرال الکتریک	آمریکا	۲۱ فوت بدون آپرد کنویساز	دستگاه	۱۰۱۹۸۰
بیخال کیبسون	آمریکا	۱۴ فوت	دستگاه	۱۵۶۹۸
دوچرخه پیکانه	تایوان	۲۰۱۶ اینچ	دستگاه	۵۳۳۱
طباق نایلونی	کره جنوبی		کیلو	۲۵۱
لاپ ۱۵ وات	ایریش		کیلو	۷۸
عظک پلیاستیکی ۳ پدی	ایرستان		عدد	۱۶
مکس میدان آزادی	ژاپن		عدد	۱۷
دوچرخه چشمی کویتار	ژاپن	۸۰×۲۰ سی سی	عدد	۴۴۱۰
فلزک چای ۲۵ لیتری	کره	اپولو ۲۵۰۰	عدد	۱۰۳۶
سوالف	ژاپن	وایتنر	عدد	۳۰
لباسشویی (کهنه دور)	ژاپن	مالمیر	دستگاه	۷۴۲۴
موتورسیکت سوزوکی	ژاپن	تیماس ۲۵۰	دستگاه	۱۱۲۴۹۰
موتورسیکت چویا	ژاپن	تیماس ۲۵۰	دستگاه	۱۱۲۴۹۰
دوچرخه ماژستیک	ژاپن	تیماس ۲۵۰	دستگاه	۱۱۲۴۹۰
بیخال نفتی سی بی	سوئیس	اس سی ۳۳۰	دستگاه	۱۰۰۰۰
موتورسیکت چویا	آلمان غربی	اس سی ۵۰	دستگاه	۱۰۰۰۰
آرامیز کراکات	ژاپن		دستگاه	۲۵۳۷۲
لاپ فنی	ژاپن		دستگاه	۲۱۹۷
فلورست ۴۰ وات	بنگلادش	ای سی زد	عدد	۱۱۳
سوار	بنگلادش	تانگاسرام	عدد	۶۵۹
بخاری برقی ساکورا	ژاپن	سال ۸۱۸	عدد	۱۱۳۰
چرخ خیاطی اسایل	ژاپن		دستگاه	۳۸۴۰
خاکشیر	پاکستان		کیلو	۱۴۷
زردچوبه تکوییده	پاکستان		کیلو	۹۰
اطو برقی بخاری سانبو	ژاپن	الف ۱۰۰۰ اف	کیلو	۲۱۰۷
اجاق گاز فرار	ایتالیا	جیب کوکاز ۲۰۳	دستگاه	۳۲۴۰۲
شیرینی	هند	در قوطی ۱۸ اونی	قوطی	۵۸۴۱
بیخال فریزر زمینی	آلمان	کی اس ۲۱۰۸	دستگاه	۳۵۰۶
پلوپزانو	ژاپن	ای سی ۳۳۰ اونی	عدد	۳۵۰۶
ظهوری	ژاپن	تل ۷۵۰ سالف	دستگاه	۱۰۱۶





بقیه از صفحه ۶ سازمان

راه دریغ نمیورزند. شما ساندن دوستان و دشمنان واقعی خلق کرد در کردستان، وظیفه کمونیستهاست و این همان چیزی است که فدا ثیان از انجام آن شانه خالی کرده و به همین ترتیب ما هیت نضا طبقاتی حزب دمکرات بسا کمونیستها و زحمتکشان کردستان را مسکوت میگذارند. کمونیستها ضمن آنکه رژیم جمهوری اسلامی را بمنا به دشمن عمده خلق کردا رزیا بسی میکنند، نمیتوانند در هر گام از حرکت جنبش مقاومت، سازشکاریها و سیاستها و اقدامات حزب دمکرات و دشمنی آن با نیروهای انقلابی کردستان را افشا ننمایند. افشای حزب و فریبهای شوم نموده ای نسبت به آن، از ملزومات اولیه تداوم و تعمیق را دیکا لیم جنبش مقاومت و بسیج نموده ای حول دمکراتیسم پیگیر طبقه کارگر است. رفقای فدائی بسا سکوت در مقابل سیاستها و عملکردهای حزب دمکرات، ما هیت آنرا تطهیر کرده و با عدم اعلام صریح و قاطع حمایت خود از نیروهای کمونیست در مقابل حملات این حزب، میدان ناخوت و نا زمیراتب و سیمتری جهت تعرض فدا انقلابی آن فراهم میکنند.

۲- چرا این "تضاد" به درگیری حاد منجر گردیده است؟ عملکردها و سیاستهای دوساله حزب دمکرات مبین این واقعیت است که درگیریهای تحمیلی اطراف ما با دا زجانیب این حزب، ادا مه سیاسی است که حزب دمکرات در مقابل جنبش مقاومت و جنبش کمونیستی کردستان اتخاذ نموده است. محدودنگری آشکار است اگر درگیریهای اخیرا صرفا نتیجه اختلافات سطحی و رو بونائی و محدودا رزیا بی کنیم، چرا که فراتر از وجود دو جریان سیاسی که در این درگیریها در مقابل هم قرار گرفته اند، آنچه که مضمون آنرا تعیین میکند تعارض دوسالست فدا انقلابی و انقلابی است که در یکسوی آن حزب دمکرات بمنا به نمایند بورژوازی کرد، ملاکبسن و فئودالها و در سوی دیگر آن، نموده های آگاه خلق کرد و کمونیستها فدا را شئی کرده اند.

چریکهای فدائی میگویند: "درگیریهای حزب دمکرات و کومله در جهت تشدیدتفا ده های درون خلقی است" و نتیجه میگیرند که از این درگیریها "تنها رژیم جمهوری اسلامی است که بیشتر بهره برداری خواهد کرد." (کا ۱۱۱) این تطهیر آشکار چهره حزب دمکرات است. اینکه این رفقا بر چه اساسی ما هیت این "تضاد" را "خلقی" ارزیابی میکنند، بحث دیگری است که با بددر جای خود بدان برداخت، اما آنچه که از سطور بالا میتوان فهمید، اجتناب این رفقا از بیان این واقعیت است که حزب دمکرات این جنگ را به کمونیستها تحمیل کرده است. بهرواضح است که

سیاست کمونیستها در مقابل اقدامات مسلحانه حزب دمکرات، اجتناب از درگیری مسلحانه تا حد امکان، افشاکاری و تربیت سیاسی نموده ها و آگاه گردانیدن آنها به ما هیت حزب دمکرات و در نتیجه منفرد کردن آن میباشد. اما تا زمانی که کمونیستها بطور همه جانبه و گسترده مورد حمله مسلحانه حزب قرار میگیرند، آیا با پیدا زموضع پرولتاریائی خود، از منافع طبقه کارگر و از خواسته های برحق خلق کرد در مقابل بورژوازی فدا انقلابی گامی به عقب بگذارند یا به دفاع از آرمان طبقه کارگر، خلق کرد و دستا ورده های خونین مبارزات خلق کرد برخیزند؟

بنظر میرسد که رفقای فدائی عقب نشینی در مقابل بورژوازی را مجا میداند که اینگونه از تشدیدتفا ده های به اصطلاح درون خلقی نگرانند. این رفقا در قسمتی از مقاله خود مینویسند: "...ما از موضع منافع طبقه کارگر، حزب دمکرات و کومله را مورد خطاب قرار داده و میگوئیم هرگونه درگیری حاد و بر خورد های که منجر به تضعیف جنبش مقاومت و فدا ثیان میشود خیانته به خلق و خیانته به انقلاب محسوب میشود."

چریکهای فدائی مرز بین حزب دمکرات و کومله، مرز بین دمکراتیسم پرولتری و انقلابی با "دمکراسی" کا. ذب بورژواشی و به بیان کلی مرز میان منافع طبقه کارگر و بورژوازی را مخدوش کرده اند. چه کسی با افزایش و گسترش درگیری به تضعیف جنبش مقاومت و خیانته به خلق و انقلاب پرداخته است؟ حزب دمکرات بسا کومله و سا بر کمونیستها؟ چه کسی و در ادا مه چه سیاستهای به درگیری حاد بخشیده و با حمله و دستگیری و شکنجه و کشتن پیشمرگان انقلابی و کمونیستها به رژیم جمهوری اسلامی برای ناخوت و تا زمیدان میدهد؟ چه کسی با توسل به دروغ - پراکنش، افترا و مشوب سا ختن اذهان زحمتکشان کرد نسبت به کمونیستها، نموده های متوهم را جهت حمله به مقروفا تر سا زمانهای کمونیستی، میتینگها و نشریات انقلابی تحریک میکند؟ و بالاخره چه کسی است که آزادیهای دمکراتیک را بمنا به یکی از دستا ورده های گرانقدر دوسال مقاومت خونین و حماسه آفرین خلق کرد در کردستان مورد ناخوت و تا ز خود قرار میدهد؟ اینها سئوالاتی است که فدا ثیان با یدبسان پاسخ گویند.

فدا ثیان مقاله خود را چنین به پایان میرسانند:

"چنانچه حزب دمکرات و کومله در جهت حل مسالمت آمیز اختلافات خود گام مبرندارند ما آنها را در سطح جنبش افشا خواهیم کرد." از نظر سا زمان چریکهای فدائی در برخورد با درگیریهای اخیر، چنین برمی آید که گویا کومله در سیاست و ما هیت با حزب دمکرات تفاوتی ندارد و در "افشاکاری" این سا زمان، هر دو نیرو در مقام مشترکی را دارا هستند! چریکهای فدائی آشکارا بر جناحیات حزب دمکرات پرده سا تسر

افکنده و کومله را در جناحیات این حزب سهیم میدانند! این رفقا با تطهیر چهره بورژوازی فدا انقلابی کرد و مسکوت گذاردن دشمنی آشکار آن با کمونیستها، جنبش مقاومت را از شناخت مدافعین واقعی خود منحرف کرده و مرز بین نیروهای انقلابی و فدا ثیان را مخدوش میکنند. فدا ثیان خلق بدنیا ل تشدیدگرایش روبرو نیستی خود، اینک به تطهیر حزب دمکرات از یکسوی حمله به کومله از سوی دیگر میبرد از نمذ. مواضع چریکهای فدائی در کردستان و بویژه در مقابل مسئله حاضر، بسا نگر موضع وسط گرفتن بین انقلاب و فدا انقلاب است. موضع فدا ثیان خلق نه در خدمت تعمیق را دیکا لیم جنبش خلق کرد، بلکه در خدمت آشتی دادن و مخدوش نمودن سیاستهای متفاد است.

حملات نیروهای نظامی رژیم به روستاهای سنندج شکست خورد!

بدنیا ل حملات ددمنشا نه نیروهای سرکوبگر رژیم به روستاهای اطراف کا مباران و شکست و عقب نشینی آنها در اشرفا و مت قهرمانا نه پیشمرگان، مزدوران جمهوری اسلامی این بار به روستاهای اطراف سنندج حمله کردند. اما اینجا نیز همانند روستای "طا" مقاومت سرخستانه پیشمرگان، نیروهای سرکوبگر را عقب راند:

۶۰/۳/۳ - ستونی از نیروهای دشمن نیمه شب به سمت روستاهای "گیلان" "مه ریزان" و "دا دان" حرکت میکنند. آنها سرگامه مینی - بوس جا مل کارگران را زیر رگبارکا لیبسره ۵۰ گرفته و جوانی بنا مرحمت گویند را به شهادت میرسانند و در اشرفا اعتراضا یرکارگران به این جنایت سه نفر از آنها را دستگیر میکنند. پیشمرگان کومله و بیگاریه محض اطلاع از حضور نیروهای رژیم آنها را زیر آتش سلاحهای خود میگیرند. نیروهای مهاجم پس از تلاشی بی نتیجه در اشرفا مقاومت و تعرض پیشمرگان انقلابی عقب نشینی میکنند. در این نبرد تعدادی از نیروهای سرکوبگر کشته و زخمی شده و یکی از پاداران با سلاح و مهماتش به سارت پیشمرگان در آمد. پیشمرگان سالم به پایگاههای خود بازگشتند. ۶۰/۳/۵ - سرگامه این روز ستونی مرکب از چند خودرو جا مل پاداران، افراد بسیج و جا شها مجددا برای "پاکسازی" بطرف روستاهای "گیلان"، "زان" و "ملک شان" حرکت نمودند. اما به کمین پیشمرگان کومله افتادند. پیشمرگان کومله آنها را زیر آتش سلاحهای سبک و سنگین خود قرار دادند. دشمن طی دو باره پیشروی دوگشته داد. در این جریان دو فروند هلیکوپتر خودنیم ساعت با راکت و کالیبر ۲۵ مواضع پیشمرگان را بشدت میکوبید. بتدریج نیروهای زیادی به کمینک مزدوران در حال جنگ شتا فتند. دشمن در تمام بقیه در صفحه ۲۹

گرامی باد یاد شهدای ۹ خرداد



سالروز سرکوب و کشتار خلق عرب به دست مدتی جلا و یوسیلانه سپاه با سداران و کماندو- های ارتش، سالروز مقاومت خونین توده- های زحمتکش عرب، سال- روز نمايش اراده خلق عرب برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت در اتحاد با بر خلقهای ایران، گرامی باد.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست!
سرقراریسا دجمهوری دنگراتک خلق!
سازمان بیکار ددر راه آزادی طبقه کارگر!
تشکیلات خوزستان (۶۰/۳/۵)

بقیه از صفحه ۲۸ حملات...
طول درگیری مواضع پیشمرگان و روستا های اطراف را با خمپاره ۸۱ میلی متری میکوبیدند. اشرذت درگیری، دشمن برای جمع آوری اجساد کشته های خود مردم را سیرقرا ردا ده نبود. اما اهالی مبارز محل مقاومت میکردند که در نتیجه ۲۲ نفر از آنها توسط مزدوران رژیم دستگیر شدند. دشمن در معیت هلیکوپترها توانست اجساد را جمع آوری کند. در این درگیری که حدود ۷ ساعت طول کشید، مزدوران جمهوری اسلامی در مقابل حملات انقلابی پیشمرگان پس از کشته وزخمی شدن تعداد زیادی از افراد خود، عقب نشینی نمودند. یکی از کشته ها فرمانده عملیات با سداران سندنج بوده است. همچنین چندین خودرودشمن آسیب دیدند. دریا بان نبرد پیشمرگان سالم به با بیگانه- های خود با زگشتند. در این جریان پیشمرگان بیکار را پیشمرگان کومله همکاری داشتند. مقاومت قهرمانانه پیشمرگان کومله روحیه مبارزاتی مردم روستا های منطقه را بالا برده است و هنگامیکه پیشمرگان به روستا ها بازگشتند مورد استقبال پر شور و گرم نظیر اهالی قرار گرفتند.

(نقل وتلخیص از خبرنامه ۱۲۶ کومله)

سعید سلطانپور آزاد باید گردد

مدتی است که سعید سلطانپور، شاهزاده و هنرمند مبارز دوران رژیم شاه به دست مرتجعین حاکم دستگیر شده است. او که سابقا در سیاه چالهای رژیم شاه زندانی بوده هم اکنون نیز در زندان بسر میبرد. دستگیری او در چهار رجب سرکوبها و فشارهایی است که رژیم علیه نیروهای کمونیست و انقلابی و هنرمندان و نویسندگان مبارز بیکار میبرد. ما هممدا با دیگر نیروهای انقلابی دستگیری او را محکوم میکنیم و آزادی او را همانند آزادی همه زندانیان سیاسی انقلابی و مترقی مصر خواهانیم.

رفتما محسن فاضل مبارز قدیمی

و یار خلق فلسطین

و علیرضا رحمانی (شستانی)

فرزند خلق بلوچ آزاد باید گردند!

دستگیری چهار نفر از زحمتکشان می بردا زندک البته با فشارهای زحمتکشان ناچار میشوند بتدریج آنها را آزاد کنند. با وجودی که اهالی سیاهدشت پس از درگیری چهار نفر مانده از میان خود انتخاب کرده و برای مذاکره با صباغیان که مسئول تصویب این لایحه بود میفرستند ولی طبق معمول ترتیب اثری به خواسته آنها داده نمیشود.

بودجه... ۱۲

کشورهای امپریالیستی فراهم مینمایند. این صنوعات شامل کالاهای مصرفی و نیز کالاهای واسطه ای و ماشین آلات برای صنایعی که از لحاظ تکنولوژی و سرمایه وابسته اند میگردند. همچنین نقش این منابع مالی در توسعه امکانات و تاسیسات زیربنایی و غیره (طبق همان ساختار و الگوئی که با نیا ز مندیبهایی امپریالیسم و ویژگی یک کشور وابسته منطبق است) به مدور سرمایه های امپریالیستی به این کشورها ابعاد بیشتری میدهد.

ایقنای الگوی مذکور وضعیت موجود این کشورها را بعنوان کشورهایی که با زار فروش حوزه مدور سرمایه و مناطق معاملات سودمند برای امپریالیستها هستند تداوم خواهد بخشید. در کشور ما همانطور که قبلا اشاره کردیم در آمدنفت، سهم عظیمی در درآمد ملی داشته و لذا بخش عمده بودجه دولت را نیز تشکیل میدهد. اینک به بررسی درآمد حاصل از نفت در بودجه سال ۶۰ میپردازیم.

(ادامه دارد.)

بقیه از صفحه ۷ سرکوب... ۷

و در درگیری های که روی میدهد، چندین زن زحمتکش شدت مضروب شده و از شدت ضربات قنداق تنگ با سداران و سپاه مگان، صورت بچهای که در سفل ما درس بود کبود میشود. مردم نیز متغایلا در دفاع از خواسته های بحق خود پیراهن تعدادی از با سداران را پاره میکنند. عمال مزدور رژیم که از سرکوب مسرمد، نمیتوانند کاری پیش ببرند بدینوجا نه...

زندانی سیاسی انقلابی، بهمت توده ها آزاد باید گردد!

پیروز باد انقلاب دمکراتیک- ضد امپریالیستی خلق عمان

نهم زوشن (۱۹ خرداد) مصادف است با نژاد هفتمین سالگرد آغاز مبارزه مسلحانه خلق در عمان. ما بدین مناسبت ضمن گرامی میداشت خاطر اینروز، از مبارزه انقلابی دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلق عمان علیه امپریالیستهای انگلیسی و آمریکایی و رژیم دست نشانده سلطان قابوس و دیگر رژیمهای ارتجاعی منطقه خلیج حمایت میکنیم.



بقیه از صفحه ۲۲ یادداشتها...

کردن او در متن حوادث و رویدادها از خود نشان نمیدهد. البته بنی صدر همان مباحثه، جا را برای رویارویی با خمینی درآینده بطور تلویحی باز گذاشت و گفت: "من روی اصولی که پذیرفته‌ام و اعتقادی که دارم مقابل اما من خواهم شدم، بنا بر این من تا این حد ایستادگی خواهم کرد و از این حده آنطرف آنچه را که صحیح بداند بپذیرم خواهم گفت". (مباحثه بنی صدر، روزتنبیه ۹ خرداد ماه)

بنی صدر نتواند در بابت گفت‌وگو و حکمیری تضادهای دو جناح لیبرالها و حزب در حکومت، در سرانجام خود بطور اکتفا بنا پذیرد و علیرغم نیات هر طرف، خمینی را ریزنده دایره ایمن تضادها خواهد گذاشت. دوباره توجه به گرایش و جهت گیری های عمومی وی، از او آواز به تقابل آشکار با لیبرالها، بویژه بنی صدر، خواهد نمود. این موضوع در واقع به معنای آن است که در راستای بنی صدر این تضادها، خمینی بیش از پیش بویسته طاقی حویث را خواهد شکست، هر چند که بیلحاظ او، این جهت گیری به معنای فروریختن چهره "معنوی" و "مقدس" ولی امر است که میکوشد تا تکلیف بر همین ظاهرها و ظاهر است. طبقاتی حویث، رژیم کنونی را تئولوژی میانی کرده و معیشت "لبنی" قلمداد نماید تا آنکه از دستگیری توده ها در امان بماند.

بهر صورت، یکی از مهم ترین نتایج و نکات برجسته حوادث و رویدادهای سیاسی چند روزه گذشته، همین تقابل و رویارویی آیت الله خمینی رسی می بود که موضوع در سطح جامعه مریبان و عیان گردید.

علاوه بر این در مباحثه آیت الله خمینی، آنچه که به نحو برجسته ای محسوس بود، ترس و هراس بسا بقوی از دام گرفتن ناراضی پتی و مبارزه مردم بر علیه نظام جمهوری اسلامی بود. او علیرغم همه تاکیدها و کاذب و عوام فریبانه های سر پشینیانی، مردم را "اسلام" و "جمهوری اسلامی" و تکرار مکرر آن، بوضوح "انگازهای آینده را که همه حکومت را در کام خود فروخواهد برد، پپس - بینی و نسبت بدان هشدار داد و سردمداران رژیم بویژه لیبرالها را به درک این موقعیت خطیر فراخواند. او با هراس تمام از یکی از ایام الله سخن گفت که در آن سرنوشت جمهوری اسلامی به سرنوشت رژیم متفورها و هتاهای دحار نشود: "بترسید! زاینکه دیک وقت انفجاری حاصل بشود و همه ما را به باد دمانا بدهد." و "بترسید! ز آن روزی که این مردم بفهمند در این ذات شما چیست و یک وقت انفجار حاصل بشود، از آن روز بترسند که ممکن است یکی از ایام الله خدای بخوایسته، با زبیدا بشود و آنروز دیگر ققیه ای نیست که برگردیم به ۲۲ بهمن، قضیه ای است که تا تحسید همه ما را میخواند" (همان سخنرانی).

آیت الله خمینی، در سیمای اوضاع سیاسی کنونی، بوضوح آن "یوم الله" را پیش بینی میکند. او بخوبی و با غریزه طبقاتی خود درک میکند که

جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۴ تشدید...
۲- صنعت نفت:

رژیم جمهوری اسلامی با شروع جنگ ارتجاعی علاوه بر آوار و آره نمودن هزاران تن از زحمتکشان منطقه و خانواده های کارگران، با وضع قوانین ارتجاعی سعی نمود که کارکنان صنعت نفت - احوال را به قیمت وادار به رعایت ساعات کار قبلی بنماید. اما کارکنان صنعت نفت که به تدریج ماهیت رژیم و جنگ ارتجاعی برایشان روشن میشد، دیگر حاضر نبودند به گوشت دم توب سرما به داران تبدیل شده و به بخشنامه ها و قوانین ارتجاعی رژیم گردن بگذارند. کارکنان مبارز برای کاهش روزهای کار دست به مبارزه زده و موفق شدند ایام کار خود را سه هفته کار، دو هفته استراحت برای کارکنان روزکار و روزکار ۵۰ روز استراحت برای کارکنان نوبتکار برسانند. رژیم بدینال این مبارزات پیروز نمند، با سراسیمگی بخشنامه های با امضای نخست وزیر صادر کرده و طی آن اولا خواستار "تطبیق کارموسسات با اساننداری" و ثانیا "اجرای ایام کار به صورت ۴ هفته کار، ۴ روز استراحت میشود. اما استاندارد ری خوزستان و مسئولین دولتی صنعت نفت از بیم و جکبری اعتراضات کارکنان جرات اجرای این بخشنامه را پیدا نکرد و بلافاصله بخشنامه دیگری با امضای یکی از مقامات صنعت نفت صادر کرده و بنسویه موزرانه ای ایام کار را ۳ هفته کار و ۶ روز استراحت تعیین میکنند و سنا و در مبارزات کارگران را با بیشرمی طرح آزمایشی "جلوه داده و اوضاع جنگی و طاقت - فرسای منطقه را با کلمه "غیرعادی" لاپوشانی کرده و ۳ ساعت به ساعات کار پنجشنبه می افزایند.

هدف رژیم از بخشنامه های بالا فقط و فقط استعمار بیشتر کارگران و تصرف دستاورد مبارزاتی آنهاست.

کارگران مبارز صنعت نفت! بکوشیم همپای سایر کارگران ایران از دستاوردهای مبارزاتی خود همچون مردمک چشم محافظت نمائیم. ۳- آب و برق اهواز: کارگران مبارز اهواز از زمان آب و برق اهواز که در اردیبهشت ماه در طی مبارزات خود موفق شده بودند ساعت کار خود را به علت شرایط جنگی ۲۱ روزکار و ۷ روز استراحت تشبیه کرده و به رژیم تحمیل نمائند در تاریخ ۶۰/۳/۱ بخشنامه ای به امضای مدیر عامل آب و برق اهواز و برور میثوند که در آن اعلام شده بود که ساعات کار کارکنان از تاریخ فوق بصورت عادی خواهد بود.

کارگران مبارز!

چشم اندازی که رژیم جمهوری اسلامی در سال جاری در مقابل شما قرار داده چیزی جز سرکوب مبارزات برحق کارگری به هر قیمت، پس گرفتن دستاوردهای مبارزاتی تان (۴۰ ساعت کار در هفته و...) دستگیری و اخراج کارگران مبارز، برهم زدن شوراهای واقعی و پراهناندختن شوراهای قلابی و... نیست. اما تا دو یکبار چگی و تشکل و آگاهی شماست که این توطئه ها را چون تخی سربالا بصورت رژیم سرما به داری برخواهد گرداند.

پس پیش بسوی تشکیل شوراهای واقعی!

منجمله بنی صدر است. سخنرانی آیت الله خمینی، در واقع به منظور مقابله با بحران سیاسی کنونی و بویژه بحران درونی حکومت، گسسته در طی این دوره اخیر به بالاترین حد خویش و به بن بست تنگ نفس آفرینی گرفتار آمده بود، ایراد گردید لیکن این سخنرانی و این هشدارها چه بلحاظ ماهیت این بن بست و کیفیت آن در شرایط حاضریه به لحاظ روند و نتایج آن با پذیر حرکت تضاد هادر شرایط کنونی جامعه، تا شیری جدی در فروکش این بحران نخواهد گذاشت، حتی به اندازه موارد گذشته نیز نمیتواند بعنوان داری مسکن موثری واقع شود. درست به همین دلیل است که می بینیم علیرغم این اظهارات و حملات خمینی، صحنه سیاسی جامعه که امکان عرصه نجات و تازهای رفقای حکومتی بر علیه یکدیگر است، و این واقعیتی است که علیرغم راه زعمای هر جناح بنا گزیر خویشتن را تحمیل کرده است. بن بست درون حکومت یک بن بست واقعی است!

در پس این بحران سیاسی و شکاف ها و لرزشهایی که بر اندام نظام کنونی ایجاد شده است، منطقه طوفان ها شنی نهفته است که رژیم سیاسی ارتجاعی خاکم را از بیخ و بن برخواهد کند. او شکافهای ناشی از گسترش مبارزه طبقاتی و رشد آگاهی توده ها در یکبسر جمهوری اسلامی را بخوبی احساس میکنند و میبینند که منازعات میان جناحهای مختلف حکومت، همچون تیشه ای مردم بین شکاف ها را با زتر میکند. این چنین است که وفرا ترا زمانه ای با آن جناح - و علیرغم آنکه به پشتیبانی از جناح حزب در برابر لیبرالها برخاسته است - مصالح کل نظام سرما به داری رژیم بورژوازی حاکم را کوشند میکنند. و از همین جا است که هر گونه خطای را، چنانچه به سرنوشت "اسلام" و "پا در واقع، رژیم سیاسی و نظم سفسروحا کم خنده وارد آورد، از جمله گناهای ناخوددنی میدانده و ملین آن را "تشدیدی الارض" می شناسد و صد البته که در این مسروری سختش بیش از هر کس به لیبرالها و

در حاشیه سخنرانی
آخر آیت الله خمینی:
رویاروئی آشکار خمینی
و بنی صدر در برابر یکدیگر



رژیم، شناسائی فلسطین
بجایوان یک دولت را
پس گرفت!

حضان آیت الله خمینی در برابر نمایندگان مجلس، کدورتی او حکیری بحران سیاسی و تضادهای درون حکومت ایران را در دید و نیمه‌صاحبه سنی مدیرین از این سخنرانی، از میزبانان واقع دو هفته اخیر محسوب می‌شوند. آیت الله خمینی، در این سخنرانی با شدیدترین لحنی که تاکنون در سابقه بوده است، به لیبرال‌ها و سنی جدر حمله کرده و دفاع از جناح رقیب یعنی دولت رجایی، مجلس و نیز روحا نیت برداخت.

این سخنرانی در واقع پاسخی بوده جنوم تبلیغاتی وسیع لیبرال‌ها به دعای امت سنی صدر به حزب جمهوری اسلامی و روحا نیت طرفدار آن و شهادت‌های دولتی تحت سیطره حزب، که در تعدادم خویش و طرح مسئله رفتار اندام زبونی صدر، از جمله به "حزب" رفتار زفته به تقابل با خمینی نیز اشاعه مید. طرح مسئله رفتار اندام زبونی صدر در واقع رویاروئی آشکار با امروالیت فقیه و به زیر سؤال بردن مشروعیت آن بود. و همسین مسئله بود که بیش از هر چیز، آیت الله خمینی را، که همواره گوشیده است با اینکه برانبل بیگانه، ارتجاعی ولایت فقیه، خوشترن را به منانه یک داورما و راه طیفات و جناح بددیهای سیاسی حکومت، قلمداد نماید، بخوش آورد. رفتار اندام همواره یکی از شیوه‌های عوا مغربانه، بورژوازی در مشروعیت بخشیدن به با نه‌های قدرت خویش در برابر بنوده‌ها و با در برابر جناح‌های رقیب بوده است. در رفتار اندام، بورژوازی به رای مردمی گردن بگذار که در واقع در چهار چوب نظم سرمایه به داری و در دایره قانونیت رژیم بورژوازی، مختارند که "آزادانه" درباره مسئله‌ای که بورژوازی به "رای مردم" یعنی رفتار اندام میگذارد، رای دهند. این ابزار، همچون سایر اتمان، از جمله ابزارهای تحمیق و فریب بورژوازی است که همواره و بسویژه در لحظات بحرانی برای نجات حیات سرما به داری و بورژوازی "موردا" استفاده قرار گرفته است. طرح مسئله، رفتار اندام از جانب سنی صدر، صرف نظر از امکان یا عدم امکان عملی آن در مقطع حاضر، بی‌شک به معنای توسل به "مردم" برای مشروعیت بخشیدن به خود، در برابر جناح حزبی بود.

از جانب دیگر، اصل ولایت فقیه بمثابه و هلدای نا جنب پررو بنای سرما به داری، در ضدیت آشکارانه تنها با حقوق دموکراتیک توده‌ها بطور

کلی، بلکه حتی با همان نهادها و ابزارهای بورژوازی قرار دارد. مطابق این قانون، آن چیزی که ملاک اصلی مشروعیت هر بدیده‌ای و منجمله جناح‌های مختلف رژیم در نظام سیاسی کنونی است، امروالیت فقیه است نه "مردم" و نه نهادها و بورژوازی که ظاهرا منکی به مزدم هستند. مطابق این اصل، رای و تصمیم‌ولی امر، بدلیل ذاتی نه احکام اساسی اسلام، در ورای هر چیزی قرار دارد و هیچکس نباید در جاری شدن این تصمیم تردیدی داشته باشد. حتی اگر همگان ومثلا تماما مردم با این تصمیم در مخالفت قرار گیرند، در همان مجلس خبرگان، هنگام بحث بر سر این اصل ارتجاعی، آیت الله منتظری، در تشریح این اصل گفت که هر "الدنگی" (یعنی گفته خود او) که برای ریاست جمهوری در نظر گرفته شود، حتی اگر همه مردم همه‌ها و رای داده باشند، چنانچه مورد مخالفت ولی امر قرار گیرد، هیچ مشروعیتی نخواهد داشت و باید از گردونه خارج شود. اکنون که سنی صدر، با طرح مسئله رفتار اندام به حریم مقدس ولایت فقیه تجاوز کرد، آن جنابان ختم آیت الله را برانگیخت که او را به موضعگیری کشانند. آیت الله خمینی در این سخنرانی شمشیر ولایت فقیه را دوباره از نیام برکشید و در میان انبوهی از اسراها و حملات تحقیر آمیز به سردمداران رژیم بسویزه سنی صدر، (که با بس هم را "مزابای" همین اصل ولایت فقیه است!) تا کنون در کدها، مرا و، و رای همه آرا، و تمام سلات است، حتی اگر همگان مخالف آن باشند؛ "آقای رئیس جمهور حدودش در قانون اساسی چه هست یک قدم آنور بگذارد، من با او مخالفت میکنم، اگر همه مردم هم موافق نباشند من مخالفت میکنم." (سخنرانی خمینی)

این مجادلات و موضع گیریهای متقابل، در واقع اولین رویاروئی آشکار سنی صدر و خمینی بود که در تکامل تضادهای درون هیئت حاکمه، به شکلی اجتناب ناپذیر امکان ظهور یافت. البته سنی صدر اکنون خود را در موقعیتی نمی بیند که به تقابل آشکار با خمینی بپردازد. مباحثه هفته گذشته و نیز نشانه‌های از این واقعیت است. اما همچنان که از مضمون همان مباحثه تلویحا پیداست، سنی صدر به نحو برجسته‌ای نسبت به گذشته، می‌کوشد تا خمینی را در جاسه رویدادها نگاه دارد و او را مولا تاملی به مطرح

تجدید صفحه ۳۱

حمایت سیدریخ خلقهای قهرمان ایران طی سالهای گذشته از انقلاب مسلحانه خلق فلسطین و پشتیبانی از حق این خلق ستمدیده و قهرمان در تعیین سرنوشت خویش، رژیم جمهوری اسلامی را در فرسادی قیام مجبور کرد که با زمسان آرا دینیش فلسطین را که تنها نماینده خلق فلسطین است بعنوان یک دولت رسمیت بشناسد. رژیم جمهوری اسلامی در این رابطه دست به جد عوا مغربینیه که نزدیک به ادعاهای و قبحانه‌های رادارشه "کمک" به خلق فلسطین در رسانه‌های گروهیش به راه نیاندخت! اینک که آنها از اسباب افتادهاست رژیم توانسته با فریبکا رسها و "انقلابی نمائی" های خویش "بر خرماد" سوار شود بر گریستن مواضع سیاسی دروغین خویش را تا زکمرده است. می‌کوشد "دروغین"، زیرا تا به امروز هیچ کسکی از سوی این رژیم به خلق فلسطین (جز یک مشت حرفهای مفت کاسیکارانه) داده نشده است.

بهر حال، طبق اطلاعات شوقی، رژیم جمهوری اسلامی اخبار به سفارت فلسطین در تهران اعلام کرده است که حتی ندارد حضور را "سفارت" ننماید. این بدین معنی است که مسئولان دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین از حقوق دینما تیک برخوردار نخواهند بود چرا که تنها بنده قانونی و رسمی خلق خویش هستند!

رژیم جمهوری اسلامی که با کلیه همپالکی‌های خود در سرا در دنیا روابط حسنه بخصوص تجاری گسترده دارد و قرا راداهای کلان بسا امیریا لیستهای گوناگون می بندد، البته نمیواند با خلق فلسطین بهتر از این رفتار نماید! ما هرگز انظار ی جرخجرا زیست بدن به خلقهای ایران و فلسطین و عمان و غیره از این رژیم نداننده ایم.

اما علیرغم همه اینها، خلق زحمتکش فلسطین، با اتکا به مبارزه انقلابی خود و همسزمان واقعی اش که ما با کارگران و رزمندگان ایران و جهان هستند، تا آزادی کامل فلسطین به پیش خواهد رفت.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست